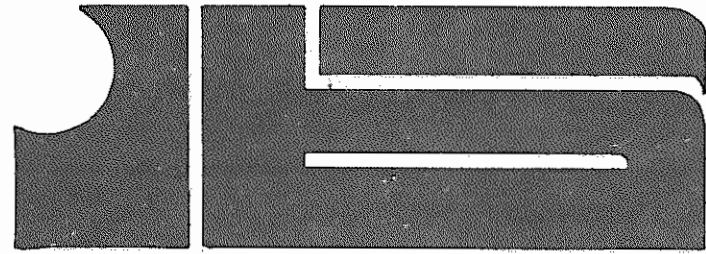


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

سال سوم - چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰

شماره ۱۱۰ - ۲۸ صفحه - ۳۰ ریال

اجرای قانون اساسی ضرورت حیاتی انقلاب ایران واکنش مثبت مجاهدین خلق در قبال تحولات جاری به سود انقلاب است

فقط اگر همه مردم با هم متحد باشند، امپریالیسم آمریکا هیچ غلطي نمی تواند بکند. این شعار بغایت درستی است که ما همواره بر آن تاکید داشته و داریم. درک عمیق همین شعار است که ما را بر می انگیزد در جهت وحدت همه مردم میهنمان و همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست، پیگیر و خستگی ناپذیر مبارزه کنیم. راه حصول به وحدت، راهی چندان آسان نیست.

وحدت همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست وقتی که حاصل شود، در واقع ما بخش مهم راهی را که به پیروزی نهایی انقلاب منتهی می شود، پیموده ایم.

بقیه در صفحه ۲

دفاع از لایحه قصاص نشانه بی اطلاعی از شرایط و بی اعتنائی به مصالح انقلاب

در صفحه ۲۲

از یاد داشت های فدائیان خلق در جنبه های جنوب

فرار قهرمانانه فدائیان خلق و پاسداران از زندان بصره

در صفحه ۴

« شورای مرکزی اهل سنت » دست پخت تازه امپریالیسم آمریکا و کنفرانس طائف

علیه انقلاب ایران

در صفحه ۲۳

بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۶۰

از طریق معاملات تهاتری بودجه دولت را می توان با مصالح انقلاب هماهنگ کرد

در صفحه ۲۴

علیه جنایتکارانی که میتینگ اول ماه مه را به خون کشیدند از طرف سازمان به دادستان کل کشور و دادستان تهران شکایت شد

تهاجم جنایتکارانه عناصر ضد انقلابی، قشری و سه جهانی به میتینگ میدان آزادی که به شهادت برخی از هم میهنان انقلابی و مبارز ما و زخمی شدن صدها تن از مردم گردید، این سؤال را برای میلیون ها تن از هم میهنان ما مطرح کرده است که دولت جمهوری اسلامی تا چه حد در شناسایی، تعقیب و مجازات جنایتکاران از خود پیگیری نشان خواهد داد.

سازمان ما علیه مهاجمان و همچنین علیه مامورانی که با سهل انگاری به مهاجمان فرصت به خون کشیدن میتینگ را داده اند، بطور جداگانه به دادستانی کل کشور و تهران شکایت برده است.

در صفحه ۲۰

در این شماره:

با تامین آب زراعی،
روستاهای رخصت هندجان راحت
افراس بولد سازی دجیم

حسین کارگری آبران
جشن اول ناده
در یکی از فهود خانه های
خانی آباد

حسین دهستانی آبران

افزایش تولید محصولات
کشاورزی بخصوص گندم
با اجرای اصلاحات ارضی
ایجاد تعاونی های بولد
و مکانیزاسیون سنگین است

اخلاقگری

خلق مسلمانانی ها در کارخانه سیمان ری

ابنکار کارگران شیلات آشوراده
در ساخت قطعات دیزل های دریائی

متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

اجرای قانون اساسی ..

ایران نباشد.

چرا حکومت جمهوری اسلامی رسماً آزادی فعالیت‌های سیاسی را اعلام داشته است؟

۱- پس از تسخیر سفارت آمریکا، نیروهائی که هرگز حاضر نشدند اقدام دانشجویان خط امام را عملی ضدامپریالیستی بدانند، نیروهائی که هرگز مبارزه جمهوری اسلامی را علیه امپریالیسم آمریکا و علیه متحدان امپریالیسم درک نکردند، اعلام داشتند که این یک "عوام‌فریبی ضدامپریالیستی" است و یا می‌گفتند که چون توده‌ها خواهان مبارزه ضد امپریالیستی هستند، جمهوری اسلامی ناچار زیر فشار توده‌ها و به منظور "فریب توده‌ها" به این کار اقدام کرده است. ما در آن زمان در پاسخ می‌گفتیم که چرا این "عوام‌فریبی‌های ضدامپریالیستی" را بازرگان‌ها حاضر نیستند بکنند؟ چرا امیران نظام‌ها و بازرگان‌ها حاضر نیستند زیر فشار توده‌ها مبارزه ضدامپریالیستی کنند؟! آیا لیبرال‌ها حاضرند زیر فشار توده‌ها سفارت آمریکا را تسخیر کنند و در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها به افشای چهره امپریالیسم آمریکا بپردازند؟ قطعاً پاسخ این سئوالات منفی است. برخورد به خواسته‌ها و مطالبات توده‌ها نیز تابع ماهیت طبقاتی هر حکومتی است. نیروئی که حاضر است به خواسته توده‌ها، به خواسته ضدامپریالیستی توده‌ها تن در دهد، خود نیروئی است ماهیتاً ضدامپریالیست. نیروهای وابسته به امپریالیسم در مقابل خواسته‌ها و تمایلات ضدامپریالیستی توده‌ها می‌ایستند. متأسفانه درک نادرستی که مبارزه ضدامپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی را نتیجه ماهیت ضدامپریالیستی آن نمی‌دانند، هرچند که تا اندازه زیادی ضربه خورده است اما همچنان در برخی نیروها وجود دارد.

هستند نیروهائی که اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب، دعوت جمهوری اسلامی به مباحثه آزاد و خلاصه اعلام پذیرش فعالیت سیاسی نیروها بر مبنای قانون جمهوری اسلامی از جانب دولت جمهوری اسلامی را "عوام‌فریبی" می‌دانند. از این رو لازم است معلوم کنیم که چرا واقعا جمهوری اسلامی آزادی فعالیت‌های سیاسی را پذیرفته است و همه نیروهای سیاسی را به فعالیت در چهارچوب قانون اساسی دعوت کرده است. مسلماً حکومتی که نخواهد علیه امپریالیسم مبارزه کند، حکومتی که نخواهد علیه سرمایه‌داری وابسته مبارزه کند، حکومتی که نخواهد علیه زمینداران بزرگ، علیه همه متحدان امپریالیسم در ایران مبارزه کند، به هیچ‌وجه نیازی در خود نمی‌بیند که آزادی سیاسی نیروهای ضدامپریالیست، ضد سرمایه‌داری وابسته و ضد زمینداران بزرگ را بپذیرد. جمهوری اسلامی علیه امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن در مبارزه است، با رژیم مرتجع صدام در جنگ است، با سرمایه‌داری وابسته، تجار بزرگ و زمینداران بزرگ مبارزه می‌کند. مسلم است که مبارزه ضدامپریالیستی، تعمیق مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته و زمینداران بزرگ و مبارزه علیه لیبرال‌ها، پذیرش موجودیت نیروهای ضدامپریالیست را طلب می‌کند. مثل روز روشن است دولتی که با امپریالیسم آمریکا سازش کرده باشد، با رژیم‌های مرتجع منطقه، با زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته و سایر متحدان داخلی امپریالیسم سازش کرده باشد، نه تنها هیچ لزومی نمی‌بیند آزادی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی را بپذیرد، بلکه همانطور که اشاره رفت، ناچار با این نیروها در جنگ قرار می‌گیرد. به اعتقاد ما تحول در دیدگاه جمهوری اسلامی در قبال آزادی‌های سیاسی، صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب، سخنان مقامات جمهوری مبنی بر آزادی فعالیت‌های سیاسی و نطق اخیر امام خمینی که اعلام داشت نیروهائی که علیه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه نکنند، آزادند فعالیت سیاسی داشته باشند، نشریه داشته باشند و... همگی به ماهیت جمهوری اسلامی بازمی‌گردد.

رژیم ضیاءالحق، رژیم عربستان سعودی، رژیم

امروز شرط لازم و بی‌چون‌وچرای حصول به وحدت، حاکمیت قانون و استقرار آزادی‌های سیاسی است. وحدت، بدون تأمین و تضمین این آزادی‌ها امکان‌پذیر نیست. استقرار حاکمیت قانون و تحقق آزادی‌های سیاسی یعنی آنکه حکومت جمهوری اسلامی موجودیت سایر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را ببذیرد. یعنی آنکه همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست با وجود همه اختلافات عقیدتی، ایدئولوژیک و غیره همان‌گونه که قانون اساسی جمهوری تصریح کرده است از آزادی کامل فعالیت‌های سیاسی در سطح جامعه برخوردار باشند و جمهوری اسلامی این آزادی‌ها را تضمین کند.

اگر جمهوری اسلامی موجودیت نیروهای سیاسی ضد امپریالیست را نپذیرد، صدالبته با چنین نیروهائی که از نظر او وجود ندارند و اگر هم دارند باید نفی شوند، وحدت هم نخواهد کرد. وحدت، نسبت به پذیرش موجودیت این نیروها امری ثانوی است. باید نخست پذیرفت که دیگران هم وجود دارند و سپس دست‌انتهائی را که برای وحدت دراز شده است، فشرود.

بنابراین امروز دفاع از آزادی‌های سیاسی، دفاع از حکومت قانون، در واقع امر، دفاع از وحدت خلق و همه نیروهای ضدامپریالیست است و چون چنین وحدتی شرط لازم برای پیروزی است، پس دفاع از آزادی‌های سیاسی و تلاش در جهت کسب و تثبیت آن وجهی از مبارزه ضدامپریالیستی است.

با چنین درکی از آزادی‌های سیاسی است که سازمان ما همواره در راه تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی تلاش کرده است.

دیدگاه انحصارطلبانه‌ای که تنها خود را می‌بیند، تنها خود را ضدامپریالیست می‌داند و تنها برای خود آزادی کامل فعالیت‌های سیاسی قائل است، بدون تردید مانع جدی تفاهم میان نیروهای ضدامپریالیست میهن ما است.

هرچند که چنین دیدگاهی همچنان در جمهوری ریشه‌دار است و همچنان تلاش دارد قانون و آزادی‌های سیاسی و غیره را به روایت و سیاق گذشته معنی کند، اما این گرایش، امروز بسی ضعیف‌تر از گذشته شده است و برخورد آگاهانه و هشیارانه نیروهای انقلابی در قبال تحولات جاری می‌تواند آن را ضعیف‌تر و ضعیف‌تر سازد و همه راه‌ها را بر آن ببندد. همچنان که برخوردهای غیرمسئولانه و کودگانه در قبال مسائل جاری حتی هنوز می‌تواند راه غلبه این گرایش را بر جمهوری هموار گرداند.

مبارزه باید قبل از هرچیز دریابیم که چرا گرایش انحصارطلبانه در جمهوری تضعیف شده و چرا حکومت جمهوری اسلامی سرانجام با صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب، با دعوت نیروهای سیاسی به بحث آزاد و بالاخره با اعلام صریح آزادی فعالیت‌های سیاسی توسط آیت‌الله خمینی (روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت) عملاً آزادی فعالیت‌های سیاسی را بر مبنای قوانین جمهوری پذیرفته است.

پاسخ درست و علمی به این سؤال قطعاً به ما یاری می‌دهد که سیاستی درست و سنجیده را در قبال مسائل جاری اتخاذ کنیم و برعکس، پاسخ نادرست به مسئله می‌تواند منجر به اتخاذ سیاستی مفایر مصالح انقلاب، مفایر آزادی‌های سیاسی و در جهت تقویت گرایش‌های انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه گردد.

بررسی این مسئله و تعیین پاسخ درست این سؤال به‌ویژه از آنجا در خور اهمیت است که برخی از نیروهای سیاسی منجمله سازمان مجاهدین خلق همچنان به ریشه‌های ترین علت تحولات جاری بی‌توجه مانده و شاید چنین می‌پندارند که این تحولات جمهوری ربطی به ماهیت درونی نیروهای غالب بر جمهوری نداشته و عمدتاً نتیجه فشارهای بیرونی وارده از پائین و بالا به این نیروها است. چنین تصور نادرستی قطعاً می‌تواند به نتیجه‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های نادرستی بیانجامد و عملاً نیروهای حامل این نتیجه‌گیری‌های نادرست را به گوشه‌راهائی کشاند که ثمره آن چیزی جز تضعیف آزادی و دمکراسی تقویت گرایش‌های انحصارطلبانه، تقویت لیبرال‌ها و بطور کلی تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم

ترکیه، هیچ ضرورتی نمی‌بینند که به خواست توده‌های مردم این کشورها مبنی بر آزادی‌های سیاسی تن دردهند. پذیرش این آزادی‌ها در ماهیت چنان حکومت‌هائی نیست. تحولات اخیر و پذیرش آزادی‌های سیاسی توسط حکومت جمهوری اسلامی قبل از هرچیز به ماهیت طبقاتی نیروهای جمهوری اسلامی باز می‌گردد. دیدگاهی که بدون درک ماهیت نیروهای جمهوری اسلامی پذیرش آزادی‌های سیاسی را از جانب حکومت جمهوری اسلامی تنها نتیجه فشارهای بیرونی می‌داند، دیدگاهی است که عملاً به ماهیت طبقاتی خود این حکومت‌ها بی‌توجه است. ما اعتقاد داریم که بدون درک این واقعیت نمی‌توان سیاست درستی در قبال تحولات موجود اتخاذ نمود. هر نیروئی که بخواهد تحولات موجود در دیدگاه جمهوری اسلامی را جدا از ماهیت نیروهای حکومت بداند، قطعاً در اتخاذ سیاست، نسبت به این تحولات مرتکب اشتباه خواهد شد.

۲- مسئله دیگری که قطعاتی تضعیف نسبی گرایش‌های انحصارطلبانه و برخی عناصر و محافل انحصارطلب جمهوری اسلامی تاثیر چشم‌گیر داشته، اعتراض و مبارزه وسیع توده‌های مردم و نیروهای انقلابی علیه انحصارطلبی‌ها و تنگ‌نظری‌ها است. مبارزه علیه گرایش‌های انحصارطلبانه، علیه گرایش‌هایی که موجودیت و نتیجتاً آزادی فعالیت سیاسی سایرین را نمی‌پذیرد، قطعاً موجب تضعیف این گرایش می‌گردد. بدون اعتراضات وسیع توده‌ها و نیروهای انقلابی علیه گرایش‌های انحصارطلبانه و برای کسب آزادی‌های سیاسی نمی‌توان انتظار داشت که تحقق این آزادی‌ها با حداقل شتاب لازم عملی گردد و با توجه به این که هرچه تحقق آزادی‌های سیاسی به تعویق افتد، تشنج و درگیری، هرج و مرج و پراکندگی میان مردم گسترش می‌یابد و خطر غلبه ضدانقلاب و شکست انقلاب را افزایش می‌دهد، می‌توان به وضوح دریافت که مبارزه برای استقرار حاکمیت قانون و پذیرفته شدن عملی آزادی‌های سیاسی و تثبیت این آزادی‌ها تا چه حد برای انقلاب حیاتی است. لیکن مبارزه برای استقرار آزادی‌های سیاسی به‌ویژه در شرایط کنونی، امری بسیار حساس و دقیق است که هرگاه بدون درک همه جوانب آن انجام گیرد، نه تنها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، بلکه می‌تواند به ضد خود بدل گردد. مبارزه نادرست در این راه، از سوئی می‌تواند نیروهائی مانند لیبرال‌ها و امثال آنان را تقویت کند و از سوی دیگر می‌تواند موجب تقویت گرایش انحصارطلبانه، تضعیف گرایشات دمکراتیک و غیره گردد.

با توجه به همه موارد فوق است که ما درک یکساله گذشته سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر نیروهائی را که در این زمینه شبیه آن می‌اندیشند، درک می‌شناسیم که مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی را از کانال صحیح آن به پیش نمی‌برد و هم از این روست که مبارزه آنها به نتایجی می‌انجامد که در اساس نمی‌تواند در خدمت هدف‌های تعیین شده آنان درآید.

سازمان مجاهدین خلق ایران در یکسال گذشته تحت شعار مبارزه علیه انحصارطلبی، عمدتاً سیاستی را به پیش برده است که نتیجه عملی آن نمی‌تواند تقویت گرایش‌های آزادیخواهانه در جمهوری و تضعیف گرایش‌های انحصارطلبانه باشد.

ما مبارزه درست و اصولی برای تحقق آزادی‌های سیاسی را برای هر نیروی انقلابی و ضدامپریالیست مبارزه‌ای می‌شناسیم که در چهارچوب آن سیاستی بگنجد که هدف‌های زیر را دنبال می‌کند:

۱- افشای و انفراد لیبرال‌ها، لیبرال‌ها تلاش دارند با غلبه خط سازش بر حکومت، راه را برای شکست انقلاب و ادامه سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هموار سازند، ضعف‌های حکومت جمهوری اسلامی به‌ویژه عدم پاسخگویی به حداقل نیازهای مردم توده‌ها، در غیاب سیاست فعال طبقه کارگر و در غیاب حداقل شکل لازم زحمتکشان، خطر غلبه لیبرال‌ها را همچنان به عنوان خطری که می‌تواند انقلاب را با شکست مواجه سازد، بطور جدی در برابر انقلاب قرار داده است. مبارزه پیگیر برای افشای سیاست‌ها و هدف‌های لیبرال‌ها و جلوگیری از پیشرفت سیاست آنها و جلب توده‌ها از وظایف مردم همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست است.

۲- تقویت گرایش‌های دمکراتیک که خواهان

بقیه در صفحه ۲۶

با انقلاب یا علیه انقلاب

آزادی، نهال انقلاب را بارور کنیم

یکی از اهداف اساسی انقلاب بزرگ بهمن، برداشتن زنجیر گرانبار دیکتاتوری و خفقان و استبداد بود. دیکتاتوری رژیم خودکامه پهلوی حکومت سرنیزه و سکوت را بر مردم ما تحمیل کرده با خفقان و سکوت، مردم را دور از هم و بیمناک از خویشتن ساخته بود. استبداد سلطنتی آحاد و نیروهای اصیل ملی ما را از هم جدا و منفرد گردانیده بود. آزادی در سینه فرزندان خلق زندانی بود. من و تو در کنار هم و دور از هم بودیم، حرف‌ها و سخن‌ها نگفته می‌ماند و پیشداوری‌ها بر جایگاه حقایق می‌نشست، دردها و مشکلات ناگفته می‌ماند و نگفته‌ها در سینه‌ها انباشت می‌شد. نتیجه نهایی این وضع ناهنجار و شوم، تفرقه‌ها و پراکندگی‌هایی بود که تنها و تنها به سود امپریالیسم، این دشمن مردم و در خدمت اهداف آزمندانه او بود. انقلاب بزرگ ایران، این سدها را برداشت این دیوارها را شکست و این پیشداوری‌ها را درهم ریخت. انقلاب شد تا مردم آزادانه از هم و باهم بگویند دردها و مشکلات را بر زبان آرند و همچون تنی واحد برای از میان برداشتن مشکلات بکوشند. دوسال و اندی از وقوع انقلاب می‌گذرد و این هدف متعالی هنوز به تمامی جامه تحقق نپوشیده است، فرصت‌های بسیار، از دست رفته و پراکندگی‌های اجتناب‌پذیر بسیاری شکل گرفته است. وقت آن است که به هوش آئیم، دیوارهای بین خود را بشکنیم، باهم از مشکلات سخن بگوئیم. جو تفاهم و همکوشی را برحیات جامعه بگسترانیم و اجازه دهیم مردم قضاوت کنند اجازه دهیم تا توده‌ها دشمنان واقعی خود و آزادیشان را بشناسند، اجازه دهیم تریبون‌ها در اختیار نیروهای مردمی قرار گیرد و مطمئن باشیم که میوه خجسته این وحدت را همه با هم خواهیم چید.

بحث‌های آزادی که اکنون از طریق تلویزیون به قضاوت خلق گذارده می‌شود گام مثبت و ارزنده‌ای در این راستاست. از این واقع بینی و حقیقت‌جویی دفاع کنیم.

«تاب تحمل از دست دادگان»!

استاد علی تهرانی با ارسال تلگرامی به امام پیشنهاد بدیعی کرده است که جای تأمل بسیار دارد. ایشان در این تلگرام از امام خواسته است که "در یکی از سخنرانی‌ها اعلام نمائید که کسانی که وضع فعلی را قابل تحمل نمی‌دانند، و خواستار تغییرات اساسی هستند فلان روز با آرامش راهپیمایی نمایند" ما با اصل پیشنهاد راهپیمایی کاری نداریم اما بی‌مناسبت نمی‌دانیم

به ایشان یادآوری کنیم که چه کسانی علاوه بر ایشان و برخی از نیروهای اصیل ملی که راهشان را گم کرده‌اند، وضع فعلی را قابل تحمل نمی‌دانند. علاوه بر ضدانقلاب و نیروهای وابسته به رژیم گذشته عوامل پنهان و آشکار آنها، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، طرفداران بختیار و... لیبرالها نیز وضع فعلی را حتی برای یک لحظه نمی‌توانند تحمل کنند. آیا "استاد محترم" فکر کرده‌اند که چگونه می‌خواهند صف خودشان را از بقیه "بی‌تحملان" متمایز کنند؟ آیا "استاد محترم" می‌دانند که قاعدتا باید به طریقی این تمایز خطوط بین ایشان و جبهه ضدانقلاب و دوستان امپریالیسم روشن گردد؟ بهتراست استاد نهرانی مضمون "تغییرات اساسی" مورد نظر خود را روشن کند تا این توهم برای برخی بوجود نیاید که ایشان در دام ضدانقلاب افتاده‌اند.

"رنجبر"

و اشتراک نظر با چپ‌روها

"حزب رنجبران" لانه جاسوسی و توطئه مائوئیست‌های ایرانی بر علیه انقلاب با صدور بیانیه‌ای در مورد میتینگ میدان آزادی اعلام کرده است که مسئولیت بمب‌اندازی در میان جمعیت حاضر در میتینگ به عهده خود برگزار کنندگان میتینگ بوده است! "رنجبر" در این اطلاعیه با صراحت اعلام کرده‌است که:

"هدف مرحله‌ای مبارزه حزب ما نبرد همدوش توده‌ها برای سرنگونی مستبدین حاکم است" و همچنین یادآور شده است که:

"مرتکبین این عمل جنایتکارانه (نارنجک - اندازی) کسان دیگری نبودند مگر خود برگزار کنندگان اجتماع میدان آزادی و حامیان آنها در دستگاه استبداد حاکم"

این دو موضع رنجبر در مورد "سرنگونی استبداد حاکم" و مسئولیت نارنجک‌اندازی به میتینگ در خاطرتان باشد تا بفهمید کدام جریانات "چپ" بطور اتفاقی! با رنجبری‌ها اشتراک نظر دارند.

دستگیری یک ساواکی پس از دو سال توطئه

دوسال پس از انقلاب، روزنامه‌ها خبر دادند که سرتیپ "جلال سجده‌ای" یکی از عوامل رهبری کننده دستگاه جهنمی ساواک دستگیر شده‌است. سرتیپ سجده‌ای رئیس کمیته مشترک ضد "خرابکاری" ساواک و ریاست ساواک زنجان و اصفهان فردی است که دستش به خون فرزندان بی‌شماری از خلق ما آلوده است. این عنصر کثیف بازداشت کننده امام خمینی در ۱۵ خرداد ۴۲ و مأمور دستگیری رفقای فدایی، گروه گل‌سرخ گروه ابوذر، مجاهدین خلق و گروه نصر بوده و از

عاملین موثر کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ می‌باشد.

این عنصر پلید که در بازجویی پس از دستگیری هنوز به خیانت‌هایش افتخار کرده دوسال پس از انقلاب دستگیر می‌شود. اینکه چنین فردی در این دوسال چه می‌کرده، دست به چه جنایاتی زده و چه محافلی را بر علیه انقلاب و مصالح مردم سازمان داده و فعال کرده است نکته دور از ذهنی نیست. او مسلماً در جهت ضدیت با انقلاب، توطئه، دامن‌زدن نفاق، آشوب و تشنج کارنامه درخشانی دارد و دستگیریش قطعا به روشن شدن بسیاری از حقایقی که شاید برای عده‌ای هنوز هم مبهم است کمک خواهد کرد. ما ضمن قدردانی از کوشش‌هایی که در جهت دستگیری این عناصر می‌شود از مقامات مسئول می‌خواهیم که به مردم بگویند عملکرد این عناصر در زمان آزادیشان چه بوده است تا توده‌ها بدانند مسامحه در مبارزه بر علیه این عناصر چه زیان‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب داشته است، تا مردم بدانند همکاران آزاد سجده‌ای، هم امروز مشغول چگونه فعالیت‌هایی هستند.

آقای رفسنجانی و

سلب اعتماد از مردم!

چندروز پس از اینکه آقایان رجایی و بهزاد نبوی درسختان خود به نحوی کوشیدند تا سیاست اصولی و انقلابی سازمان ما را تحریف کنند و به اصطلاح مشروعیت ما را زیر سؤال قرار دهند، آقای رفسنجانی هم با ردیف کردن نام سازمان ما در کنار جنایتکارانی چون قاسملو و آشوبگرانی مانند کوه‌هله به آنها پیوستند تا در این رسالت! شریک باشند.

هیچکس از آقای رفسنجانی نخواهد پذیرفت که ایشان از مواضع استوار مادر قبال جمهوری اسلامی وارگان‌های انقلابی تابعه آن و نیز از سیاست اصولی مادر کردستان بی‌اطلاع باشند. این نکته چنان واضح و آشکار است که حتی خود ایشان هم نمی‌توانند منکر آن باشند. بنا بر این باید مستقیم سراغ خود ایشان رفت و پرسید که این نوع تهمت‌زنی روی چه حسابی است و بر حسب کدام تعمد صورت می‌گیرد؟

آیا ایشان و دیگر مسئولین جمهوری اسلامی هنوز هم نمی‌خواهند بدانند که با این نوع بیانات آن هم در بالاترین مسئولیت‌های کشوری چه تأثیرات مخربی روی وحدت نیروهای ضد - امپریالیست برجای می‌گذارند؟ یا هنوز هم از تجربه دو سال گذشته نیاموخته‌اند که چنین موضع‌گیری‌هایی چه اندازه صف دوستان و دشمنان جمهوری اسلامی را در ذهن توده‌های مردم مخدوش و نتیجتاً کار ضدانقلاب را برای ضربه زدن انقلاب آسانتر می‌گرداند؟ آیا ایشان در نیافته‌اند که چنین سخنان نسنجیده تا چه حد ضدانقلاب را خشنود، لیبرالها را راضی و سلاح آنان را در مقابله با نیروهای ضد امپریالیستی صیقل می‌دهد و از همه مهمتر از اعتماد توده‌های مردم به تصمیمات و سخنان مقامات ضد امپریالیست جمهوری اسلامی می‌کاهد؟

آقای رفسنجانی باید قبول کنند که با اجتناب از حرف‌های دشمن شادکن است که می‌توانند مانع از سلب اعتماد مردم از مواضع خود باشند و نه برعکس!

استقلال - کار - مسکن - آزادی

از یادداشت های فدائیان خلق در جبهه های جنوب

فرار قهرمانانه فدائیان خلق و پاسداران از زندان بصره

ساواکی ها و افسران فراری همراه شکنجه گران سازمان امنیت عراق اسرای کمونیست و پاسداران را بازجویی می کنند .

در اردوگاه های بصره افراد تبهکار جهت عملیات خرابکاری در داخل ایران آموزش داده می شوند .

ما بارها بر دیوار محله های بصره نوشتیم : متحد شویم و تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام علیه ایران را درهم کوبیم .

"جیش الشعبی" (ارتش به اصطلاح خلقی) عراق شویم . ما قصد داشتیم از این راه هم اعتماد نیروهای عراقی را به خود جلب کنیم (تا جهت تبلیغ آزادانه بتوانیم در اردوگاه رفت و آمد کنیم) و هم اسلحه به دست بیاوریم تا در موقع مناسب یا موقعی که ما را به جبهه می فرستادند به طریقی تعدادی از آنان را از پای درآورده و خود را به جبهه های میهنمان برسانیم . با این تصمیم ، یکی بعد از دیگری وارد "جیش الشعبی" عراق شدیم . پس از ورود به "جیش الشعبی" ... مریدان انواع سلاح ها را به ما آموزش دادند . در ضمن روزی ۳-۴ ساعت هم کلاس "توجیهی" برای ما گذاشته بودند . محور این "توجیهات" شعار فاشیستی - شوونیستی "امة عربیه واحده" بود . در کلاس ما انواع و اقسام خرابکاران و خائنین به ملت آموزش داده می شدند . در کلاس مواد منفجره ، آدم هائی مثل رحیم (که قسمتی از بازار دادگستری آبادان را منفجر کرده بود) جاسم (که قسمتی از بازار سیف خرمشهر را منفجر کرده بود) و حامد (که لوله های نفت و ... را منفجر کرده بود) دیده می شدند . در کلاس ما تعداد این افراد تبهکار که خود را جهت عملیات خرابکاری در داخل ایران آماده می کردند حدود ۲۰ نفر بود . ما در مدتی که به اصطلاح دوره آموزشی را می گذرانیدیم هیچگاه از کار تبلیغی در میان دیگر اسرا و سربازان و درجه داران نیروهای عراقی غافل نبودیم . شبها از

"عجم ها" را برای بیگاری به خرمشهر فرستادند و ما را به بازداشتگاه بصره بردند . در بازداشتگاه بصره آنها قصد داشتند به ما آموزش نظامی داده و علیه رزمندگان میهنمان به جبهه های جنگ بفرستند . در روزهای بازداشت ، جیره خواران صدام برای تبلیغ سیاستهای او به "توجیه" ما می پرداختند . آنها می گفتند ما جهت استقلال و آزادی شما "عربها" می جنگیم . هدف ما آزادی "عربستان" از زیر سلطه فارسها است شما باید با ما همکاری کنید ! آنها با این تبلیغات می خواستند زحمتکشان عرب خوزستانی را مسلح کرده و به جبهه های جنگ بفرستند اما مقاومت سرسختانه بازداشت شدگان و کسار توضیحی که ما (فدائیان خلق اکثریت و پاسداران عرب خوزستانی که شناخته شده بودند) میان اسرا می کردیم تیر صدامیان را بر سنگ می نشاند . دیگر هیچ اسیری در میان اسرا وجود نداشت که به جنایتکار بودن رژیم صدام و حیللهای آن پی نبرده باشد . دیگر همه اسرا فهمیده بودند که برای نیروهای تجاوزگر عراق به اصطلاح "عرب" و "عجم" فرقی نمی کند . (ما هواداران سازمان) به همراه پاسداران بعد از ساعتها گفتگو و تبادل نظر جهت چگونگی تبلیغ در میان اسرا و بررسی راههای فرار به این نتیجه رسیدیم که باید به ظاهر دعوت همکاری صدامیان را بپذیریم و وارد

میان گریه کودکان و خشم مردان و زنان با قنداق تفنگ ما را به روی جنازه ها می انداختند و مجبورمان می کردند که از روی آنها عبور کنیم . بالاخره بعد از اینکه ما را به صف درآوردند ، به اردوگاهی در ۱۵ کیلومتری بصره بردند . شکنجه گران و بازجویان سازمان امنیت عراق بخاطر پیدا کردن کمونیست ها و پاسداران ، اسرا را یک به یک ساعتها بازجویی می کردند . بعضی از شیوخ خائن و پیمانکاران فراری نظیر "فیصلی" "سیدهادی مزاری پور" ، "حاج محمد زبیدی" ، "ابوحاتم" "ابو عوده" و غیره که دست در دست بازجویان شکنجه گر عراق گذاشته بودند ، مثل گفتارهای پیر در میان اسرا بو می کشیدند تا از میان آنها بخصوص از میان عربهای ایرانی ، کمونیست ها و دیگر انقلابیون را بیرون کشیده و به چنگ سازمان امنیت عراق بیاورند . علاوه بر اینها تعدادی از ساواکی ها ، کودتاچیان و دیگر افسران فراری با لباس های نظامی ارتش عراق و عینک های دودی که به چشم زده بودند در حالیکه به فارسی صحبت می کردند ، همراه شکنجه گران سازمان امنیت عراق برای بازجویی اسرای فارس می رفتند . پس از بازجویی های مکرر مردهائی را که نشان زیر ۲۷ سال بود ، از اسرای دیگر جدا کردند . سپس "عربهای" این گروه را هم از "عجم ها" جدا کردند . من هم که یک عرب خوزستانی هوادار سازمان بودم ، در گروه اول قرار گرفتم . آنها

است ، خود نمونه بارزی از توطئه های رژیم صدام علیه انقلاب و انقلابیون میهنمان است . * * * در جبهه بودیم . بیسن سلیمانیه "و مارد" که دستگیرمان کرده و دست بسته ما را به طرف خاک عراق بردند . بعد از چند ساعت پیاده روی به اتوبوسی رسیدیم که پر از اسرای ایرانی بود . عراقی ها اسرا را که تعداد زیادی زن و مرد و کودک بودند در یک اتوبوس ایرانی سوار کرده و به طرف عراق می بردند . ما را هم سوار همان اتوبوس کردند . از همان ابتدا برای ما مسلم بود که تجاوزگران عراقی بوئی از انسانیت نبرده اند . اما این بار از نزدیک و بعینه شاهد وحشیگری و جنایت پیشگی آنان بودیم . زیرا در طول مسیر شروع به فحاشی اسرا کرده ، زن و مرد ، کودک و پیر و جوان را به باد کتک گرفتند . به خاک عراق که رسیدیم زمانی که می خواستند از اتوبوس پیاده مان کنند ، راننده و کمک راننده اتوبوس مسافربری حاضر نشدند از اتوبوس پیاده شوند . دیدند ، آنها را در برابر چشمان وحشت زده زنان و کودکان به رگبار گلوله بستند بعد جنازه های آنان را جلوی پله های در اتوبوس انداخته و به ما حکم کردند که باید از روی جنازه ها عبور کنیم . اسرا از انجام این کار امتناع می کردند . اما متجاوزین در

در پشت مرزهای ایران در خاک عراق ، ساواکی ها ، افسران فراری ، فتودال ها و بخصوص خوانین حاشیه مرز عناصر و باندهای تبهکار و دیگر ضدانقلابیون دست در دست رژیم جنایتکار صدام نهاده و مذبوحانه تلاش می کنند تا انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان را با شکست مواجه سازند . در پی چنین هدف ضدانقلابی ، رژیم صدام عوام فریبانه با دامن زدن به ناسیونالیسم شوونیستی تنگ نظرانه در میان توده های زحمتکش خلق عرب خوزستان و نیز زحمتکشان عراقی و سربازان و درجه داران ارتش خود ، در صدد است تا آنها را علیه انقلاب ایران به زیر پرچم بی رنگ "پان عربیسم" گرد آورد . اما زحمتکشان بخصوص زحمتکشان عرب خوزستان به قیمت خون عزیزانشان و به قیمت آوارگی ، خانه خرابی و اسارت و رنجی که کشیده اند ، دریافته اند که جنایتکارانی چون صدام هیچگاه پشتیبان آنان نخواهد بود و به همین خاطر است که در برابر توطئه های صدام دست به مقاومتی سرسختانه زده اند . دیگر شعار "مرگ بر صدام" و "سرتگون باد رژیم صدام" و "مرگ بر امپریالیسم امریکا" بسرکردگی امپریالیسم امریکا شعار همه زحمتکشان و به ویژه زحمتکشان عرب خوزستان و عراق است . گزارش زیر که توسط یکی از رفقای سازمان ما تهیه شده

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

به دستور سیا و موساد

فعالیت دستجات و باندهای افغانی علیه انقلاب ایران و افغانستان گسترش می یابد

● جاسوسی، حفظ ارتباط بین محافل ضدانقلاب، قاچاق اسلحه و مواد مخدر، ایجاد ناآرامی‌های سیاسی، اشاعه فحشاء و دزدی زمینه‌ساز فعالیت این دستجات است.

مجازات‌اند و باید به سرعت سرکوب شوند.

۲ - دولت باید پیگیرانه در راه ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت زحمتکشان افغانی به میهنشان بکوشد و تا انجام این امر همه آنها با کارت شناسایی (که توسط دولت صادر می‌شود) زیر کنترل نهادهایی نظیر سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و ... زندگی کنند.

۳ - مرزهای دو کشور دقیقاً کنترل شود و از ورود و خروج افراد جز با مجوز قانونی جلوگیری به عمل آید.

۴ - تمامی افغانی‌هایی که در ایران به سر می‌برند بدون استثناء خلع سلاح شوند.

واضح است که دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور ایجاد شرایط مناسب برای تحقق موارد فوق پیش از هر چیز بایستی در ارزیابی خود نسبت به اوضاع افغانستان تجدیدنظر جدی کند. این یک شرط اساسی است. کسانی را که محافل ضدامپریالیست جمهوری اسلامی ایران به عنوان مجاهدان مسلمان زیر چتر خود گرفته‌اند، جز دشمنان مشترک استقلال، آزادی و ترقی مردم ایران و افغانستان نیستند.

مقامات جمهوری اسلامی ایران باید بدانند آنهایی را که مورد حمایت خود قرار داده‌اند، دشمن آشتی‌ناپذیر همین جمهوری اسلامی هستند. و بر عکس به آنهایی که در افغانستان کینه می‌ورزند، دوستان انقلاب ایران هستند.

آگاهی به این حقیقت، پیش شرط هرگونه اقدامی است که باید قاطعانه علیه ضدانقلابیون افغانی که یکی از عاملین مهم نفاق ملی، ایجادتشنج سیاسی و درگیری‌ها، اعتیاد در میهنان ایران هستند، صورت گیرد.

علاوه بر اشاعه فساد و اعتیاد عامل فعالی در جهت اجرای مقاصد سیاسی امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم‌های دست‌نشانده منطقه به شمار می‌آیند.

آنچه که باعث می‌شود این باندهای جنایتکار بتوانند میهن انقلابی ما را اینچنین عرصه تاخت و تاز ضدانقلابی خود قرار دهند قبل از هر چیز ارزیابی به غایت نادرست جمهوری اسلامی از انقلاب افغانستان و انکار لجوجانه واقعیات این انقلاب می‌باشد. این ارزیابی نادرست موجب این شده که جمهوری اسلامی به حمایت آشکار از ضدانقلابیون وابسته افغانی برخیزد و باندهای ضدانقلابی هم در پرتو همین حمایت است که قادر به ادامه عملیات ضدانقلابی خود علیه مردم دو کشور در زمینه‌های قاچاق گسترده مواد مخدر، دزدی، اشاعه فحشاء و غیره شده‌اند.

مابرای پایان بخشیدن به اعمال جنایتکارانه ضدانقلابیون افغانی یک بار دیگر پیشنهاد می‌کنیم:

۱ - تمام مهاجرین افغانی در ایران دقیقاً مورد شناسایی قرار گیرند تا ضد-انقلابیون، فتوادل‌های فراری و روحانیون مرتجع از زحمتکشان مهاجر تفکیک شوند. ضدانقلابیون افغان مستحق شدیدترین

اما تاثیرات مخرب باندهای فوق تنها به اینجا محدود نمی‌شود. باندهای قاچاق بازوی امپریالیسم جهانخوار و ضدانقلاب وابسته بدان در پیشبرد مقاصد توطئه‌گرانه‌شان علیه انقلاب و مردم دو کشور ایران و افغانستان می‌باشد می‌دانیم که گروه‌هایی نظیر "جمعیت اسلامی افغانستان و حرکت اسلامی افغانستان و دهها گروهک ضدانقلابی مشابه اساساً به منظور مقابله با انقلاب خلق افغان پدید آمده‌اند این گروهک‌ها با هدایت پشت پرده سیا و موساد و در ارتباط با بسیاری از شبکه‌ها و باندهای بین‌المللی قاچاق در عین حال علیه انقلاب ایران سازمان یافته‌اند شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی از دستجات ضد انقلابی افغانی و باندهای قاچاق در جهت برقراری ارتباط بین محافل ضد-انقلابی وابسته به خود در منطقه و به ویژه در پاکستان و افغانستان استفاده می‌کنند.

آنها از میان هزاران افغانی مهاجر، مزدور استخدام کرده و به وسیله این مزدوران علیه منافع مردم دو کشور اقدام می‌کنند و توسط آنان به ارسال سلاح برای دستجات ضدانقلابی در افغانستان و ایران می‌پردازند و ... بدین ترتیب باندهای قاچاق

گوشه کوچکی از عملکرد قاچاقچیان افغانی را نشان می‌دهد، به خوبی ابعاد گسترده و خطرناک اعمال جنایتکارانه مزدوران افغانی را روشن می‌سازد.

* * * فتوادل‌ها، خان‌ها، روحانیون مرتجع و دیگر ضد انقلابیون افغانی که به دنبال وقوع انقلاب در افغانستان برای مبارزه با رژیم ترقیخواه و انقلابی افغانستان از آن کشور گریخته‌اند، سازمانده واقعی و پشت پرده این باندهای جنایتکار می‌باشند. برای نشان دادن نقش فعال گروه‌های ضدانقلابی نظیر "جمعیت اسلامی افغانستان" "حرکت اسلامی افغانستان" و ... در اینگونه اعمال کافی است اشاره کنیم که علیرغم حمایت و الطاف همه‌جانبه جمهوری اسلامی نسبت به این گروه‌ها، چندی پیش سپاه پاسداران مجبور به تعطیل دفتر "جمعیت اسلامی افغانستان" به جرم حمل مواد مخدر گردید! فتوادل‌ها و دیگر ضد-انقلابیونی که در چنین گروه‌هایی متشکل شده‌اند، از این طریق و به بهانه‌ای کشاندن گروه‌هایی از مردم و به ویژه جوانان به منجلاب اعتیاد و فحشاء و دزدی سودهای کلان و هنگفتی به جیب می‌زنند.

یکی از عواقب گریزناپذیر هرج و مرج و عدم استقرار حاکمیت قانون در میهنان ایران، گسترش قتل، دزدی فحشاء، قاچاق مواد مخدر و ... می‌باشد. درست بر این زمینه مناسب است که سودجویان، دلالان و قاچاقچیان حرفه‌ای، فعالیت‌های ضدانقلابی خود را به نحو فزاینده و نگران کننده‌ای افزایش داده و به یکی از عوامل سلب آسایش و امنیت مردم مابعد تبدیل شده‌اند. این باندهای جنایتکار با اشاعه و گسترش فساد و به هرز بردن انرژی انقلابی جامعه از طریق رواج دادن اعتیاد، دزدی و فحشاء، تاکنون جنایات فراوان و هولناکی را مرتکب شده و خانواده‌های بسیاری را قربانی مطامع و سودجویی‌های کثیف خود کرده‌اند.

در بسیاری از این جنایات جای پای مزدوران و ضد-انقلابیون فراری افغانی به چشم می‌خورد. روزنامه‌ها هر روز خبر دستگیری افغانی‌هایی را منتشر می‌سازند که به نحوی مرتکب جنایت و به ویژه قاچاق مواد مخدر شده‌اند. در این رابطه آنچه که تنها در مدت یک هفته در روزنامه‌ها آمده چنین است:

"اعدام ۳ قاچاقچی در اصفهان (۹ اردیبهشت) . کشف ۲ کیلوگرم هروئین و ۸ کیلوگرم "ناس" (۹ اردیبهشت) . کشف ۳۵۷ کیلوگرم تریاک (۱۲ اردیبهشت) . کشف ۲/۵ کیلوگرم "ناس" (۱۲ اردیبهشت) . کشف ۴۲۰ کیلوگرم هروئین به ارزش چند میلیارد ریال (۱۴ اردیبهشت) . کشف ۱۲۰ کیلوگرم تریاک افغانی (۱۴ اردیبهشت) . کشف ۵۵۵ کیلوگرم تریاک افغانی (۱۶ اردیبهشت) و ... این نمودار که به نقل از روزنامه کیهان آورده شده تنها

بقیه از صفحه ۴

فرار قهرمانانه فدائیان ...

دیوار محل اردوی "جیش - الشعبی" بالا رفته و خود را به محله‌های اطراف می‌رساندیم و روی دیوار خانه‌ها و دیوارهای محله زندان اسرا و روی دیوارهای اردوگاه در بصره به زبان فارسی و عربی علیه حکومت صدام و شخص صدام شعار می‌نوشتیم. ما بارها و بارها بر دیوارهای اطراف اردوگاه نوشتیم:

"سرنگون با درژیم صدام" "مرگ بر صدام"

و نوشتیم:

متحد شویم و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام علیه ایران را درهم

کوبیم. ما بارها و بارها دست-نوشته‌هایی به زبان فارسی و عربی علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و علیه صدام در میان اسرا و در محله‌های اطراف اردوگاه پخش کردیم. تا بالاخره آن روزی که انتظارش را می‌کشیدیم، فرا رسید. ما (هواپسداران سازمان و پاسدارانی که هنوز شناسائی نشده بودند) به سلاح سازمانی ارتش عراق

سلاح شده و همراه نیروهای عراقی به طرف جبهه‌های میهنمان به حرکت درآمدیم. روز بعد در حالیکه می‌دویدیم و تفنگ‌هایمان را در دستهایمان می‌فشردیم، نفس‌زنان و عرق‌ریزان قدم به مناطق تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران گذاشتیم. بهار زیبای جنوب همه‌جا دامن گسترده بود. نسیم آزادی از میان درختان نخل و از کوچه‌ها و خانه‌های

شهرهای حماسه، شهرهای مقاومت، شهرهای خونین خوزستان می‌گذشت و بر چهره‌هایمان می‌وزید و سرود آزادی و صلح رودهای کارون و بهم‌نشیر را در گوش‌هایمان نجوا می‌کرد. به محض ورود به خاک میهنمان در یکی از هزاران سنگر مقاومت در خوزستان دلیر سنگر گرفتیم و بخاطر بیرون ریختن تجاوزگران عراقی و به خاطر صلح به پیکار برخاستیم. اردیبهشت ۶۰



ماده ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی باید در قانون کار جدید تصریح شود

ماده ۱۰۴ حق تشکیل شوراهای کارکنان واحدهای تولیدی خدماتی را مورد تاکید قرار می‌دهد و ماده ۲۶ حق تشکیل انجمن‌های صنفی و سیاسی (سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری) و همچنین انجمن‌های صنفی و سیاسی دیگر طبقات و اقشار خلق را تصریح می‌نماید.

باید محتوای انقلابی این مواد در قانون کار جدید مورد توجه اکید قرار گیرد. قانون اساسی بدرستی بر تشکیل این دو تشکل ضرور و مکمل یکدیگر یعنی شورا و سندیکا با صراحت تمام اشاره کرده است ولی متأسفانه مسئولین وزارت کار جمهوری اسلامی هنوز آنچنانکه باید بر این حقوق انقلابی که از دستاوردهای انقلابی زحمتکشان بوده و در قانون اساسی تبلور یافته است، توجه لازم را ننموده و سیاست روشنی در قبال تشکل‌های کارگری که کانون‌ها و سنگرهای همیشه استوار انقلاب هستند، اتخاذ نکرده است. ما بار دیگر مسئولین وزارت کار را به این حقوق انقلابی و اساسی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان توجه می‌دهیم و تاکید می‌کنیم که هر یک از این دو تشکل (شورا و سندیکا) ضمن آنکه در راستای کلی انقلاب دو تشکل هماهنگ و مکمل هستند، در عین حال هر یک وظایف ویژه خویش را داشته

و دارند. سندیکاهاى انقلابی (آنچنانکه در ماده ۲۶ قانون اساسی آمده است، سندیکاهاى زرد و "طاغوتی") حافظ واقعی منافع صنفی - سیاسی طبقه کارگرند و شوراها (همچنانکه در ماده ۱۰۴ آمده است) تشکل‌های انقلابی همه کارگران، کارمندان و مدیران انقلابی می‌باشند که در چهارچوب مصالح انقلاب و با مشارکت دمکراتیک یکدیگر واحدهای تولیدی و خدماتی را اداره می‌نمایند. سندیکای انقلابی مدافع و حافظ منافع صنفی - طبقاتی کارگران است و شورا سنگر مبارزه ضدامپریالیستی همه کارکنان انقلابی.

سندیکاهاى واقعی باید در شوراهایی که به عموم کارکنان انقلابی (من جمله کارگران) تعلق دارد، بطور متشکل حضور داشته باشند تا شورا بتواند بطور واقعی به یک سنگر ضدامپریالیستی مستحکم بدل شود و وظائف انقلابی مبرم خویش را در امر راه - اندازی تولید، افزایش بازدهی کار، تداوم شعار ملی کردن صنایع بزرگ و وابسته، افشاء و طرد مدیران ضدانقلابی و لیبرال و خنثی کردن تمامی توطئه‌ها و دسایس امپریالیستی - قاطعیت و پیگیری به انجام رساند. اکنون که هنوز سندیکاهاى واقعی تثبیت نشده‌اند و شوراها (به مفهوم ماده ۱۰۴)

تحکیم نیافته‌اند، ضروری است که تشکل‌های موجود کارگری و همچنین مسئولین وزارت کار در انطباق مواد (۱۰۴ و ۲۶) قانون اساسی با شرایط و مناسبات کار بکوشند، بدین معنا که در قانون کاری که هم‌اکنون مراحل تدوین نهایی‌اش را طی می‌کند، این دو ماده اساسی را (که بر چگونگی عملکرد تشکل‌های کارگری ناظرند) تثبیت نمایند و در عمل نیز در راه تحکیم پایه‌های شورا در واحدهای مختلف گام بردارند بدون شک مبارزه در راه تحکیم و تثبیت شورا، ضرورت ایجاد یک تشکل مستقل طبقاتی (سندیکا و اتحادیه واقعی) و اتکای به آن را بیش از پیش آشکار خواهد کرد. پاسخ به این ضرورت یعنی تحکیم و تثبیت هرچه بیشتر شوراهای کارکنان و تثبیت حقوق سندیکائی کارگران به عنوان دو جزء مکمل و هماهنگ، وظیفه مبرم همه پیشروان انقلابی و آگاه طبقه کارگر و همه تشکل‌های موجود کارگری، همه کارگران و کارکنان انقلابی و همچنین مسئولین صادق و انقلابی وزارت کار است. توجه اکید به این امر از نظر تحکیم تشکل‌های انقلابی، تثبیت دستاوردهای مبارزاتی زحمتکشان و تعمیق روند انقلاب، حائز اهمیت حیاتی است.

تلگرام کارگران فولاد اهواز به مردم مبارز ایرلند

حفظ دستاوردهای انقلاب ما تعمیق آن و دفاع از جمهوری اسلامی می‌باشد. و به همین خاطر با همه مردمی که در سرتاسر جهان برای مبارزه با امپریالیسم برخاسته‌اند عمیقاً احساس مشترکی دارند. آن را مبارزه خودشان می‌دانند و حمایت از آن را وظیفه خود می‌شمارند.

مردم مبارز ایرلند شمالی! اگر امروز مقاومت بیش از هفتصد ساله شما بر علیه امپریالیسم انگلیس در مقاومت قهرمانانه "بابی ساندر" این کارگر فولاد تجلی می‌یابد، ما نیز در این گوشه جهان در مبارزه سرنوشت‌ساز با دشمن مزدور یعنی عراق، با امپریالیسم آمریکا راه "بابی ساندر" را با فداکاری تمام برای استقلال و آزادی میهن ادامه می‌دهیم.

مردم مبارز و قهرمان ایرلند شمالی! ما کارگران فولاد در اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتکشان بار دیگر صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین درودها را به خاطر مبارزه شما تقدیم تمام انقلابیون آن سرزمین نموده و حمایت عمیق خود را از مبارزه شما اعلام می‌داریم. مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پیروزیاد مبارزات رهاییبخش همه کشورهای تحت سلطه

کارگران ماشین‌سازی واحد دوب ۲ مجتمع فولاد اهواز رونوشت: دفتر امام - مجلس شورای اسلامی - استانداری - بسیج مجتمع اهواز روزنامه‌ها: اطلاعات - کیهان - جمهوری اسلامی.

شورای کارگری ماشین‌سازی پارس و کارگران مجتمع فولاد اهواز در تلگرامی که برای مردم مبارز ایرلند شمالی ارسال داشته‌اند، بر مبارزه مشترک خلق‌های ایران و ایرلند علیه امپریالیست‌ها، تاکید کرده و حمایت عمیق خود را از مبارزات مردم ایرلند اعلام داشته‌اند. در قسمتی از این تلگرام چنین آمده است:

اگر امروز مقاومت بیش از هفتصدساله شما علیه دولت انگلیس در مقاومت "بابی ساندر" این کارگر فولاد تجلی می‌یابد ما نیز در این گوشه جهان در مبارزه سرنوشت‌ساز علیه دشمن مزدور یعنی عراق و علیه امپریالیسم آمریکا، راه "بابی ساندر" را با فداکاری تمام برای استقلال و آزادی میهن ادامه می‌دهیم.

تلگراف

پیام همبستگی با مردم ایرلند شمالی به خاطر اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

مردم مبارز ایرلند شمالی! اکنون مردم میهن ما که سرگرم مبارزه‌ای قاطع به رهبری امام خمینی بر علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است بیش از هر زمان دیگر به مبارزه بی‌امان شما بر علیه امپریالیسم فرتوت انگلیس ارج گذاشته و چشم‌انداز پیروزی نهایی را برای همه زحمتکشان آن سرزمین به خاطر استقلال و آزادی، بسیار روشن‌تر می‌بینند. انقلاب پر شکوه ضدامپریالیستی ما هر روز ضربه‌های کوبنده‌تری بر امپریالیسم وارد می‌کند. و هر روز که می‌گذرد میهن ما شاهد جانفشانی‌ها و شهادت‌های بیشتری برای

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران



اخلاق‌گری

خلق مسلمانی‌ها در کارخانه سیمان ری

مدیریت کارخانه سیمان ری در تابستان ۵۹ با همکاری بخشی از انجمن اسلامی (باند فرخ‌رو) به منظور انحلال شورای کارخانه، تعداد زیادی از کارگران و کارمندان را بازنشسته و یا اخراج و تصفیه نمود و بدنبال آن تعدادی کارگر جوان را به استخدام درآورد. تصفیه کارگران با تجربه و مبارز از یک‌طرف و تازه‌کار بودن کارگران جوان و کم‌تجربگی آنها از طرف دیگر و همچنین عدم وجود مدیریت صحیح، موجبات تشدید اخلاق‌گری عناصر ضدانقلابی و لیبرال به‌ویژه "خلق مسلمانی‌ها" را فراهم آورد و کارخانه قدیمی سیمان ری را با مشکلات بفرنج‌تری مواجه نمود.

چند ماه پس از انحلال این شورا، باردیگر کارگران مبارز و آگاه سیمان برای حل مشکلات موجود و نظارت بر امر تولید، ضرورت ایجاد تشکل در کارخانه را مطرح کردند و در سرانجام در زمستان ۵۹ با تلاش پیگیر کارگران، شورا تشکیل شد ولی کشاکشهای خصوصی مدیران و عملکردهای ضد دموکراتیک آنها و همچنین تناقضات درونی شورا و عدم هماهنگی مدیران و شورا و به ویژه وجود باندهای مخرب و

اخلاق‌گر قوی (بخصوص خلق مسلمانی‌ها) در کارخانه پاسخگویی به خواستهای کارگران و اداره امور تولید را دشوار نمود اما علی‌رغم همه این مشکلات، کارگران به نحوی پیگیرانه و با متانت انقلابی جهت افشای اعمال ضددموکراتیک مدیران و انزوا و طرد باندهای مخرب ضد انقلابی حرکت کرده و سعی نمودند تداوم تولید را تضمین نموده و بازدهی تولید را حتی المقدور افزایش دهند.

در چنین شرایط و اوضاعی است که رادیوهای ضدانقلابی "صدای آزاد" و رادیو بغداد همه اعمال خرابکارانه عوامل مستقیم و غیرمستقیم‌شان را در کارخانه به حساب کارگران گذاشته و وقیحانه ادعا کرده‌اند "کارگران سیمان ری درصددند که از طریق کم‌کاری و اخلاق‌گری در امر تولید، حاکمیت ملاحا را سرنگون سازند." کارگران هشیار و مبارز کارخانه سیمان ری پس از اطلاع از تبلیغات دروغین و سالیوسانه این رادیوهای ضدانقلابی ضمن ابراز تنفر و انزجار شدید خویش، مصرانه خواستار تعقیب، شناسایی و افشای عوامل اخلاق‌گر درون کارخانه شدند. آنچه که بیش از هر

چیز موجبات تبلیغات مزورانه و ضدانقلابی این رادیوها را فراهم آورده است، اقدامات خرابکارانه عناصر خلق مسلمانی درون کارخانه است طی روزهای اخیر این عناصر چند بار اقدام به اخلاق در تولید نموده‌اند. در طول یک شب ۷ بار بطور مداوم یکی از شیرهای آب، یا طاقان‌های موتورهای برق قسمت اطاق دود کوره ۳۰۰ تنی را که تازه تعمیر شده بود، بستند اما کارگران هشیار کارخانه هر بار متوجه اختلال شده و سریعاً اقدام به بازکردن شیر آب نمودند و از وارد آمدن خسارات هنگفت و خوابیدن کوره ۳۰۰ تنی جلوگیری کردند. کارگران این بار مصمم شده‌اند پیگیرانه در شناسایی و دستگیری عناصر خرابکار و ضدانقلابی کارخانه اقدام نمایند. لازم به تذکر است که این خرابکاری‌ها تا کنون با استفاده از تاریکی برخی قسمت‌ها و راهروهای کارخانه صورت گرفته است و با وجود آنکه کارگران تاکنون چندبار از مدیریت کارخانه تقاضای نصب پروژکتور در این قسمت‌ها را نموده‌اند، هنوز هیچگونه اقدامی از جانب مدیریت کارخانه انجام نگرفته است.

جشن اول ماه مه در یکی از قهوه‌خانه‌های خانی‌آباد

کارگران و زحمتکشان محله‌های نازی‌آباد، یاخچی آباد و خانی‌آباد نو، به مناسبت عید اول ماه مه، جشن باشکوهی در یکی از قهوه‌خانه‌های خانی‌آباد نو برگزار کردند. در این جشن یکی از کارگران ضمن شرح



جشن اول ماه مه ۱۳۶۰ در یکی از قهوه‌خانه‌های "خانی‌آباد نو" توسط کارگران و زحمتکشان محله‌های نازی‌آباد، یاخچی‌آباد و خانی‌آباد نو. (عاشیق‌ها در حال نواختن!)

مناسبت تاریخی این عید کارگری، به بیان مبرم‌ترین خواست‌های زحمتکشان یعنی ملی‌کردن تجارت خارجی، تدوین یک قانون کار انقلابی و اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی و واقعی مبدل کردند. عکس، عاشیق‌ها را در حال اجرای برنامه نشان می‌دهد.

ابتکار کارگران شیلات آشوراده

در ساخت قطعات دیزل‌های دریائی

کارگران قسمت تعمیرگاه دریائی شیلات آشوراده، اخیراً اقدام به ساختن برخی از قطعات دیزل‌های دریائی و تغییر در سیستم کارکرد آنها نموده‌اند که این اقدام تاثیرات قابل ملاحظه‌ای در افزایش شور ابتکار میان کارگران سایر قسمت‌ها نیز بجا گذاشته است. قطعاتی که اکنون به ابتکار کارگران آشوراده ساخته می‌شود، قبلاً از جانب شرکت‌های

امپریالیستی تامین می‌شد ولی تحریم و محاصره اقتصادی باعث کمیابی این قطعات شده و بخش مهمی از کارهای اداره شیلات ناحیه ۴ (جزیره آشوراده) را که به تولید خاویار و ماهی می‌پردازد، در خطر رکود قرار داده بود. این اقدام مسئولانسه کارگران متعهد و انقلابی آشوراده نمونه‌ای است از اراده و اعتقاد راسخی که

طبقه کارگر ایران در مبارزه برای خنثی کردن توطئه‌های اخلاق‌گرانه امپریالیستی و پی‌ریزی استقلال اقتصادی ایران در پیش گرفته است. مبارزه‌ای که به همت و ابتکار خلاقانه کارگران و زحمتکشان ایران و با برخورداری و اتکا به تجارب و امکانات همه‌جانبه متحدان جهانی انقلاب ایران باید مصممانه و پیگیرانه به پیش رود.

تا کثرت سپیده را پابندم
سرخ است ترانه در رک و پویندم
در بستر کله‌های فردا سبز است
گشردگی ترانه و گلخندم

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران



افزایش تولید محصولات کشاورزی بخصوص گندم با اجرای اصلاحات ارضی ایجاد تعاونی های تولید و مکانیزاسیون ممکن است

گندم یکی از عمده ترین مواد غذایی طبقات زحمتکش و فقیر در "جهان سوم" بوده و از اهمیت سیاسی و استراتژیک فراوانی برخوردار است. چون علاوه بر اینکه اکثر کشورهای "جهان سوم" و تازه استقلال یافته به علت وابستگی طولانی به امپریالیسم وارد کننده این محصول اند، از نظر تولید نیز دارای محدودیت های زراعی، منطقه ای، آب و هوایی و تکنولوژیکی می باشند که با صرف هزینه های فراوان و برنامه ریزی بلند مدت قابل جبران است، در حال حاضر بازار جهانی این محصول در اختیار کشورهای چون ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، برزیل و آرژانتین یا درست تر بگوئیم امپریالیسم امریکاست.

امپریالیسم امریکا از این محصول چون یک حربه مهم سیاسی در جهت تامین منافع غارتگرانه خود برای تحت فشار قرار دادن دولت های ضدامپریالیست و ملی و تحمیل وابستگی اقتصادی به کشورهای تازه استقلال یافته و باج خواهی سیاسی بهره می گیرد.

در سالهای اخیر ایران نیز یکی از مشتریان گندم در بازار جهانی بوده و بیش از ۹۰ درصد گندم وارداتی خود را از امریکا خریداری می کرده است. سیاست رژیم گذشته در پائین نگهداشتن قیمت محصولات کشاورزی و بخصوص گندم و در نتیجه پائین بودن درآمد ناخالص در واحد سطح، اتخاذ سیاست های ارضی و اعتباری در جهت تامین منافع زمینداران بزرگ، تبدیل اراضی زیر کشت گندم آبی به کشت های پردرآمد دیگر و زیر کشت نرفتن بعضی از دیمزارها به علت پائین بودن درآمد حاصل از کشت گندم، سبب شده است که تولیدات کشاورزی و مخصوصا تولید گندم علیرغم اینکه ۶۷٪ از خانوارهای روستایی در بیش از ۵۰ درصد اراضی زیر کشت محصولات سالانه، گندم می کارند، به هیچوجه جوابگوی نیازهای مصرفی کشور نباشد.

روی این اصل است که در سالهای اخیر گندم یکی از عمده ترین اقلام واردات

کشور را تشکیل می دهد بطوریکه در سال ۵۸ حدود ۱/۵ میلیون تن و در سال ۵۹ حدود ۲ میلیون تن گندم از خارج خریداری گردیده و برای سال ۶۰ خرید حدود ۳ میلیون تن گندم پیش بینی شده است. افزایش تولید گندم برای رسیدن به خود کفائی و بی نیازی از واردات این محصول بدون اتخاذ سیاستی اصولی در زمینه حل مسئله ارضی و ایجاد سازمان تولید مناسب افزایش سطح زیر کشت و میزان عملکرد در واحد سطح، به کار گرفتن ماشین آلات و تامین نیازهای کشاورزی از قبیل کود و سم، بذر اصلاح شده و تضمین خرید و بیمه محصولات، امری غیر ممکن است. علاوه بر موارد ذکر شده قطعه قطعه بودن زمین ها و در نتیجه عدم امکان به کار گیری تکنولوژی مناسب و پیشرفته در حال حاضر باعث گردیده است که در بیشتر نقاط کشور درآمد حاصل از واحد سطح در مزارع کوچک به مراتب کمتر از اراضی وسیع بوده و نتیجتا زارعین کم زمین و فقیر و فلاکت بیش از حد بسر برند و حتی در مواردی زمین های زراعی آنها که با شیوه های ابتدائی و وسائل و ابزار سنتی کشت می گردد تکافوی مصرف غذائی آنان را نیز ننماید.

با توجه به اینکه ۵۰ درصد از خانواده های گندم - کار، مالک کمتر از ۵ هکتار زمین بوده و در مجموع ۱۲ درصد اراضی زیر کشت را در اختیار دارند و در مقابل

۱/۵ درصد از تولید کنندگان بزرگ، مالک حدود ۲۰ درصد اراضی زیر کشت گندم هستند، به روشنی ضرورت اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی بخصوص بند "ج" و "د" آن مشخص شده و این امر نشان می دهد که توقف اجرای بند "ج" و "د" به زیان زحمتکشان بی زمین و کم زمین و ادامه فقر و تنگدستی آنان و به نفع زمینداران بزرگ و استفاده غیر اصولی آنها از کمک های دولت برای تولید کنندگان گندم است.

مسئولین باید توجه داشته باشند که سیاست قیمت گذاری دولت که بعد از انقلاب قیمت خرید گندم را از هر تن ۱۵۰/۰۰۰ ریال به ۲۰/۰۰۰ ریال در سال ۵۹ و برای سال ۱۳۶۰ به ۲۸/۰۰۰ ریال افزایش داده است علیرغم

می دهد که سیاست تشویق کشاورزان برای گندم زمانی تاثیرات مورد نظر را خواهد داشت که با پیشبرد همه جانبه امر اصلاحات ارضی و حل مسئله زمین و توزیع عادلانه آن، افزایش سطح زیر کشت و به کار گرفتن روش های نوین کشاورزی جهت افزایش میزان تولید در واحد سطح و قرار دادن اعتبارات و نهادهای کشاورزی از طریق ایجاد و گسترش تعاونی های تولید و توزیع روستایی همراه باشد و در غیر این صورت افزایش قیمت گندم بنوبه خود ضمن اینکه مشکلی از مشکلات روستائیان زحمتکش را حل نخواهد کرد بلکه باعث افزایش نرخ نان و در نتیجه افزایش هزینه زندگی زحمتکشان شهری نیز خواهد شد.

مسئله افزایش تولید و

سیاست هایی که بدون توجه به مصالح انقلاب و منافع توده های میلیونی روستایی و بدون در نظر گرفتن آینده کشاورزی ایران صرفا به دلیل ضعف مدیریت بخش های اجرایی دولت از طرفی و از طرف دیگر به دلیل عدم اعتماد به توده ها و سپردن اداره امور خودشان به دست آنها، مزارع مکانیزه بزرگ و کشت و صنعت را که در صورت تجدید سازمان و اختصاص پاره ای امکانات قادرند سهم بسیار موثری در افزایش تولیدات کشاورزی ایران داشته باشند، قطعه قطعه کرده و به روستائیان واگذار می کند، سیاستی مخرب و غیر اصولی است که از تجربیات همه کشورهای تعاونی ها در کشاورزی ضایعات ناشی از تولید خرد

سیاستی که بدون توجه به منافع توده های میلیونی روستایی و مصالح انقلاب و بدون در نظر گرفتن آینده کشاورزی ایران بر پایه بی اعتمادی به مردم زحمتکش و سپردن امور به دست آنان مزارع مکانیزه بزرگ و کشت و صنعت ها را قطعه قطعه می کند به انقلاب آسیب جدی می رساند. تشکیل تعاونی های تولید و تشویق کشت جمعی با استفاده از کشاورزی مکانیزه، به سود انقلاب به سود زحمتکشان و در خدمت اقتصادی مستقل و خودکفا است

را جبران کرده و کشت جمعی و گسترده با به کار گیری ابزار و وسائل مکانیزه را جایگزین آن کردند و با دخالت و همکاری همه زحمتکشان و دهقانان روستایی در تولید و سهم کردن آنها در سود مشترک گام هایی ارزشمند و اصولی در جهت خودکفائی بخش کشاورزی و استقلال کشور خویش به پیش برداشتند، بیگانه است.

کاهش هزینه ها با ایجاد امکان برای کاربرد ماشین آلات و نهادهای کشاورزی مقدور است و آن نیز با پیشبرد سیاست گسترش تعاونی های تولید و توزیع در سطح روستاهای کشور و جلوگیری از قطعه قطعه شدن زمین ها و استفاده از صرفه جوئی های ناشی از تولید جمعی در واحدهای بزرگ امکان پذیر می باشد. در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که آن

نیات دولت، کمکی به صاحبان زمین های بزرگ و فئودال هایی است که محصولات خویش را به بازار عرضه می کنند. بر اساس آمار موجود ۹۷ درصد از صاحبان زمین های بیش از ۵۰ هکتار محصولاتشان را برای فروش تولید می کنند در صورتی که ۸۰ درصد از خانواده های دارای کمتر از ۵ هکتار زمین قادر نیستند محصولی برای فروش به بازار عرضه کنند. این ارقام بخوبی نشان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

این خواست میلیون ها دهقان زحمتکش ایرانی است

بند (ج) و (د) اجراء باید شود

با تامین آب زراعی،

روستائیان زحمتکش هندیجان را جهت افزایش تولید یاری دهیم

خوزستان - هندیجان

کشاورزی را ملغی اعلام نماید
۲- بازپرداخت بدهی سال قبل کشاورزان خسارت دیده به ویژه دهقانان بی زمین و کم زمین را لغو و وام تعاونی به همه آنان پرداخت نماید.

۳- وام باید به صورت نقدی و وسایل کشت و کار به موقع و به میزان کافی داده شود.

روستاهای بخش هندیجان که شامل بیش از ۹۰ پارچه آبادی است، علیرغم داشتن زمین های مستعد جهت کشت به دلیل عدم تامین آب زراعی از تولید مناسبی برخوردار نیستند. برای تامین آب زراعی این روستاها باید نهر بزرگی که از سویره تا هندیجان امتداد یافته و آب رودخانه زهره را به روستاهایی که در مسیر آن واقع است می رساند، لایروبی و مرمت کرد. هر چند قسمت هایی از این نهر توسط خود روستائیان لایروبی شده است اما باید مقامات مسئول استان با استفاده از جهاد سازندگی و امکانات آن و همیاری خود روستائیان در جهت تامین آب زراعی این بخش اقدام نمایند. و ضمن پاسخگویی به نیاز زحمتکشان منطقه شرایط مناسب جهت افزایش تولید را فراهم سازند.

باز میان برداشتن قوانین دست و پاگیر به دهقانان مازندران د را امر تولید کمک کنید

با توجه به خشکسالی سال قبل در مازندران و بی توجهی دولت نسبت به مسئله کم آبی و از بین رفتن حاصل زحمات شبانه روزی دهقانان و با توجه به اینکه هزاران کشاورز و زحمتکش هنوز سند رسمی در دست ندارند و با در نظر گرفتن این مسئله که افزایش تولید و جبران خسارات ناشی از جنگ آمریکا - صدام از ضروریات مبرم انقلاب است، دولت باید:

۱- شرط داشتن سند مالکیت برای گرفتن وام

از توابع شهرستان میاندوآب
استان آذربایجان
- روستای صفاریز از توابع کیوتراهنک استان همدان
- روستاهای شیخ حسن ، بیامه ، ده لطفه ، کنهر ، ریسانی ، ده جامی ، چقامیرکه ، ویله و سرتنگ از توابع بیوه نیچ شهرستان کردستان
- روستای لنج آباد از توابع شهرستان مریوان استان کردستان
- روستای سرتنگ هیگون از توابع شهرستان دهدشت استان کهگیلویه و بویر احمد
- روستای تفتازان قوشخانه از توابع شهرستان شیروان استان خراسان
- روستای اگملی از توابع سلطانیه استان زنجان
- روستای سرای ملک از توابع شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی
- روستاهای بایمان عریض و سرچشمه از توابع شهرستان رامهرمز استان خوزستان
- روستاهای زرینه و رمزیان از توابع دیواندره شهرستان سنندج استان کردستان

- اهالی شهرستان فلاورجان استان اصفهان
- روستای آرفان از توابع شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی
- روستاهای اسماعیل کل شوربلاغ ، حاجی آباد ، داردرفش امین میرزا ، داردرفش سیدکریم ، فرض آباد بزرگ و آجعفری از توابع منطقه سنجایی استان کرمانشاهان

دست زمینداران بزرگ ، فئودالها این حامیان آمریکا را از زندگی روستائیان زحمتکش کوتاه نمائید.
با انجام کامل اصلاحات ارضی و تامین خواستها و نیازهای اجتماعی روستائیان تولید را افزایش داده پایگاه اجتماعی انقلاب را گسترش دهید.

از همان زمانی که مسئولین جمهوری اسلامی ایران به فشارهای وارده از طرف فئودالها زمینداران بزرگ ، سرمایه داران لیبرال و روحانیون مرتجع حامی آنها تن دادند و اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی را متوقف ساختند ، هر روزه سیل تلگرام ها ، نامه ها و طومارهایی که به امضاء و اثر انگشت های میلیونها تن از دهقانان زحمتکش روستاهای دور و نزدیک سراسر میهن ممهور است ، برای مسئولین جمهوری اسلامی فرستاده شده و همگی ضمن اعلام آمادگی برای شرکت در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا ورژیم تجاوزگر صدام و حمایت از هیئت های هفت نفری واگذاری زمین و دیگر ارگان های انقلابی خواستار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی بخصوص بندهای "ج" و "د" آن می گردند. این هفته نیز در همین رابطه طومارهای فراوانی از نقاط مختلف کشور به دستمان رسیده است که به دلیل محدودیت صفحات از کلیشه همه آنها معذوریم و به نام روستاها اکتفا می کنیم. باشد که این اعتراض گسترده و انقلابی زحمتکشان روستاها مسئولین را بخود آورد و بیش از این در مقابل خواست های اصولی و انقلابی میلیونها توده روستایی بی تفاوت نمانند.
- روستای یاریجان خالصه

هیئت های ۷ نفره باید:

با تاکید بر انتخاب آزادانه و تقویت شوراهای روستایی و سپردن کارها به دست آنها .
با کمک های همه جانبه و تامین نیازهای روستائیان در امر کاشت و برداشت محصولات .
با تامین دخالت مستقیم روستائیان زحمتکش از طرف شوراهای در اجرای قانون اصلاحات ارضی و استفاده از تجارب آنها در این زمینه .
امکان هرگونه توطئه زمینداران بزرگ ، فئودالها و حامیان رنگارنگ آنان را منتفی سازند و زمینه افزایش تولید کشاورزی را فراهم نمایند .

کشاورزان زحمتکش!

با همکاری با هیئت های هفت نفره و اقدام مشترک و همگانی برای اجرای کامل و بدون وقفه اصلاحات ارضی و تاسیس و گسترش تعاونی های تولید، توزیع و مصرف ، جنبه مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی و خارجی آن را به مزارع و کشتزارها کشانید! تولید را افزایش دهید! و در جهت استقلال اقتصادی میهن کوشش نمائید.

مشهد - قلعه طُرق

۳۶ نفر از دهقانان زحمتکش قلعه طرق مشهد طی طوماری که برای ارگان های انقلابی جمهوری اسلامی ارسال داشتند، خواستار رسیدگی به وضع ۵۰ هکتار از زمین هایشان هستند که در تصرف آستان قدس رضوی قرار گرفته است. این عده قبلا زمین خود را به شخصی به نام عباس آهنچی اجاره داده بودند که وی در آن کارخانه پروفیل طوس را دایر کرده بود و بعد از انقلاب در اختیار آستان قدس رضوی قرار گرفت.



اتیوپی: سمتگیری بسوی سوسیالیسم

هدف اصلی انقلاب اتیوپی رهایی از یوغ امپریالیسم و فئودالیسم و ایجاد زمینه مناسب برای گذار به سوی سوسیالیسم می باشد



با انقلابی که در سال ۱۹۷۴ در اتیوپی به وقوع پیوست زندگی این کشور قدیمی آفریقا اساساً دگرگون شده. اتیوپی، از آن پس گام به گام از یک انقلاب ضد فئودالی به سوی انقلاب دموکراتیک ملی به پیش رفته و در هر مرحله تغییرات اقتصادی عظیمی پدید آورده که عمدتاً با منافع زحمتکشان اتیوپی مطابقت داشته است. انهدام نظام فئودالی و ملی کردن موسسات خارجی، از مهمترین اقدامات دولت انقلابی اتیوپی بوده است.

اصلاحات ارضی که در سال ۱۹۷۵ اجرا شد به ملی کردن زمینهای بزرگ انجامید. در اثر این اقدامات دهقانان اتیوپی صاحب زمینهایی شدند که بر روی آن کار می کردند. همچنین این اصلاحات روند حرکت دهقانان را به سوی مدیریت اداری و اقتصادی در مناطق روستایی هموار ساخت. چنین اقداماتی برای کشوری همچون اتیوپی که از سطح اقتصادی نازل برخوردار بوده و عمدتاً جمعیتی دهقانی داشته اهمیتی فوق العاده در برداشت.

از دستاوردهای دیگر انقلاب اتیوپی تصویب قانون جدید کار بود که برای نخستین بار شرایط طبیعی کار را برای کارگران تضمین نموده و بر حق شرکت زحمتکشان در اداره امور موسسات ملی شده تاکید داشت.

اتحادیه های کارگری اتیوپی با خط مشی انقلابی بازسازی گردید و اتحادیه سراسری کارگران اتیوپی بوجود آمد. تعداد کارگرانی که در اتحادیه ها مشغول شده اند در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ پنج برابر افزایش یافته و بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر می باشد. اینگونه اقدامات نقش طبقه کارگر را در زندگی کشور برجسته کرده است.

در سال ۱۹۷۵ دولت اتیوپی کلیه بانکها و شرکت های بیمه و موسسات صنعتی کلیدی را که در مالکیت سرمایه خارجی قرار داشت ملی اعلام کرد و حوزه فعالیت سرمایه خصوصی را در صنعت و تجارت محدود ساخت.

همچنین دولت انقلابی اتیوپی کنترل خود را بر سیستم آموزشی سراسر کشور اعمال نمود. اجرای اینگونه اقدامات رادیکال - سبب شد که نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی دست به خرابکاری زده و نبردهای مسلحانه در شاخ آفریقا بر ضد دولت انقلابی اوج گرفت. در اواخر سال ۱۹۷۸ دولت اتیوپی یک طرح انقلابی ملی را در مورد توسعه اقتصاد برنامه ریزی شده به مرحله اجرا گذاشت. اجرای این طرح علاوه بر حل مشکلات تولید صنعتی و کشاورزی، پاسخگوی مشکل مسکن، بهداشت عمومی، بیکاری بوده و همچنین اصلاح نظام آموزشی را نیز در بر گرفت. نخستین برنامه پنج ساله به اجرا گذاشته شد و در پایان پنج سال بیش از ۹۰ درصد برنامه پیش بینی شده انجام پذیرفت. رشد محصولات صنعتی این کشور به ۳۲ درصد رسید، و تولید محصولات کشاورزی کاملاً بر طبق برنامه پیش بینی شده انجام شد. همچنین اقداماتی صورت پذیرفته است تا اهالی شهرها از بار عمده محصولات کشاورزی که با اقتصاد کالایی خرد دهقانان روستا فراهم می شود تامین گردند. در ۱۹۷۹ دولت نقش تنظیم کننده اصلی خرید و

پیشاهنگ و بیانگر وحدت فزاینده نیروهای انقلابی کشور بود.

در زمینه سیاست خارجی حکومت اتیوپی به همکاری و دوستی با تمام کشورهای مرفعی و ضد - امپریالیست و در رأس آنها اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پرداخت. اتیوپی در حال حاضر روابط و همکاری گسترده ای با کشورهای سوسیالیستی دارد همچنین در سطح منطقه ای نیز پیوندهای رفیقانه خود را با جمهوری دموکراتیک خلق یمن تحکیم بخشیده است. سیاست ترقی خواهانه داخلی اتیوپی زمینه اتخاذ سیاست خارجی انقلابی را فراهم کرده و نقش قاطعی در آزاد ساختن این کشور از یوغ امپریالیسم ایفا نموده است. عناصر اصلی سیاست خارجی اتیوپی مقابله با امپریالیسم و گسترش همکاری با جهان سوسیالیسم و تمام نیروهای ضدامپریالیست گیتی می باشد.

در خلال نبرد نظامی ۷۸ - ۱۹۷۷ در شاخ آفریقا، سیاست آمریکا و سایر اعضای پیمان تجاوزکارانه ناتو حمایت از رژیم سومالی بود که نسبت به مناطق شرقی اتیوپی دعاوی ارضی داشت. در همین اثنا فعالیت های تخریبی رهبران پکن نیز با هدف تقویت ضدانقلاب در اتیوپی و تحریک و تقویت سازمان های جدایی - طلب و تشویق رژیم های ارتجاعی عرب برای منزوی کردن اتیوپی انقلابی در دریای سرخ انجام می پذیرفت.

این سیاست ها توسط مردم و حکومت اتیوپی به درستی شناخته و محکوم گردید و حکومت اتیوپی مبارزه قاطعانه ای بر ضد توطئه های پکن در آفریقا نیز به راه انداخت. هایلله ماریام رهبر اتیوپی در نطق چهارمین سالگرد انقلاب اتیوپی گفت: "امروزه چین مسیری را می پیماید که نقش ضد خلقی بودن آن کمتر از امپریالیست ها نمی باشد".

همکاری های اتیوپی با جهان سوسیالیست و همچنین نزدیکی های ایدئولوژیک با اردوگاه سوسیالیستی که در جریان گسترش انقلاب دموکراتیک ملی بوجود آمده، اهمیت فوق العاده ای در پیشرفت انقلاب اتیوپی و همچنین جبهه نیروهای مرفعی جهان داشته است.

فروش غلات را به عهده گرفت و فعالیت برخی بازرگانان خصوصی که به عنوان واسطه عمل می کردند محدود شد.

همراه با این اقدامات مرفعی استخوان بندی ایدئولوژیک انقلاب اتیوپی نیز تحکیم پذیرفته است. شورای نظامی موقت حاکم بر اتیوپی که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی در رأس دولت قرار گرفت نقش بسزایی در این روند ایفا کرده است. شورای رهبری نخستین مرحله تکامل انقلابی کشور را "سوسیالیسم اتیوپی" نامید. اعلامیه دسامبر سال ۱۹۷۴ وظایف این مرحله از انقلاب را احیای حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم، تقدم منافع اجتماعی بر منافع فردی، احترام به کار انسان و پایان بخشیدن به استثمار در کشور دانست.

در جریان این تغییرات جدید شورای نظامی اهداف و وظایف انقلاب اتیوپی را بطور دقیق تر مشخص ساخت.

برنامه انقلاب دموکراتیک ملی که در آوریل سال ۱۹۷۶ اعلام شد، اهداف و وظایف انقلاب اتیوپی را تشریح نمود و جهت گیری سوسیالیستی برای کشور قائل شد. برنامه مزبور خاطر نشان ساخت که هدف اصلی انقلاب اتیوپی رهایی از یوغ امپریالیسم و فئودالیسم و ایجاد زمینه مناسب برای گذار به سوی سوسیالیسم می باشد. همچنین برنامه وظیفه مبرم ایجاد حزب سیاسی پیشاهنگ را برای تحقق هدف های فوق ضروری شمرد. اظهارات و نوشته های رهبران کشور در این هنگام نمودار اعتقاد آنان به این اصل بود که سوسیالیسم علمی تنها اساس ایدئولوژیک قادر به حل وظایف انقلاب است.

کار وسیعی صورت پذیرفت تا توده ها را از نظر سیاسی آموزش داده و ایده های م - ل - برای آنان توضیح داده شود. در دسامبر ۱۹۷۹ شورای نظامی حاکم فرمان تاسیس یک کمیسیون به منظور تشکیل حزب مردم زحمتکش اتیوپی را صادر نمود. در این فرمان تصریح شد که حزب بایستی بر اساس آموزش های مارکسیسم - لنینیسم بنا نهاده شود و هدف دراز مدت آن هدایت خلق اتیوپی به سوی سوسیالیسم و سپس کمونیسم می باشد. این برنامه در ژوئن ۱۹۸۰ در نخستین کنگره کمیسیون فوق به تصویب رسید که مهمترین گام در پایه گذاری حزب

دفاعیات امیرانتظام

انکار و قبحانه واقعیت

محاکمه امیرانتظام به جرم جاسوسی برای آمریکا، در هفته گذشته نیز ادامه داشت دادگاه محاکمه این جاسوس، هم اینک از جمله آموزنده ترین عرصه های تقابل بین هواداران حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب از یک سو و ایادی و دوستداران امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر است. در این باره مکرر و وقاحت امیرانتظام در انکار اسناد و مدارک، به ویژه قابل توجه است. در جریان ادامه دفاعیات، او نظیر همپالکی های لیبرالش، با "نراکت، برخوردار خوش و منش غربی" که آن همه مورد علاقه "استمپل" و "لینکن" بود، کوشید تا گلیم از زیر پای واقعیت بکشد و چنین وانمود سازد که گویا "اصلا هیچ اتفاقی نیفتاده است"، اولاً که "مدارک بدست آمده از لانه جاسوسی مدارکی است که توسط ناسقین تهیه شده"، ثانیاً "باقی ماندن این مدارک از روی نقشه و برنامه بوده است"، ثالثاً "این اسناد ساختگی است... از همه مهمتر اینکه ترجمه از انگلیسی به فارسی درست انجام نشده و به تایید هیچ مقامی نرسیده

است" و نماینده محترم دادستانی هم بر زبان انگلیسی تسلط ندارد و نمی تواند این اسناد را بخواند. پس هر آنچه که در مورد من "و جریان جاسوس پرور لیبرالیسم گفته شده است باید برای همیشه زیر آوار شک و تردید و شبهه مدفون شود. تازه اگر هم ثابت شود که اسناد سندیت دارد، اگر یک بار دیگر و این بار البته توسط "متخصصین"، ترجمه شوند و نماینده دادستان هم برای چندمین بار آنها را مورد مطالعه قرار دهد، تازه آن وقت مسئله این خواهد بود که، اولاً اتفاق خاصی نیفتاده، تنها یک مبادله اطلاعاتی ساده بین دولتین صورت گرفته است و در ثانی تمام اطلاعات به عنوان یک مقام مسئول دولتی و با توافق نخست وزیر و وزیر دولت موقت، "رد" شده است. همین و والسلام! از بخت بد این لیبرال "خوش برخوردار"!

به این ترتیب تیر دو پیکانه ای از کمان لیبرالها پرتاب می شود تا دو هدف را در آن واحد مورد اصابت قرار دهد نخست آنکه بسیاری از مسئولین ترقیخواه و ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را هم به همراه لیبرالها زیر ضرب بکشاند و به این ترتیب از حیثیت و اعتبار آنان نزد توده ها، بکاهند. دادگاه را مرعوب سازد تا امیرانتظام خلاصی یابد. اما واقعیت برخلاف چنین نیزه پراکنی ها جریان دارد نیروهای انقلابی خلق به ویژه محافل ضد امپریالیست حاکمیت جمهوری اسلامی و در کنار آنان انقلابیون کمونیست، خوب می دانند که محاکمه امیرانتظام محاکمه "سازش با امپریالیسم" محاکمه "شکست گام به گام انقلاب" است. محکومیت امیرانتظام، محکومیت خط آمریکا و دوستان ایرانی برزیلینسکی است. محکومیت همه جریاناتی است که انقلاب نقره داغشان کرده سه بار نه بار به غلط کردن افتاده اند. این را نیز انقلابیون و خلق قهرمان میهن ما به خوبی می دانند.

دقت کنید! کار) در سخن گفتن کاملاً صحیح است انتظام در حقیقت علاقه به ادامه تماس با آمریکا دارد و به نظر می رسد خالصانه می کوشد تا دوباره روابط دو جانبه خوبی را بین ایران و آمریکا برقرار کند. سفارت گفتگو با امیرانتظام را در حد امکان ادامه خواهد داد (تبادل اطلاعات با افسر "سیا" از سند شماره ۱۰۶۷۲۹ مورخ ۱۷ مرداد ۵۸) نخست وزیر و وزیران محترم دولت موقت که می بینند اوضاع، روز به روز وخیم تر می شود حیلله جدیدی بکار گرفته اند آنها به دادگاه هجوم آورده اند که:

"اگر قرار است امیرانتظام محکوم شود ما نیز، همه مستحق، محکومیتیم" و اگرما محکوم شویم بسیاری از دست اندرکاران جمهوری اسلامی نیز، که دولت موقت را ولو بطور موقت، بر سر کار پذیرفتند مورد سؤال قرار می گیرند"

پیش بینی ها یکی پس از دیگری درست از آب درآمد ترجمه اسناد مورد رسیدگی مجدد مقامات صالحه قرار گرفت و صحت آنها تایید گردید و از ورای گرد و غبار ابراز تردیدهای لیبرالی، مشخص شد که مساله بر سر "انگلیسی ندانستن نماینده محترم دادستانی نیست". پای مبادله اطلاعات ساده و مرسوم بین المللی هم در میان نیست. چرا که رابطه ای است که "لینکن" وزیر مختار آمریکا در تهران درباره اش می گوید:

"مبادله اطلاعات بین امیرانتظام و کارشناس خدمات خارجی "استمپل" درست همان چیزی است که ما انتظار داشتیم" و اسناد جاسوس خانه، آن را چنین تصویر می کنند:

... توصیف کاردار لینکن از امیرانتظام به عنوان یک شخص باهوش و نماینده بسیار ماهر دولت انقلابی ایران (به تعریف و تمجیدهای امپریالیستی

کارگران و کارمندان نسبت به همین دوره در سال گذشته در شرایط حفظ قیمت کالاهای مصرفی بطور متوسط تقریباً ۲/۵ درصد افزایش یافته است. در همین مدت بیش از ۴۰۰ هزار محل جدید کار در رشته اقتصاد و خدمات ایجاد شده است.

اخبار کوتاه

- * انگلستان با پرداخت یک وام ۱۵ میلیون پوندی به ترکیه موافقت کرد.
- * وزارت خارجه افغانستان در بیانیه ای که به مناسبت نخستین سالگرد پیشنهادات صلح جویانه خود منتشر ساخت، بار دیگر از ایران و پاکستان خواست تا اختلافات خود را با این کشور از طریق مذاکره حل کنند.
- * دانشجویان دانشگاه های سئول در کره جنوبی طی تظاهراتی خواستار سرنگونی رژیم چون دوهوان و آزادی زندانیان سیاسی شدند.
- * اعتصاب ۶۵۰۰ کارگر چاپخانه های دانمارک وارد هشتمین هفته خود شد.
- * در فلسطین به مناسبت سی و سومین سال اشغال فلسطین تظاهراتی برپا گردید.
- * برتری طلبان چینی در ادامه سیاست های توسعه طلبانه خود بار دیگر مناطق مرزی ویتنام را زیر آتش توپخانه سنگین خود قرار دادند.
- * صدها هزار بیکار در سراسر انگلستان اقدام به راهپیمائی اعتراضی کردند.

جان فدا کرد. به دنبال مرگ هیوز، بلفاست و بقیه نقاط ایرلند دیگر بار چون موجی خروشان به حرکت درآمد و ضمن تجلیل از فرزند مبارز خود نفرت و کینه خود را نشان امپریالیسم انگلیس کرد. با مرگ فرانسیس هیوز، جومک لافین جایگزین او گردیده است و مصمم می باشد تا رسیدن به خواستهای زندانیان سیاسی به اعتصاب غذا ادامه دهد.

مسلمانان کامپوچیا خواستار حمایت مسلمانان جهان از جمهوری خلق کامپوچیا شدند

نماینده مسلمانان کامپوچیا از تمامی مسلمانان جهان و سایر مردم جهان دعوت کرد که از جمهوری خلق کامپوچیا در راه حفظ و بازسازی کشور و نیز تقویت صلح و ثبات در آسیای جنوب شرقی حمایت کنند.

وی ضمن اشاره به جنایات دار و دسته جنایتکار پول پوت که به مسلمانان این کشور اجازه برگزاری مراسم مذهبی و تکلم به زبان بومی خود را نمی دادند، و ۱۱۳ مسجد را ویران و تبدیل به زندان کرده بودند، گفت:

"پس از سقوط رژیم پول پوت، جبهه متحد نجات ملی کامپوچیا و شورای انقلابی خلق به مسلمانان کشور آزادی اجرای مراسم و حق شرکت در انتخابات را داده است."

نماینده مسلمانان کامپوچیا در پایان، سیاست های امپریالیسم جهانی و چین را در قبال کامپوچیا شدیداً محکوم ساخت.

افزایش حقوق کارگران و کارمندان شوروی

سازمان مرکزی آمار اتحاد شوروی اعلام کرد که در چهار ماه اول سال جاری میلادی حقوق



۲۶ جوان سیاهپوست قربانی امپریالیسم جنایتکار

به گزارش خبرگزاری ها با پیداشدن جسد یک جوان سیاهپوست دیگر، تعداد قربانیان نژادی در آتلانتای آمریکا به ۲۶ نفر رسیده است. علیرغم کشته شدن جوانان سیاهپوست، پلیس تاکنون اقدام جدی برای دستگیری قاتل و یا قاتلین به عمل نیاورده است.

در آمریکا هر ساله میلیون ها جنایت رخ می دهد و مانند تمام کشورهای سرمایه داری جنایت به طرز شگفت انگیزی رشد می کند. در سال ۱۹۷۹ تعداد ۱۲ میلیون جنایت خطرناک (قتل، تجاوز، راهزنی، سرقت) در آمریکا ثبت گردید. در این کشور رشد جنایت ده بار بیشتر از رشد نفوس در سالهای دهه ۷۰ - ۱۹۶۰ بوده است. کشته شدن جوانان سیاهپوست جدا از جنایاتی که در آمریکا رخ می دهد، انگیزه نژادی نیز دارد که این خود محصول تبعیض نژادی موجود در آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری است.

در ایرلند بابتی سندز فراوان یافت می شود

در پی مرگ حماسی بابی سندز، فرانسیس هیوز یکی دیگر از مبارزان ایرلندی پس از ۵۹ روز اعتصاب غذا در راه آزادی و استقلال ایرلند

آنتی کمونیسم

(قسمت دوم)

سلاح امپریالیسم علیه زحمتگشان

بورژوازی در هر آن جایی که به قدرت رسید به جای مناسبات و ستم فئودالی "استثمار آشکار خالی از شرم و سنگ دلانه‌ای را ترویج کرد" و این شیوه سرکوب آشکار خالی از شرم و سنگ دلانه به وضوح و قدرت هرچه بیشتر در "نیروی معنوی سرکوب مردم" و در سیستم تبلیغاتی و ضد مردمی تبلیغ یافت چنین چیزی برای بورژوازی "مکمل تسلیم بخش تازیانه‌های سوزان و گلوله‌های تفنگ بود که همین حکومت‌ها به کمک آنها قیام‌های کارگران... را سرکوب می‌کردند"

در شماره گذشته گفتیم که "نیروی معنوی سرکوب" از حربه‌های گوناگون برای استیلای طبقات حاکمه سود جسته است. به راستی کدام رهبر انقلابی است که علیه ستم، علیه امتیازات طبقات حاکمه، علیه زور، جهل تجاوز و... قیام کرده باشد و با سیل پایان‌ناپذیر دروغ‌ها و بهتان‌ها از طرف طبقات حاکمه روبرو نشده باشد. کدام ایدئولوژی انقلابی است که طبقات ستمگر و تمام نیروهای مرتجع حامی آن نکوشیده باشند داغ اشتراکی کردن زنان، راهزنی و عداوت با مردم، وابستگی به اجانب و... را بر آن نزنند. چنین تبلیغاتی پیوسته در طول تاریخ وجود داشته است. در این شماره نیز بحث خود را پیرامون ریشه‌های تاریخی آنتی کمونیسم و عملکرد تاریخی "نیروی معنوی سرکوب" ادامه می‌دهیم.

ریشه‌های تاریخی آنتی کمونیسم

عملکرد تاریخی نیروی معنوی سرکوب

"نیروی معنوی سرکوب مردم" برای سرکوب اندیشه‌ها و به انقیاد کشاندن توده‌ها در طول تاریخ از حربه‌های گوناگون سود جسته است. با توجه به نفوذ عمیق مذهب در عصر برده‌داری و فئودالی در میان توده‌های مردم و از آنجایی که در این دوران‌ها توده‌های مردم معمولاً با ایدئولوژی‌های مذهبی و یا شبه مذهبی به مبارزه علیه حاکمیت و مذهب سلطنتی که در خدمت طبقات ستمگر بود برمی‌خاستند، طبقات ستمگر نیز دقیقاً از همین حربه برای تبلیغات ضدانقلابی خود سود می‌جستند. طبقات ستمگر با تمام توان تبلیغی خود سعی می‌کردند که برداشت انقلابی و مترقیانه‌ای که نیروهای انقلابی از مذهب ارائه می‌دادند، بلافاصله با برجسب الحاد و کفر تخطئه کنند و در عرض مجموعه‌ای از آداب و رسوم متحجر و اخلاقیات و مراسم خرافی را تبلیغ و اشاعه دهند. این دوران‌ها به ویژه عصر فئودالی پیوسته با یک نوع مبارزه مذهب انقلابی علیه مذهب ارتجاعی همراه بوده است آنچه که طبقات ستمگر را در پیشبرد اهداف سرکوبگرانه‌شان یاری می‌داد، انحصار دانش و مدارس، پائین بودن سطح دانش و آگاهی و نفوذ اندیشه‌های خرافی در میان مردم بود.

طبقات حاکمه که معمولاً شبکه وسیع روحانیت کلیساها و مساجد را در اختیار داشتند، با تکیه بر این عامل، تبلیغات ضدانقلابی، تخطئه، محکومیت و نفی ایدئولوژی‌های انقلابی و اندیشه‌های علمی را پیش می‌بردند. استفاده از حربه مذهب تنها به محکوم نمودن، تبعید و شکنجه و یا تکفیر و توقیف این اندیشه‌ها منحصر نمی‌گشت. تبلیغ گسترده در منابر و مساجد یا کلیساها و مراسم اجتماعی، نوشتن روایه‌ها، برخورد ایدئولوژیک جزو جدائی‌ناپذیر این واکنش ضدانقلابی بود. "دستگاه معنوی سرکوب" کلیسای مسیحیت و دادگاه‌های تفتیش عقاید در مبارزه با ایدئولوژی ماتریالیستی عصر برده‌داری و یا شورش‌های دهقانی و مغان زردشتی در ستیز با الحاد مانوی و مزدکی پیوسته از این حربه سود جسته‌اند.

کلیسای مسیحی علاوه بر آنکه شدیداً از پیشرفت فرهنگ و دانش جلوگیری به عمل می‌آورد و مخالفت با آموزش‌های کلیسا را جنایتی غیر قابل بخشش تبلیغ می‌کرد، با توجه به مدارس و کتابخانه‌ها تبلیغات وسیع و منحرف کننده‌ای را علیه دانش ماتریالیستی و هرگونه اندیشه انقلابی توسط شبکه گسترده کلیساها به پیش می‌بردند. خلفای عباسی در برخورد با جنبش اسماعیلیه به کمک روحانیون وابسته به دربار انبوهی از ردیه‌ها فراهم آوردند و در این ردیه‌ها سعی داشتند که به توده‌ها چنین وانمود کنند که اسماعیلیه فرزندان القداح ایرانی هستند و نه اسماعیل علوی یا فاطمه دختر پیغمبر. "یکی دیگر از طرق مبارزه با زنداقه آن بود که حاملان ایدئولوژی رسمی" را وامی‌داشتند بر زنداقه ردیات بنویسند و با اتکاء به احادیث یا دلائل، بطلان عقاید آنها را ثابت کنند. از آنجمله کتابی بنام "فی الرد علی المانیه" برای اثبات نادرستی مانیگری که رشته و جریان عمده زنداقه بود، نوشته شد. به دستور خلفا، نبرد با "زندقیان در ایران سلجوقی بسط یافت" ***** مسئله اشتراک زنان در تبلیغ این ایده که جنبش‌های انقلابی و رهبران آنها به اشتراکی کردن زنان و گسترش فسق و فجور و فحشاء یا لذت پرستی و لذت گزائی اعتقاد داشته‌اند نیز از جمله مهم‌ترین و موثرترین حربه‌های تبلیغی ستمگران علیه جنبش‌های انقلابی بوده است. فلاسفه ایده‌آلیست و مورخین وابسته به طبقات حاکمه آنچنان تبلیغ گسترده‌ای در مورد لذت پرستی و زن‌بارگی فلسفه ماتریالیستی اپیکور و یا خیام پیش برده‌اند که هم‌اکنون نیز بسیاری از مردم و حتی برخی از روشنفکران و تحصیل کرده‌های جامعه نیز بر این باورند. بنیانگزاران سوسیالیسم علمی با اشاره به این خصیصه آئین ماتریالیستی اپیکوریان که می‌خواهد "انسان را از خوف خدایان و بیم مرگ برهاند"، تقابل و تبلیغات گسترده آباء کلیسا را مورد توجه قرار می‌دهند "اپیکور در عهد باستان تنها کسی بود که می‌خواست اذهان را روشن سازد... از این روست که اپیکور در نزد همه آباء کلیسا از پلوتارک تا

لوتر زندیقی تمام عیار شناخته شده است. "x" اعتراض خشم‌آگین مزدک علیه "تعدد زوجات"، "حرمسراها"، "ازدواج با محارم" و گسترش فحشا که به واسطه سلطه و زور پادشاهان حکمفرما بود و اعتقاد او مبنی بر لغو اینگونه بیدادگری و استثمار زنان و برچیدن حرمسراها و تعدد زوجات شدیدترین تبلیغات مسموم را علیه مزدکیان و پیروان بعدی آنان باعث گردید. طبقات حاکمه القاء حرم‌ها و تعدد زوجات را عملاً در حکم غارت اموال و زنان خود توسط "اراذل" دانسته و چنین تبلیغ می‌کردند که مزدکیان خواهان "اشتراکی کردن زنان هستند".

خواجه نظام‌الملک در این مورد به بدترین و موهن‌ترین شکل ممکن با این مسئله برخورد کرده و سیلی از دروغ‌ها و افتراهای شرم‌آور را نثار مزدک و مزدکیان می‌کند.

"بلیایف" نوشته‌های انباشته از افترا و بهتان تاریخ‌گزاران دوره اسلامی را درباره نهضت مزدکی تحریف بی‌شرمانه می‌داند و با چنین عباراتی به دفاع از مزدک و آرمان او برمی‌خیزد:

نویسندگان مسلمان سده‌های میانه، مزدکیان را در شکل کاذب آشوبگرانی دور از اخلاق، ناپاکانی که به تاراج و شهوت‌رانی دست برده‌اند و مزدک رهبر آنها را چونان نیرنگ‌بازی گستاخ، فریبگری بی‌وجدان جلوه‌گر ساخته‌اند که از علاقه بی‌پایان به قدرت رنج می‌برده است. "xx"

در همین رابطه نرشخی نیز با وقاحتی مشابه نظام‌الملک در مورد قیام المقنع سخن می‌گوید. سمعانی، یاقوت، غزالی، ابن‌اثیر و برخی دیگر از نویسندگان نیز در مورد بایک خرم‌دین و خرم‌دینان نیز به همین سیاق تبلیغ کرده‌اند.

نقطویان یا پسیخانیان (به رهبری محمود پسیخانی) که در عصر صفوی سر به شورش برداشتند نیز آماج اتهامات و افتراءات مشابه بوده‌اند. محمد بن محمود دهدار از نویسندگان درباری این عصر می‌نویسد:

"از جمله فروع مذهب ایشان این است که... مادر و برادر و خواهر و پسر و دختر و تمام منهیات مباح می‌شود."

دربار قاجار و روحانیون وابسته به آن نیز مشابه این تبلیغات را علیه باب و جنبش بابیه به کار برده‌اند تا جائی که از "قره‌العین" زن شاعر انقلابی و آزادیخواه ایران، چهره یک روسی را تصویر کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۳
***** برخی بررسی‌ها درباره جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، احسان طبری، ص ۱۶۱
x تاریخ جهان باستان، جلد دوم یونان، ص ۲۲
xx از مزدک به بعد، ص ۱۲

آنتی کمونیسم . . .

بقیه از صفحه ۱۲

گشت. با بهره‌گیری از این امکانات گسترده بود که مبلغین بورژوازی، مردم ملل تحت ستم را "وحشی"، "بی‌فرهنگ"، "عقب‌مانده" و... معرفی می‌کردند. مارکس و انگلس که دقیقاً ماهیت توسعه‌طلبی استعماری دولت‌های بزرگ سرمایه‌داری اروپائی و نقش آنان را در سرکوب ملل شرق بررسی کرده بودند، این شیوه خاص سرکوب و نقش سیستم تبلیغی سرمایه‌داران را نیز مورد توجه قرار دادند. انگلس ضمن تجزیه و تحلیل جنگ دوم تریاک چین در ماه مه ۱۸۵۷، "این جنگ را به عنوان یک جنگ توده‌ای برای حفظ ملت چین توصیف کرده و سالوسی و تزویر روزنامه‌های بورژوازی را که از "تساوت" چین سخن می‌گفتند و سعی نظامیان انگلیس را نادیده می‌گرفتند، به باد انتقاد و سخره گرفت." xxx

در خود کشورهای سرمایه‌داری در این زمان مضمون تبلیغات بورژوازی را عمدتاً نمی‌مبارزه طبقاتی، ضرورت آشتی طبقاتی، بدنام کردن مبارزین کارگری و رواج روحیه تسلیم طلبی، ایده‌آلیسم و عرفان تشکیل می‌داد. مبارزه ایدئولوژیک با ماتریالیسم که این زمان همراه با رشد علم تحول چشم‌گیری یافته بود و در قالب ماتریالیسم مکانیکی نمود یافته بود و اندیشه‌های سوسیالیستی که به شکل سوسیالیسم تخیلی، سوسیالیسمی که در شرایط فشار رو به فرون بورژوازی حاکم به وجود آمده بود و مظهر مبارزه بر ضد حاکمیت آن بود، بخشی از این تبلیغات را شامل می‌شد.

در مجموع، بورژوازی در هر آن جایی که به قدرت رسید به جای مناسبات و سیستم فئودالی "استثمار آشکار، خالی از شرم و سنگدلانه‌ای را رایج گردانید." xxxxx و این شیوه سرکوب آشکار، خالی از شرم و سنگدلانه به وضوح و قدرت هرچه بیشتر در "سیستم معنوی سرکوب مردم" و در سیستم تبلیغاتی و ضد مردمی‌اش تبلور یافت. سیستمی که به هر شیوه‌ای و به هر حربه‌ای توسل می‌جست، از میسیونرهای مذهبی تا روزنامه‌ها و نشریات جدید، از انواع مکاتب فلسفی و ادبی و تئوری‌های شبه‌انقلابی تا مدارس جدید و مکاتب بظاهر سوسیالیستی همگی اینها در دست بورژوازی به عاملی برای به انقیاد کشاندن توده‌ها، سرکوب اندیشه‌های انقلابی و... تبدیل شد. چنین چیزی برای بورژوازی "مکمل تسلیم‌بخش تازیانه‌های سوزان و گلوله‌های تفنگ بود که همین حکومت‌ها به کمک آنها قیام‌های کارگران... را سرکوب می‌کردند." *

با شکل‌گیری مارکسیسم به عنوان جهان‌بینی طبقه کارگر، مبارزه بورژوازی علیه طبقه کارگر و کارزار تبلیغاتی - ایدئولوژیک بورژوازی وارد عرصه نوینی می‌گردد. اکنون در کنار "تازیانه‌های سوزان و گلوله‌های تفنگ" و به عنوان مکمل آن "نیروی معنوی سرکوب" با کیفیتی نوین و در ابعادی گسترده و با بهره‌وری از تمامی امکانات وارد میدان می‌گردد. اکنون این نیروی ویژه سرکوب که هدف نهائی‌اش مبارزه با طبقه کارگر، اردوگاه سوسیالیسم و جنبش‌های رهائی‌بخش است عمدتاً در یک چیز خلاصه شده است:

"آنتی کمونیسم!"

ادامه دارد.

xxx تاریخ جهان باستان، جلد دوم یونان، ص ۲۶
 xxxx جنبش بین‌المللی کارگری و کمونیستی و مسئله ملی و مستعمره‌ها، ص ۶
 xxxxx مانیفست، ص ۲۸
 + مانیفست، ص ۷۸

تمامی این تبلیغات سبعانه و دیوانه‌وار و این سیل اکاذیب و افتراءات، این مسخ اندیشه‌ها و... به همانگونه که لنین متذکر شده است، همیشه در طول تاریخ حربه‌ای برای استیلای طبقات حاکمه بوده است. کدام رهبر انقلابی است که علیه ستم، علیه امتیازات طبقات حاکمه، علیه زور، جهل، تجاوز و... قیام کرده باشد و با سیل پایان‌ناپذیر دروغ و بهتان از طرف همان طبقات حاکمه روبرو نشده باشد. کدام ایدئولوژی انقلابی است که طبقات ستمگر و تمام‌نیروهای مرتجع حامی آن نکوشیده باشند داغ‌اشتراکی کردن زنان، راهزنی و عداوت با مردم، وابستگی به اجانب و خیانت و... را بر آن نزنند؟ چنین تبلیغاتی پیوسته در طول تاریخ وجود داشته و همیشه بخشی از نیروی سرکوب توده‌ها را تشکیل داده است. شکل این تبلیغات، گستردگی و شدت برخورد آن یقیناً همیشه سیمای ثابت و یکسانی نداشته و متناسب با شرایط تغییر می‌یافته است. ولی مضمون و هدف نهائی این تبلیغات همیشه ثابت بوده است: خاموش کردن زبان‌های آتش مبارزه طبقاتی و به انقیاد کشاندن توده‌ها. با شکل‌گیری سرمایه‌داری و پیدایش طبقه کارگر با توجه به رشد علوم و دانش‌ها، سیستم‌های خبری، چاپخانه‌ها و... تبلیغات بورژوازی علیه بردگان عصر سرمایه‌داری - طبقه کارگر - و جنبش نوپای کارگری ابعاد بی‌نهایت گسترده و وسیعی یافت. ولی از آنجائی که جنبش طبقه کارگر در این زمان بسیار پراکنده و محدوداً غیرآگاهانه بود و نیز ایدئولوژی منسجم و علمی طبقه کارگر هنوز شکل نگرفته بود، تبلیغات ضدکارگری بورژوازی نیز همین خصلت عدم انسجام و پراکندگی را نشان می‌داد.

در مرحله انباشت ابتدائی سرمایه، تبلیغات بورژوازی از یکسو بر جنبش‌های پراکنده کارگری و نیز ایده‌ها و افکار انقلابی که در همین رابطه شکل می‌گرفت، من‌جمله بیش ماتریالیستی و سوسیالیسم تخیلی و از سوی دیگر بر قیام و جنبش‌های رهائی‌بخش ملل شرق و مستعمرات متمرکز بود. با کشف دماغه‌امیدنیک که با گشایش دروازه‌های شرق ثروتمند و افسانه‌های، بحق دروازه‌های "امید نیک" را بر روی جهان گشود و پس از قرن شانزدهم خیل میسیونرهای مذهبی و آوازه‌گران و مبلغین غرب سرمایه‌دار به سوی مردم مستعمرات روانه گشت. از این زمان به بعد پیوسته‌کشیشان ملغ و میسیونرهای آوازه‌گر در کنار فرماندهان فاتح نظامی و تجار برده و کالا نقش مهمی در به انقیاد کشاندن خلق‌های تحت ستم شرق بر عهده گرفتند. اگر فرماندهان نظامی و کشتی‌های توپدار فتح سرزمین‌های بکر شرق را بر عهده گرفتند، میسیونرهای مذهبی و مبلغین دنیای سرمایه‌داری، عهده‌دار ستیز با اندیشه‌های انقلابی با عناصر پویای فرهنگ ملی، مسخ آرمان‌های انقلابی و رواج عادات و فرهنگ منحن استعماری گشتند. در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی زمانی که سرمایه‌داری به مرحله رقابت آزاد وارد شده بود، همراه با اوج‌گیری سیاست استعماری اروپا، به کمک سیستم ارتباط جمعی و ابزار تبلیغی، روزنامه‌ها و... تبلیغات بورژوازی برای نفی حقانیت ملل مستعمره و نبرد انقلابی آنان و دگرگونه جلوه دادن ماهیت جنبش مقاومت ضد استعماری در این کشورها وارد مرحله جدیدی

تهی ساختن آموزش‌های انقلابی از مضمون واقعی و انقلابی آن یا به انحراف کشاندن جنبش‌های انقلابی و دگرگون جلوه‌دادن آموزش‌ها و اهداف جنبش‌ها و رهبران انقلابی و استفاده وسیع از جنبه‌های تحریف شده و مسخ‌شده اندیشه‌ها و مکتب‌ها بخش مهمی از عملکرد "نیروی معنوی سرکوب مردم" را شامل می‌شود. برای ارائه نمونه‌ای مشخص می‌توانیم چگونگی مسخ "آئین مسیحیت" ابتدائی را که در آغاز مورد حمایت تهی‌دستان بود ولی به مرور به موعظه اطاعت و انقیاد و آئینی در خدمت استثمارگران تبدیل شد، مورد توجه قرار دهیم.

"وخامت هرچه بیشتر وضع توده‌های خلق و خودسری و استبداد طبقه حاکم، به گسترش اندیشه‌های عرفانی منجر شد. اندیشه‌هایی که امید اصلی را در حیات پس از مرگ جستجو می‌کند. بسط این اندیشه‌ها زمینه پیدایش مسیحیت را تدارک می‌دید. در آغاز، در مجامع مسیحی که به‌ویژه تهی‌دستان در آن گرد می‌آمدند، نوعی برابری برقرار بود. اما از وقتی که نمایندگان طبقات مرفه که تا حدودی از نظام موجود ناراضی بودند به آن راه یافتند، سادگی و صفای این مجامع و خصلت دمکراتیک آن به تدریج رخت بر بست، مراسم مذهبی پیچیده‌تر می‌شد و سیل هدایا و صدقات روان بود و بر قدرت و نفوذ محافل رهبری کننده مسیحیت همواره افزوده می‌شد. کلیسای مسیحی به وجود آمد و مسیحیت در راه تکامل خود، خصوصیات و خطوط تازه‌ای را کسب کرد و بدین‌سان طبقات حاکم را به خود جلب کرد. اینک رهبران مسیحیت که از زحمتکشان فاصله گرفته بودند و آنان را از مبارزه علیه استثمارگران منع می‌کردند، بهتر از هر آئین و مذهبی پاسخگوی منافع برده‌داران بودند. ایدئولوگ‌های طبقه حاکم به زودی پی بردند که به آسانی می‌توانند اعتراض مسیحیت را درجهتی موافق منافع استثمارکنندگان سوق دهند. موعظه اطاعت و انقیاد و تبعیت از آئین مسیحیت و شناخت و رعایت اصول و شرایع مدون همه اینها خوشایند برده‌داران بود. در قرن چهارم مسیحیت مذهب رسمی امپراطوری شد و به ابزار برده‌داران به صد توده‌های خلق مسدول گردید." xxx

به همین شکل جنبش انقلابی باب نیز با نفوذ محافل امپریالیستی و به‌وسیله "بهاء‌الله" از مضمون واقعی و سنن انقلابی تهی گشته و به جریانی در خدمت امپریالیسم تبدیل گشت. پس از آن کوشش همه‌جانبه از طرف محافل ارتجاعی و طبقات حاکمه عصر قاجار و پهلوی آغاز شد تا اولاً این دو جریان کاملاً متفاوت را یکی جلوه دهند و در ثانی جنبش انقلابی باب را از طریق گفته‌ها، نوشته‌ها و عملکرد بهاء مورد حمله و نفی قرار دهند. تبلیغ گسترده‌ای که در این زمینه عملی شد، به حدی بود که هم‌اکنون نیز بخش قابل ملاحظه‌ای از هم‌میهنان ما دچار توهم و ذهنیت منفی نسبت به جنبش انقلابی بابیه هستند. مسخ و دگرگونه کردن اندیشه‌های انقلابی و ماهیت جنبش بابیه بعدها آن زمینه مساعد و مناسبی را فراهم می‌آورد که رهبران و فعالین جنبش مشروطه و نیز مبارزیه و هر مخالفی در عصر رضاخان با نهضت بابیگری و الحاد و وابستگی به انگلیس مورد حمله تبلیغی و پیگرد قرار می‌گیرد.

*

بمناسبت انتشار — اسناد جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری

منعقد در سالهای ۵۷ - ۶۰ - ۶۹

کمونیستی نبود و علیرغم تاثیرات پیشبرنده آن نمی توان آن را تدبیری متناسب با شرایط جاری برای تحکیم و بسط همبستگی، وحدت نظر و هماهنگی عملی میان احزاب کمونیست و کارگری جهان دانست.

آنچه جنبش می طلبید و کمونیست های جهان می خواستند، فراتر از "دفتر اطلاعاتی" بود. به هر صورت احزاب عضو "دفتر اطلاعاتی" در آوریل ۱۹۵۶ به دلیل اینکه "دفتر اطلاعاتی" نمی توانست پاسخگوی نیازهای جنبش باشد، تصمیم به متوقف کردن فعالیت آن گرفتند.

پس از متوقف شدن فعالیت "دفتر اطلاعاتی" کوشش برای یافتن شیوه پیشرفته تر و مناسب تری جهت تبادل نظر میان احزاب برادر، حفظ و تحکیم روابط درون جنبش کمونیستی بطور جدی تری دنبال شد. تشکیل جلسه مشاوره ۱۹۵۷ خود حاصل همین جستجوها و کوششها بود.

اکنون که نزدیک به یک ربع قرن از تشکیل نخستین جلسه مشاوره بین المللی احزاب کمونیست و کارگری می گذرد، با بررسی کارکرد و مطالعه تاثیرات این جلسات مشورتی در تحکیم همبستگی و ایجاد هماهنگی میان احزاب برادر با یقین می توان گفت که تشکیل جلسات مشورتی در حیات جنبش کمونیستی، تاثیر بس مشیت و پیشبرنده دارند. خط مشی عمومی و واحد جنبش جهانی کمونیستی که محصول انطباق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط عمومی جهان معاصر می باشد، حاصل کار و کوشش جمعی احزاب کمونیست و کارگری از مجرای جلسات مشاوره احزاب کمونیست و کارگری می باشد. جلسات مشاوره احزاب کمونیست و کارگری جهان با انطباق خلاقانه مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط جهان معاصر، با تدوین خط مشی علمی و انقلابی جنبش جهانی کمونیستی و با تعیین وظایف عمومی کمونیست های جهان مبتنی بر شرایط متحول جهان معاصر موفق شدند ثقل ایدئولوژیک و تئوریک پدید آورند که بدون آنکه نیازی به یک مرکزیت اجرائی و سازمانی مشخص باشد، مسیر عمومی جنبش کمونیستی و وظایف اساسی آن را تعیین کرده و از این طریق همبستگی درونی جنبش را تحکیم نماید.

جلسات مشاوره تجلی همکاری اصولی کمونیست های جهان هستند و خط مشی عمومی جنبش کمونیستی حاصل همین همکاری و در یک کلام حاصل دانش جمعی احزاب کمونیست و کارگری جهان است.

سوی شکل عملی تبادل نظر و روابط میان اعضا خانواده جنبش جهانی کمونیستی، حاصل این تبادل نظر و همکاری که بطور بارز در خط مشی عمومی جنبش نمودار می شود، همان ثقل تئوریک و قانون وحدتی است که باید در پرتو آن برای تحکیم و بسط همبستگی جنبش جهانی کمونیستی بیکار کنیم.

گردهمآئی ۱۹۶۰ و مصوبات آن

دومین جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری که در عین حال بزرگترین گردهمآئی

بقیه در صفحه ۱۵

اخیرا از طرف سازمان ما مجموعه اسناد جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری منعقد در سالهای ۱۹۷۵ - ۶۰ و ۶۹ در یک مجلد انتشار یافت. انتشار این اسناد از طرف سازمان ما بدون تردید یک واقعه تاریخی مهم و نقطه عطفی در جنبش و به ویژه در تجهیز بیشتر نسل کمونیست های پس از سالهای ۴۰ به مارکسیسم - لنینیسم خلاق است.

انتشار و مطالعه این اسناد به نسل جوان کمونیست ایران امکان می دهد که با آگاهی و عزمی استوار پیوندهای انترناسیونالیستی خود را با جنبش کمونیستی - کارگری جهان استحکام بخشد، پیوندهایی که به دلیل عدم حضور فعال یک سازمان کمونیستی زیر تاثیر آموزش های ارتجاعی "مائوئیسم" و "آنتی کمونیسم" سازمان یافته توسط امپریالیسم و دستگاه های رژیم شاه به شدت تخریب شده بود.

انتشار و مطالعه این اسناد همچنین به این نسل کمک می کند که در راه زدودن سموم خرده بورژوازی که در چند دهه اخیر، جنبش کمونیستی میهنمان را آلوده بود، قاطعانه و با آگاهی کمونیستی به پیگار برخیزد و در مسیر تحول انقلابی جهان در چهارچوب استراتژی و تاکتیکی لنینی وظایف انترناسیونالیستی و میهنی خود را به انجام رساند.

"کار" به مناسبت انتشار این اسناد و برای آنکه مطالعه دقیق تر آن ثمرات گرانبھتری برای جنبش کمونیستی - کارگری ایران ببار آورد، در این شماره مطلبی پیرامون جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری درج می نماید. تلاش ما این است که نسل جوان کمونیست ایران را در راه سترگی که در پیش داریم بیش از پیش به مارکسیسم - لنینیسم خلاق تجهیز نماییم.

پیچیده و متنوعی که به تناسب شرایط، برعهده کمونیست های جهان قرار گرفته بود و نیز به دلیل مشکلات ویژه ناشی از شرایط جنگی که هم ارتباط مستمر میان کمونیست های جهان را دشوار ساخته بود و هم شیوه های نوینی را در سیستم روابط جهانی کمونیستی اقتضاء می کرد، دیگر نمی توانست همچنان به شکل سابق فعالیت نماید. مجموع شرایط اقتضاء می کرد که برای تنظیم روابط تبادل نظر و هماهنگی عملی احزاب برادر، اشکال و شیوه های نوینی متناسب با شرایط جدید به کار گرفته شود.

"تاریخ حزب کمونیست شوروی" ضمن توضیح این شرایط، دلایل انحلال "کمینترن" را اینگونه جمع بندی کرده است:

"تجربه مبارزه ثابت کرد که اتحاد نیروهای مترقی و بسیج توده ها برضد فاشیسم و نیروهای ارتجاعی در کشورهای سرمایه داری جزء ائتلاف هیئتتری بهتر از هر چیز، به وسیله احزاب کمونیست هر کشور جداگانه در خارج از چهارچوب کمینترن می تواند تحقق یابد.

بایستی همچنین این تهمت بورژوازی که گویا احزاب کمونیست به دستور خارج عمل می کنند نه با استقلال و به سود خلق های خود، برای همیشه افشاء گردد. با در نظر گرفتن تمام جوانب و رعایت این موضوع که کمینترن وظیفه تاریخی خود را انجام داده است، هیئت رئیسه کمیته اجرائی انترناسیونال کمونیستی در ماه مه ۱۹۴۳ قراری درباره انحلال کمینترن تصویب نمود. تمام احزاب این قرار را تأیید کردند.

پس از جنگ به دلیل تحولات اساسی که در جهان پدید آمد، به ویژه در نتیجه تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی و نفوذ همه جانبه و دگرگون ساز آن و با توجه به تحولات انقلابی جهان، در واقع تشکیل کمینترن با همان شکل پیشین دیگر امکان پذیر نبود. با این همه تاسیس "دفتر اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری" پس از جنگ جهانی دوم که تنها فعالیت تعدادی از احزاب کمونیست و کارگری را هماهنگ می ساخت، از همان آغاز، پاسخگوی نیازهای جنبش جهانی

پس از جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، نخستین جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری جهان در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۵۷ با شرکت ۶۴ حزب در مسکو برگزار شد. در این روز تاریخی، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری که برای گرامیداشت چهلمین سال پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در مسکو گرد آمده بودند، پیروزمندانه به یکی از آرزوها و انتظارات کمونیست های جهان جامعه عمل پوشاندند و متفقا برگزاری جلسه مشورتی را به مثابه شیوه ای موثر و انقلابی جهت تحکیم همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و ایجاد وحدت نظر و هماهنگی عملی هرچه بیشتر میان اعضا خانواده جنبش کمونیستی جهانی ضروری تشخیص داده و مورد تأکید قرار دادند.

از زمان انحلال کمینترن تا تشکیل نخستین جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری، تغییراتی اساسی در جهان پدیدار شد. اساسی ترین این تغییرات تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی بود. دوران معاصر، یعنی دورانی که با پیروزی انقلاب کبیر آغاز گشت با تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی مرحله نوینی را آغاز کرد. جنبش کمونیستی به مثابه پرنفوذترین نیروی انقلابی جهان در شرایط نوین وظایفی بیش از پیش خطیر و تعیین کننده برعهده گرفت. با این همه در فاصله انحلال کمینترن تا تشکیل نخستین جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری جنبش جهانی کمونیستی فاقد ارگانی کاملاً موثر و شیوه ای مناسب برای هم فکری و تبادل نظر و ایجاد هماهنگی همه جانبه میان همه احزاب برادر بود. "کمینترن" که در میان سه انترناسیونال موثرترین آنها بود و در تاریخ پرافتخار فعالیت خویش موفق شد در تحکیم همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و در ایجاد هماهنگی عملی و هدایت کمونیست های جهان برای عملی ساختن وظایف انقلابی و انتر-ناسیونالیستی جنبش، نقشی تاریخی و بس سترگ ایفاء نماید، با آغاز جنگ دوم جهانی در نتیجه گسترش عرصه های مبارزه و وظایف بسیار

بقیه از صفحه ۱۴

اسناد جلسات ...

احزاب کمونیست و کارگری است، در نوامبر سال ۱۹۶۰ با شرکت ۸۱ حزب در مسکو برگزار شد. تحولات پس از جنگ دوم جهانی که اساسی‌ترین آنها تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی بود، در کم و کیف روند انقلابی جهان و نقش سوسیالیسم واقعا موجود و جنبش جهانی کمونیستی در این روند تحولی عمیق و همه‌جانبه پدید آورد. استقرار سوسیالیسم در بخش بزرگی از قاره اروپا، پیروزی سترگ انقلاب چین، پیشرفت ستایش‌آفرین سوسیالیسم در اتحاد شوروی و پیروزی‌های دم‌افزون خلق‌های جهان در پیکار علیه امپریالیسم و در راه صلح، استقلال ملی و دموکراسی و سوسیالیسم از یک سو و از سوی دیگر تشدید بحران‌های عمومی نظام سرمایه‌داری و شکست‌های عظیم و دم‌افزون ارتجاع جهانی همه حاکی از این بودند که جهان به مرحله نوینی از عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم گام گذارده است. خط مشی جنبش جهانی کمونیستی که حاصل انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط عمومی جهان است و می‌بایست با مطالعه دقیق هر مرحله از تحولات انقلابی در دوران‌های مختلف بر شرایط نوین منطبق گردد در این زمان احتیاج به بررسی مجدد داشت.

جنبش کمونیستی جهانی پس از تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی در برابر مرحله نوینی از تحولات انقلابی جهان قرار داشت که ضرورتا تحلیل جامعی از کلیت این مرحله را ایجاب می‌کرد. از همین رو خط مشی جنبش کمونیستی نیاز به تحولی اساسی داشت و نمی‌توانست با اصلاحات جزئی در این یا آن عرصه مشخص، نقش پیشتاز خود را بطور کامل ایفاء نماید. بدیهی است که در جریان چنین تحولی نمی‌شد بر همه نیروهای دگماتیسم و گرایش‌های ناشی از شخصیت پرستی را یکباره و بدون اینکه ایجاد هرگونه تزلزل و مقاومتی کند، غلبه نمود.

از همین رو اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی خطاها و کاستی‌های اساسی خط مشی پیشین را رفع کرد و از طریق انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط عینی این مرحله از تکامل جهان معاصر، چهار-چوب اصولی خط مشی نوین جنبش کمونیستی را مشخص ساخت لیکن خود پایان مبارزه در راه دستیابی به خط مشی نوین نبود بلکه سرآغاز نوینی برای مبارزه بود. مجموع مسائل طرح شده در جلسات مشاوره ۱۹۵۷ بار دیگر و بطور جامع‌تری در جلسه مشاوره ۱۹۶۰ مورد بررسی قرار گرفت. در این فاصله مسائل طرح شده در گردهمایی ۱۹۵۷ و کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی محور اصلی مجموع مباحث درون جنبش کمونیستی را تشکیل می‌داد. در واقع تشبیت این نظرات در سطح جنبش کمونیستی پس از این دوره سه ساله مباحثات در گردهمایی دوم صورت گرفت.

باید توجه داشت که "جلسه مشاوره" ۱۹۶۰ اگر چه عمدتا همان مسائلی را در دستور قرار داد که در جلسه مشاوره پیشین طرح شده بودند، لیکن در همان حد محدود نشد بلکه از طریق جمع‌بندی مباحثات سه‌ساله، با بهره‌گیری از کار مستمر و منظمی که در این مدت پیش رفته بود و با تکیه بر آزمون‌های متعددی که همه دال بر صحت اساس و جوهر خط مشی ارائه شده در جلسه مشاوره نخست بودند، موفق شد نظریات پیشین را تعمیق و بسط دهد و به صورتی جامع‌تر تنظیم

نماید و خط مشی جنبش کمونیستی جهانی را به گونه‌ای صریح‌تر تدوین نماید. اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری منعقد در ۱۹۶۰ که به تصویب ۸۱ حزب کمونیست و کارگری رسیده است، بیانگر انطباق خلاقانه مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط عمومی جهان معاصر است. این سند موفقیت‌گرمهائی ۱۹۶۰ و نمونه بارزی از پیروزی آفرینی نیروی همبستگی و همکاری احزاب برادر در عرصه اساسی‌ترین و خطیرترین مسائل است. اعلامیه جلسه مشاوره ۱۹۶۰، از طریق انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر روند تحولات این مرحله از تکامل جامعه بشری به روشنی سمت و سوی تکامل جهان، نیروهای محرکه و اصلی این تکامل نقش سوسیالیسم واقعا موجود و جنبش کمونیستی و کارگری در این روند و چگونگی عملکرد هژمونی جهانی پرولتاریا را در سیر این تحولات توضیح می‌دهد. بر همین پایه اعلامیه اساسی روشن و استوار خط مشی جنبش جهانی کمونیستی را تشریح می‌کند و وظایف اساسی و عمومی کمونیست‌های جهان را صریحا مشخص می‌کند.

اعلامیه گردهمایی ۱۹۶۰ که سند اصلی این گردهمایی است، سندی است منسجم که مباحث اساسی آن عمیقا هم‌پیوندی دارند. در واقع هر یک از احکام اساسی این اعلامیه حاصل و نتیجه ضروری تعریف ارائه شده در مورد محتوا و مضمون اساسی دوران معاصر در درک اعلامیه از مختصات بنیادین این مرحله از تکامل جهان است. در عین حال هر یک از این احکام تنها هنگامی قابل درک و بطور واقعی قابل قبول هستند که در رابطه با مجموع مسائل و بطور اخص بر مبنای تعریف و توضیح اعلامیه از مضمون و محتوای دوران کنونی مطالعه و درک شوند.

اعلامیه در شش بند تنظیم شده است و هر بند آن ضمن پیوند ارگانیک با دیگر بخش‌ها، عمدتا به توضیح مسئله اساسی مشخص اختصاص دارد. آگاهی نسبت به نظم کلی و ربط و توالی دیالکتیکی مضامین آن در شناخت کلیت اعلامیه و هر یک از مباحث آن نقش بسیار موثری دارد. برای مطالعه و بررسی مسائل اساسی دوران معاصر و خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی، ضمن مطالعه اسنادی که در این مورد وجود دارد، و باید در دست‌رسان مطالعه قرار گیرد، ضرورت دارد که هر یک از مسائل و مباحث اساسی مربوط به تحلیل شرایط عمومی جهان و خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی، با حفظ ترتیب و توالی دیالکتیکی، یا بطور مشخص با رعایت همان ترتیبی که در اعلامیه ۱۹۶۰ آمده است، بطور جداگانه مطالعه و بررسی شوند و آموزش‌های جنبش کمونیستی در این مورد جذب شود.

باید توجه داشت که قبل از مطالعه اختصاصی تک تک مباحث، ضرورت دارد لااقل یکبار اسناد اساسی جنبش کمونیستی را مطالعه کنیم تا مقدماتا با این اسناد و مضامین آنها آشنا گردیم. این مطالعه مقدماتی که منابع آن در دسترس است، حتما ضرورت دارد. پس از آن باید مطالعه دقیق‌تر مسائل را از طریق مطالعه و بررسی هر یک از مباحث اساسی اعلامیه ۱۹۶۰ و با حفظ همان ترتیبی که در اعلامیه رعایت شده، پیش ببریم. در این بخش از مطالعات باید از طریق مطالعه پیشرفته‌ترین و غنی‌ترین اسناد و آثار جنبش جهانی کمونیستی در مورد هر یک از مسائل اساسی دوران معاصر و در مورد خط مشی جنبش جهانی کمونیستی شناخت خود را تعمیق بریم.

باید توجه داشته باشیم که بسیاری از احکام اعلامیه ۱۹۶۰ در گردهمایی ۱۹۶۹ صراحت و دقت بیشتری یافتند. با اینکه مباحث این دو اعلامیه عموما مشترک است با این همه باید اساس را بر اعلامیه گردهمایی ۱۹۶۹ گذاشت.

اعلامیه ۱۹۶۰ قبل از انشعاب حزب کمونیست چین و اعلامیه ۱۹۶۹ پس از آن انتشار یافته است. مطابقت این دو اعلامیه و نیز مطالعه پیشرفته‌ترین آثار و اسناد جنبش جهانی کمونیستی درباره هر یک از مسائل اساسی جهان معاصر و درباره خط مشی جنبش جهانی کمونیستی خود روندی تکاملی را نشان می‌دهند که باید دقیقا به آن توجه داشت. اعلامیه ۱۹۶۰ جمع‌بندی مهم‌ترین ویژگی‌های جهان معاصر و بیانگر خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی است. با این تذکرات ضروری است به هنگام مطالعه و بررسی هر یک از مباحث اعلامیه ۱۹۶۰ به اعلامیه ۱۹۶۹ و به پیشرفته‌ترین اسناد و آثار جنبش جهانی کمونیستی رجوع گردد.

در عین حال همواره باید در نظر داشته باشیم که هدف ما از مطالعه و بررسی اسناد و گردهمایی‌های احزاب کمونیست و کارگری و تدقیق در سیر تکامل خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی این است که همه نیروهای سازمان پرافتخارمان را به سطح اعضا استوار و وفادار خانواده جنبش کمونیستی ارتقاء دهیم و برای انجام چنین هدف سترگی درک تحلیل پویا و تکامل‌یابنده جنبش جهانی کمونیستی از مسائل اساسی دوران معاصر و شناخت عمیق خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی از مسائل اساسی دوران معاصر و شناخت عمیق خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی شرط اساسی می‌باشد.

منتشر شد

اسناد

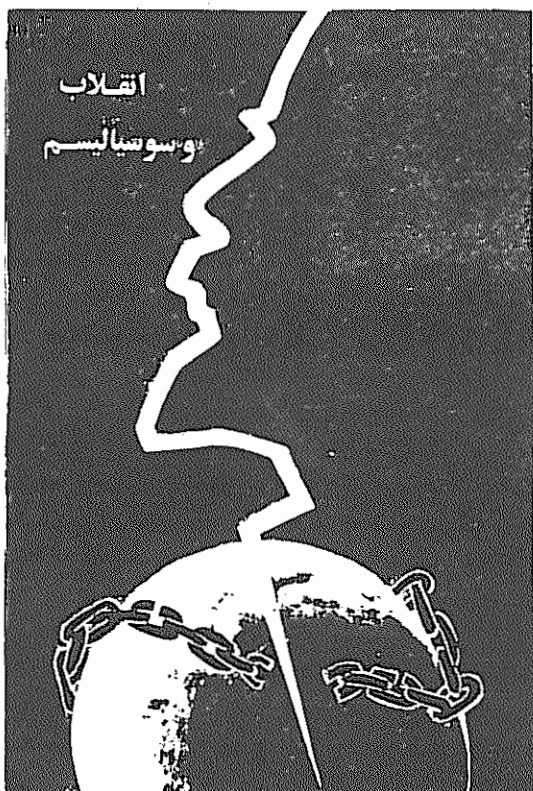
جلسات مشاوره

احزاب کمونیست و کارگری

۱۹۵۷

۱۹۶۰

۱۹۶۹



انقلاب
سوسیالیسم

از انتشارات: سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تهاجم امپریالیستی - صهیونیستی
به نیروهای انقلاب در منطقه

تشدید حملات امپریالیسم ، صهیونیسم و نیروهای وابسته به آنها علیه جنبش مقاومت فلسطین ، جنبش ملی لبنان و نیروهای بازدارنده عرب حلقه دیگری از استراتژی امپریالیسم آمریکا برای گسترش تسلط سیاسی - نظامی - اقتصادی بر منطقه خاورمیانه عربی ، با مقاومت فزاینده خلقهای منطقه و اردوگاه جهانی انقلاب محکوم به شکست است .

در آستانه سی و سومین سالروز اشغال فلسطین به دنبال سفرهای "هیگ" "تاچر" و سایر سیاستمداران امپریالیستی به منطقه خاور - میانه و مذاکرات آنها با سران مرتجع و وابسته ، توطئه نوینی علیه خلقهای منطقه در شرف تکوین است . در یک ماه گذشته کمتر روزی بوده که از حملات زمینی هوایی و دریایی ارتش صهیونیستی به لبنان خبری منتشر نشود همزمان با این حملات فالانژیست‌ها و نیروهای سرگرد سعد حداد مزدور نیز بر شدت حملات و تحریکات خود کلاً با حمایت مستقیم صهیونیست‌ها و امپریالیسم انجام می‌شود افزوده‌اند . طی این حملات فاشیستی دهه‌انفر از زحمتکشان فلسطینی و لبنانی کشته و زخمی شده‌اند و هزاران نفر از ساکنین مناطق جنوبی لبنان نیز آواره گردیده‌اند به دنبال این تهاجمات نیروهای جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی فعالیت جدیدی را برای مقابله با این توطئه امپریالیستی آغاز کرده‌اند و این در حالی است که ارتش سوریه برای مقابله با تهاجمات صهیونیست‌ها به خاک لبنان و دفاع از نیروهای سوری مستقر لبنان ، اقدام به استقرار موشک‌های سام در این کشور نموده است .

حلقه جدیدی از

توطئه کمپ دیوید

اکنون دو سال پس از امضای موافقتنامه کمپ دیوید خلقهای منطقه و جهان به خوبی می‌دانند که قرارداد کمپ دیوید استخوان‌بندی برای تسلط سیاسی - اقتصادی - نظامی بر منطقه خاور میانه را تشکیل می‌دهد . توطئه کمپ دیوید چکیده تلاش‌های امپریالیسم در این منطقه حیاتی جهان است که هدف ضربه زدن و شکست انقلاب خلقهای عرب و بخصوص جنبش مقاومت فلسطین ، از طریق منزوی کردن نیروهای انقلابی پیگیر و به سازش کشاندن نیروهای



متزلزل را دنبال می‌کند . امپریالیسم کوشش می‌کند در ادامه توطئه کمپ دیوید که تاکنون مصر را بطور کامل به مدار سلطه امپریالیستی کشانده است ، بر برخی تضادهای موجود بین رژیم‌های مرتجع عرب با رژیم صهیونیستی و همچنین فشار خلقهای منطقه بر این رژیم‌ها که جرات ساخت و پاخت آشکار با رژیم صهیونیستی را از آنان سلب کرده فائق آید و با سرعت هرچه تمامتر یک پیمان نظامی منطقه‌ای برای تهاجم گسترده‌تر به انقلاب منطقه را سرهم بندی نماید . ما موانع عمده‌ای که کمپ دیوید را در سراشیب سقوط قرار داده‌اند قبلاً بر شمرده‌ایم این موانع عبارتند از :

- ۱ - مقابله با ورودی جهانی انقلاب با این توطئه
- ۲ - تشکیل جبهه پایداری به عنوان سدی در مقابل این تهاجمات .
- ۳ - مقابله همه‌جانبه با جنبش مقاومت فلسطین و اتحاد در صفوف این جنبش
- ۴ - رشد جنبش توده‌های فلسطینی در مناطق اشغالی
- ۵ - موضع کنگره خلقهای عرب علیه کمپ دیوید
- ۶ - محکوم شدن کمپ دیوید در کنفرانس کشورهای عرب علیرغم حضور نیروهای مرتجع در آن و بالاخره ۷ - پیروزی انقلاب ایران و تأثیرات آن بر توازن قوا در سطح منطقه .

امپریالیسم آمریکا برای خارج ساختن کمپ دیوید از بن بست ، کوشش همه‌جانبه‌ای برای درهم شکستن موانع پیشروی کمپ دیوید آغاز کرده است . جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران که با هدف شکست انقلاب ایران و با کمک و حمایت امپریالیسم و مرتجعین منطقه برافروخته شد ، یکی دیگر از آماج‌های خود را بازداشتن ایران از ایفای یک نقش مثبت و فعال در صحنه سیاسی منطقه قرار داده است . به علاوه امپریالیست‌ها کوشش کردند تا بدین وسیله بر آخرین موانع کشاندن کامل عراق به مدار جبهه امپریالیستی فائق آیند . بدین ترتیب در شرایطی که شعله‌های این جنگ تجاوزگرانه همچنان زبانه می‌کشد امپریالیسم آمریکا و متحدینش مرحله جدیدی از توطئه کمپ دیوید را با تهاجم وحشیانه به لبنان که در تاریخ این کشور بی سابقه بوده است آغاز کردند . هدف این تهاجم عبارت است از :

نابودی جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان ، ضربه زدن به روحیه مقاومت و مبارزه در توده‌های فلسطینی ساکن مناطق اشغالی و ضربه زدن به سوریه که نقش میهن پرستانه‌ای در چهارچوب جنبش خلقهای عرب ایفاء می‌کند . و از این طریق وارد کردن ضرباتی بر جبهه پایداری عرب . امپریالیسم بدین ترتیب از میان برداشتن عمده‌ترین

موانع محلی و منطقه‌ای را که تأثیر روزافزونی بر مقاومت خلقهای منطقه نیز داشته است برای گسترش سلطه خود آماج قرار داده است .

لبنان :

در آتش توطئه‌های امپریالیسم

لبنان چندین سال است که در آتش یک جنگ داخلی که با هدف تجزیه خاک این کشور و ایجاد یک دولت فاشیستی جدید از نوع "اسرائیل" به وسیله امپریالیست‌ها به راه افتاده است ، می‌سوزد . تهاجمات اخیر ارتش صهیونیستی و سایر نیروهای فاشیست ، در خاک این کشور اگرچه بی سابقه بوده اما جدا از سایر وقایع سالیان اخیر این کشور نمی‌باشد . مقامات صهیونیستی بارها اعلام کرده‌اند که برنامه آنها "ایجاد کمربند حفاظتی" در کشورهای مجاور سرزمین اشغالی فلسطین برای حفظ موجودیت صهیونیستی می‌باشد . جنگ‌های تجاوزگرانه صهیونیست‌ها همواره علاوه بر اهداف دیگر این هدف را نیز دنبال می‌کرده است . لبنان نیز در سالهای اخیر یکی از آماج‌های این طرح بوده است .

طی سالهای ۷۶ - ۷۵ جنگ داخلی در لبنان بین نیروهای فالانژیست که به وسیله آمریکا و اسرائیل حمایت و تسلیح می‌شوند ، با نیروهای جنبش ملی لبنان و جنبش مقاومت فلسطین اوج بی سابقه‌ای یافت . فالانژیست‌ها در این جنگ موفق به استقرار دولت فاشیستی مطلوب خود و یا تجزیه لبنان نشدند . جنبش ملی لبنان و مقاومت فلسطین که طی این دوره حدود ۸۰ درصد لبنان را در کنترل خود داشتند از یک طرف و ورود نیروهای بازدارنده عرب که بطور عمده نیروهای سوری را شامل می‌شد از طرف دیگر این برنامه را خنثی ساخت . جنبش ملی لبنان که در آغاز نسبتاً ضعیف بود طی این سالها از قدرت و اعتبار چشمگیری برخوردار گردید و به زودی نقش بسیار مهمی در صحنه مبارزه اجتماعی در لبنان بر عهده گرفت . نیروهای عمده تشکیل دهنده این جنبش عبارتند از :

بقیه در صفحه ۱۷

رویدادهای ترکمن صحرا

بجای خونریزی و تشنج آفرینی به خواست‌های صیادان زحمتکش پاسخ دهید

فرصت طلبی و مهار منفعت طلبی آنان با حرکات ماجراجویانه و اقدام به تیراندازی‌های بی‌مورد موجب شهادت یکی از صیادان زحمتکش روستای "چاقاقلی" بنام "بردی مراد توماج" شد.

قابل ذکر است که چندی پیش نیز اوباشان زیر پوشش حزب الله و با حمایت فعال پاسداران به نمایشگاه‌های ضدامپریالیست هواران سازمان ما در بندر ترکمن یورش آوردند و باعث تشنج شدن جو شهر شدند که با اعتراض مردم و هیات‌های ۷ نفره واگذاری زمین و جهاد سازندگی بندر ترکمن روبرو شد.

اکنون بیش از هر زمانی ضروری است که مسئولین جمهوری اسلامی واقع بینانه فعالیت‌ها و عملکردهای خوب و تشنج آفرین سپاه پاسداران و تشنج صحرا و برای حل واقع بینانه مسائل و مشکلات صیادان شمال اقدامی جدی و مسئولانه بعمل آورند. و از جمله به این خواست برحق صیادان که خواهان آنند که در فصل تخم ریزی ماهی‌ها و ایام بیکاری، شرکت شیلات از وجود صیادان در امر بافتن تور و تعمیر آلات و ابزار صید استفاده کند، رسیدگی فوری بنماید.

بی‌اعتنائی و برخورد غیر مسئولانه مقامات جمهوری اسلامی ایران با صید و مسائل صیادان باردیگر در بندر ترکمن حادثه ناگواری آفرید و در شرایطی که تشنج و درگیری بنفع امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و دوستان رنگارنگ آنست شهادت یکی از صیادان زحمتکش منطقه به دست پاسداران بندر ترکمن به جو تشنج و ناآرامی در منطقه دامن زد.

مسئله از آنجا آغاز شد که ارباب‌های حریص و فرصت طلب که قراردادهای رسمی صید شیلات چندان به نفعشان نیست با استفاده از تنگدستی صیادان زحمتکش و بخصوص بیکاری وسیع جوانان، و وسائل ماهی‌گیری در اختیار این دسته از جوانان می‌گذارند و وادارشان می‌سازند درازای درآمد ناچیزی در فصل تخم ریزی ماهی‌ها و ممنوعیت صید بطور قاچاق به صید ماهی بپردازند تا پول هنگفتی بجیب‌اربابان سرازیر گردد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر ترکمن که موضع‌گیری‌های غیر اصولی آن بارها دامنه تشنج در منطقه را گسترش داده است این بار هم به جای برخورد مسئولانه و از ریشه با صید مسئله صیادان، بجای بازداشت اربابان و مقابله با

از جمله جمهوری دمکراتیک یمن و لیبی ضمن محکوم ساختن این تلاش‌ها آمادگی خود را برای مقابله با آن اعلام کردند.

در حال حاضر اوضاع لبنان به شدت متشنج است و علیرغم تلاش نیروهای - انقلابی و ترقیخواه، امپریالیست‌ها همچنان بر آتش جنگ و تجاوزگری می‌دمند. امپریالیسم آمریکا در پی ایجاد زمینه‌هایی برای گسترش نفوذ خود در منطقه است تا تسمه استعمار را بر گرده خلقهای منطقه محکم سازد. در چنین شرایطی وحدت عمل و فشرده‌گی صفوف خلقهای منطقه، دولت‌های ترقیخواه و انقلابی در همبستگی و وحدت با اردوی انقلاب جهانی بیش از هر زمان دیگر یک ضرورت حیاتی است. باید با زنجیر اتحاد برپوزه امپریالیسم دهانه زد باید سیاست‌های جنگ - آفریزانه امپریالیسم را شکست داد و این میسر نیست مگر به واسطه فشرده کردن صفوف انقلاب در مقابل ضدانقلاب.

انقلاب ایران علیرغم آنکه برخی مقامات جمهوری اسلامی در محکوم ساختن این توطئه و حمایت از نیروهای انقلابی اعلام موضع کرده‌اند باید در این راه گام‌های اساسی بردارد. انقلاب ایران باید با اتخاذ موضعی فعال نقش خود را در تحکیم مواضع نیروهای صلح، ترقی اجتماعی و انقلاب در منطقه علیه نیروهای امپریالیسم و جنگ ایفاء نماید. پایان دادن به جنگ تحمیلی رژیم صدام و به کف آوردن صلحی عادلانه که خواست خلقهای ایران و عراق است می‌تواند نیروی فعال در عرصه نبرد انقلاب و ضدانقلاب در منطقه صد چندان کند.

سرنوشت انقلاب ایران در عین حال که مبارزه اجتماعی درون جامعه تعیین می‌شود از سرنوشت انقلاب منطقه جدا نیست و اتخاذ موضع فعال در جبهه نیروهای انقلابی منطقه می‌تواند تأثیرات مثبتی را بر روند انقلاب در داخل نیز بر جای گذارد.

بحران لبنان در روزهای آتی می‌تواند حادثه‌تر نیز بشود. اما امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع راه به جایی جز گور نخواهند برد.

بقیه از صفحه ۱۶

تهاجم امپریالیستی

جنبش ملی لبنان کوشش خود را بر ادامه مبارزه جهت آزادی فلسطین نشان داده است. جنبش ملی لبنان با توجه به اهداف امپریالیسم و فاشیست‌های فالانژیست و دار و دسته تجزیه طلب سرگرد سعد حداد مبارزه اصلی خود را بر حفظ اتحاد لبنان مبارزه با کوشش‌های تجزیه - طلبانه و جلوگیری از ظهور یک قدرت فاشیستی در این کشور قرار داده است. این جنبش با توجه به توازن قوای نیروهای داخلی لبنان تاکنون از طرح شعار کسب قدرت در لبنان که خط فزاینده تجزیه کشور و تحقق اهداف امپریالیستی - صهیونیستی را می‌تواند به دنبال داشته باشد، اجتناب نموده است.

اوجگیری بحران

لزوم اتحاد عمل

نیروهای انقلاب منطقه

به دنبال استقرار موشک‌های سام سوری در لبنان، امپریالیست‌ها و مرتجعین که عامل اصلی بحران در منطقه هستند با قیافه‌ای حق به جانب! بر وسعت تهدید، توطئه و شانتاژ افزودند. آمریکا برای این منظور نماینده‌ای به سوریه گسیل نمود. دولت صهیونیستی وقیحانه به تهدید علیه سوریه، لبنان و خلقهای منطقه دست زد و مرتجعین دیگر نیز با سکوت تأییدآمیز نظاره‌گر صحنه شدند.

از طرف دیگر تهاجمات نوین امپریالیستی در منطقه مقابل قاطعانه خلقها، نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه و جهان رابه دنبال داشته است. کشورهای اردوگاه سوسیالیستی این تلاش‌های امپریالیستی را محکوم ساختند. احزاب کمونیست و کارگری عرب با انتشار بیانیهای تلاش‌های امپریالیستی - صهیونیستی را محکوم ساختند و حمایت خود را از جنبش ملی لبنان جنبش مقاومت فلسطین و سوریه اعلام نمودند. کشورهای عضو جبهه پایداری

حزب کمونیست لبنان، حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان به رهبری جنبلاط، سازمان عربی اقدام سوسیالیستی سازمان اقدام کمونیستی - ناصریست‌ها و برخی نیروهای کوچک دیگر.

اتحاد عمل جنبش ملی لبنان

و مقاومت فلسطین

جنبش مقاومت فلسطین که طی سالیان اخیر از وحدت همه‌جانبه برخوردار نبوده به دنبال موافقتنامه تریپولی مبنی بر وحدت نیروهای جنبش مقاومت صفوف خود را به هم فشرده ساخت و در پی تشکیل کنگره خلق فلسطین در ماه گذشته موفق شد در زمینه وحدت به دستاورد بزرگی نائل شود. از جمله نتایج این حرکت وارد شدن جبهه خلق برای آزادی فلسطین به کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین بود. همچنین کوشش نیروهای مقاومت فلسطین منجر به پیدایش فرماندهی نظامی مشترک نیروهای فلسطینی گردید تا بدین وسیله نیروهای فلسطینی ابتکار عمل بیشتری در عملیات کماندویی بدست آورند.

از طرف دیگر لازم به تذکر است که جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان طی سالهای اخیر در اتحادی تنگاتنگ علیه نیروهای امپریالیستی و مزدورانشان مبارزه کرده‌اند. این اتحاد عمل که بیانگر منافع مشترک و هم‌سرنوشتی دو خلق است و همچنان در جهت قوام و استحکام سیر می‌کند در همگامی با نیروهای سوری مستقر در لبنان عامل بسیار مهمی برای مقابله با توطئه‌های ارتجاعی در این کشور بوده است. در عین حال جنبش مقاومت فلسطین کوشش داشته که بر نقش جنبش ملی لبنان در سرنوشت این کشور تأکید نماید و از ارائه خود به عنوان یک آلترناتیو قدرت در لبنان خودداری نماید. جنبش مقاومت فلسطین علاوه بر تأکید در حمایت خود از

توضیح

به علت تراکم مطالب، مقالات "مروری بر جنبش سندیکایی در ایران" و "چگونه می‌توان وابستگی را قطع کرد" در شماره آینده درج می‌شود.

از بیان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، عید بزرگ کارگران جهان از سوی شاخه‌های سازمان، کارگران آگاه و پیشرو و هواداران فدائیان خلق "اکثریت" هزاران اعلامیه، پوستر و تراکت منتشر شد. به دلیل کمبود جا، از ذکر اسامی و مضامین اعلامیه‌ها و تراکت‌ها خودداری می‌کنیم.

پیشنهاد کارگران چیت سازی برای افزایش تولید

* چیت‌سازان پیشرو و مبارز بهشهر اعلامیه‌ای در رابطه با برکناری مدیران لیبرال کارخانه و انتساب مدیرعامل جدید منتشر کرده و از حسینعلی ملتی مدیر عامل جدید خواسته‌اند تا با اتخاذ سیاست‌های درست و اصولی به وضع اسفبار کارخانه رسیدگی کند.

به مشکلات کشاورزان رسیدگی کنید

* هواداران سازمان در دزفول اعلامیه‌ای با عنوان "به مشکلات کشاورزان در امر برداشت محصول رسیدگی کنید!" خطاب به مسئولین انقلابی و جهادسازندگی دزفول منتشر کرده‌اند. در قسمتی از اعلامیه آمده است:

"... با توجه به شرایط جنگی منطقه، برای برداشت محصولات، روستائیان با مشکلاتی روبرو هستند که برخوردی مسئولانه و انقلابی را طلب می‌کند. وظیفه مسئولین نهادهای انقلابی و به ویژه جهادسازندگی است که هرچه سریع‌تر نسبت به حل این مشکلات اقدام نماید و تجهیزاتی از قبیل کمباین و ماشین‌های درو، در اختیار کشاورزان قرار داده و آنها را در جهت برداشت محصول یاری نماید."

گرامی باد

خاطره همه شهیدان بخون خفته خلق

* هواداران سازمان در تنکابن اعلامیه‌ای به مناسبت شهادت فدائی خلق رفیق سید ضیاء فرحپور منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن شرح زندگی رفیق فرحپور، از خاطره او و همه جانبازان انقلاب تجلیل شده است.

دست محترمین و ضد انقلاب را کوتاه کنیم

* هواداران سازمان در اندیمشک اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند. در بخشی از این اعلامیه چنین می‌خوانیم:

"... هاشم و کریم میرعالی، جعفرخان و پیری بهاروند چند ماه است که گالاهای مورد نیاز مردم را که حیره‌بندی شده است به قیمت‌های گزاف و بی‌رویه به فروش می‌رسانند. بیشتر این افراد فتوادل می‌باشند. ما یادآور می‌شویم که مبارزه با محترکین و فتوادل‌ها اهمیتی اساسی دارد و در حکم مبارزه با دشمن در پشت جبهه است."

دعوت به بحث آزاد

* هواداران سازمان در بابل با انتشار تراکتی نهادهای انقلابی و سازمان مجاهدین خلق را به بحث آزاد دعوت کردند. در قسمتی از این تراکت آمده است:

"... از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم تا در ایجاد چنین محیط‌های دوستانه و آموزنده پای فشرده، موجبات برجسته نمودن راه حل‌های اصولی و انقلابی و تصحیح خطاها و انحرافات را فراهم آورند."

حمایت از دستگیری عوامل رژیم گذشته

* شاخه خوزستان سازمان اعلامیه‌ای منتشر کرده که در قسمتی از آن چنین می‌خوانیم:

"... اخیراً ابراهیم بهبهانی سرمایه‌دار معروف و همسرش افخم‌السادات تقوی (دبیرکل سابق حزب رستاخیزماهشهر) توسط سپاه پاسداران ماهشهر دستگیر و به دادگاه انقلاب اسلامی این شهر تحویل داده شد. هم‌زمان با این امر، ارگان‌ها و نهادهای انقلابی ضمن حمایت از این اقدام انقلابی سپاه پاسداران، خواهان محاکمه علنی و مجازات شدید نامبردگان شده‌اند."

به مردم دروغ نگوئید

* هواداران سازمان در کرمانشاهان اعلامیه‌ای در رابطه با حوادث اخیر این منطقه منتشر کردند و ضمن اشاره به حرکات ضدانقلاب در ایجاد رعب و وحشت و ترور و انفجار در میان مردم زحمتکش و ضرورت بازشناساندن توطئه‌های آمریکا به مردم، چنین نوشته‌اند:

"... متأسفانه بعضی از مقامات مسئول منطقه از جمله آقای استاندار و امام جمعه کرمانشاه نیز در اطلاعیه‌هایی که در رابطه با انفجار بمب در کرمانشاه صادر کردند، کوشیدند این جنایت را به نحوی به گروه‌های سیاسی ضدامپریالیست نسبت دهند. چنین موضع‌گیری‌های غیر مسئولانه و نادرستی از طرف مقامات مسئول منطقه که موظف‌اند دوستان و دشمنان واقعی انقلاب را به مردم بشناسانند، جای تأسف دارد. ما از این مقامات می‌خواهیم تا دلایل شواهد ادعای نادرست خویش را برای مردم کرمانشاه عرضه نمایند و در غیر این صورت حرف خود را بازپس گیرند."

توضیح و تصحیح

در کار شماره ۱۰۶ مطلبی پیرامون توطئه‌های مشترک خوانین مزدور بویراحمد درج گردید که در آن جمله‌ای آورده شده بود مبنی بر اینکه "امیر هوشنگ بهادر (یکی از خوانین ضد-انقلابی) با استاندار کهگیلویه و بویراحمد روابط نزدیکی دارد و از امکانات استانداری جهت رفت و آمد در منطقه و اعمال ضدانقلابی خود استفاده می‌کند"

عبارت فوق صحت نداشته و به این صورت تصحیح می‌شود "دارو دسته خوانین ضدانقلابی از جمله امیر هوشنگ بهادر برای رسمیت دادن به اعمال ضدانقلابی خود، اینطور تبلیغ می‌کنند که از حمایت استاندار برخوردار است."

از بیان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

نامه یکی از مادران جنگ زده

برای استقلال و آزادی ایران

باید بکوشیم

با درود به همه فرزندان راستین خلق!

من مثل تمامی مادران زحمتکش جهان رنج کشیده‌ام و سنگینی و بزرگی زندگی و شکوفایی آن را با تمامی بدی‌ها و ناراحتی‌هایش با پوست و گوشت و خون احساس کرده‌ام. ما یک خانواده کارگری هستیم که در طول مبارزات خونبار میهنمان شرکت کرده و خواهیم کرد. می‌خواستم کمی برایتان درد دل کنم و امیدوارم که نامه‌ام را در نشریه "کار" که متعلق به زحمتکشان است چاپ کنید.

روی سخنان ما مادران زحمتکش و رنجیده‌ای است که تاکنون فدائیان و فرزندان لایقی به جامعه تحویل داده و خواهند داد.

بیش از دو سال از انقلاب پرشکوه ما می‌گذرد. در این مدت بیشترین سنگینی بر روی دوش زحمتکشان میهنمان بوده است یعنی اگر گرانی وجود دارد، بر دوش زحمتکشان است، بیکاری کمبود کالا و... همه و همه بر کرده زحمتکشان سنگینی می‌کند. اگر جنگ است بیشترین صدماتش بر روی زحمتکشان ماست.

با این وجود ما، مادران جنگ‌زده امسال را سال اتحاد همه ایرانیان میهن‌دوست می‌دانیم امسال سال، اتحاد همه ما علیه امپریالیسم است می‌دانم که تنها جامعه‌ای می‌تواند خالی از کمبود گرانی، بیکاری و... باشد که کارگران و زحمتکشان همراه با سایر هم‌میهنان خود علیه آمریکا و نوکران داخلی مبارزه کنند و پوز امپریالیسم را به خاک بمالند.

من با مادران داغ‌دیده‌ای صحبت می‌کنم که در دامن خود پاسداران، سربازان و فدائیان پرورش داده‌اند که تا آخرین قطره خون خود، در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه می‌کنند مادرانی چون مادر شهید رئیسی، شهید آبخور، شهید موسویون و... که فرزندان خود را پروراندند و به انقلاب ایران هدیه کردند.

ما باید مزدوران متجاوز را از خاک میهنمان بیرون کنیم و سپس در سایه صلح و استقلال زندگی جدید را آغاز نمائیم. باید خود را آماده کنیم تا پس از پیروزی سنگرهای را که با دست‌های توانای پیرو جوان خود کنده‌ایم، دوباره پر کنیم. باید کانال بزرگ "کوی اتحاد" آبادان را که به کمک فدائیان خلق کنده شد، دوباره پر کنیم و تپه‌های خاک را که در خیابان‌ها تلنبار شده پاک کنیم و اول ماه مه را در "خیابان کشیقه - بهمنشیر" و خیابان‌های ویران خونین شهر جشن بگیریم. پیروی از آن زحمتکشان است. تاریخ بارها و بارها این را ثابت کرده و خواهد کرد. ما پیروز می‌شویم و جشن پیروزی‌مان را در تمامی مناطق جنگ‌زده برگزار می‌کنیم.

جشنی که نشانه اتحاد ما علیه مزدوران عراق و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست.

به امید پیروزی

زنده باد انقلاب

نیسروهای ترقیخواه کرد افشای می کنند

جمهوری اسلامی لجن پراکنی نموده است ، عضو شورای فرماندهی ارتش به اصطلاح رهاغیخش و نماینده سیاسی نظامی بختیار .

۸ - سرگرد خیاطی افسر سابق رکن ۲ که به اتفاق یک مهندس انگلیسی با نام مستعار جیمی مسئول کنترل یک شبکه وسیع بیسیم و خبرگیری در باند قاسملو هستند که از طرف عوامل ضد انقلابی در سراسر ایران اطلاعات وسیعی دریافت نموده و به شبکه های اطلاعاتی سیا و موساد (اسرائیل) و کمیته های ارتباطی ضدانقلاب در بغداد می دهند . همزمانی پخش اخبار ضدانقلابی و تحریک آمیز از رادیوهای اسرائیل ، بغداد و صدای به اصطلاح کردستان ایران تصادفی نیست . این شبکه زیر پوشش و حمایت باند قاسملو است .

در قسمت دیگری از این جزوه آمده است که :
" . . . اینک باید سؤال کرد چرا کردستان به لانه آرام این گرگ های درنده که در پوستین گوسفند درآمده اند ، تبدیل شده است ؟ چرا کلیه ورشکستگان سیاسی و لمپن های واژده در سرزمین پاکمردان میهن دوست و انقلابی ، ماوا گزیده اند ؟ چرا کردستان که زمانی سمبل مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی و ضد رژیم دیکتاتوری شاه بود اینچنین به میدان تاخت و تاز این مزدوران و اجیر شدگان امپریالیسم امریکا و رژیم صدام بدل شده است ؟ چرا باید اجازه داد این عناصر متعفن به نام حزب دمکرات کردستان ایران که راه مشخص و معین مبارزه اش راه مبارزه با امپریالیسم و دیکتاتوری و استعمار است اینچنین به توطئه و خیانت به انقلاب ایران و خلق قهرمان کردستان ادامه می دهند ؟ اینک که می بینیم میهن انقلابی ما مورد حمله قرار گرفته است آيا هنگام شکست سکوت و قیام علیه این توطئه گران فرا نرسیده است آیا هنگام آن نیست که کردستان شهید پرور ، این سرزمین خون و پیام از لوٹ عوامل امپریالیسم امریکا و صهیونیسم جهانی بطور کامل پاکسازی شود ؟ !"

"مشاوران قاسملو چه کسانی هستند " عنوان جزوه افشاگرانه ای است که توسط رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) که اخیرا از باند قاسملو به اتفاق عده ای دیگر جدا شد ، منتشر شده است . از آنجا که پس از جدا شدن وی و دو نفر دیگر از اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مسئولین پیشمرگان صادق از باند قاسملو تبلیغات وسیعی از جانب این دار و دسته علیه او آغاز گردیده است ، وی با انتشار این جزوه افشاگرانه پرده از همکاری باند قاسملو با افسران ضدانقلابی رژیم صدام برمیدارد . از جمله افسران ضدانقلابی که از آنها به عنوان همکاران نزدیک قاسملو یاد شده است عبارتند از :

- ۱ - سرهنگ اسماعیل علیار (سمکوعلیار) عضو ستاد فرماندهی ارتش به اصطلاح رهاغیخش ایران (آرا) مشاور نظامی دفتر به اصطلاح سیاسی باند قاسملو .
- ۲ - سروان اسماعیل بایزیدی افسر آجودان شاه و مشاور نظامی باند قاسملو .
- ۳ - سرهنگ ایرج قادری (قرنی) فرمانده سابق گردان تیپ ۳ مهاباد از اعضای موثر ارتش رهاغیخش (آرا) و عضو کمیسیون بازرسی باند قاسملو .
- ۴ - سروان حاتم دعاخوان افسر خلبان فراری شاه که در کلاس آموزش سیاسی - نظامی بختیار در کرکوک عراق دوره دیده است وی در حال حاضر از مشاوران نزدیک قاسملو است .
- ۵ - سروان خلبان ایرج سلطانی معروف به امیر خلبان و راننده خصوصی اشرف پهلوی از مشاوران نظامی باند قاسملو .
- ۶ - سروان یوسفی ، سروان شهربانی بخش اطلاعات و امنیت ، رابط قاسملو با حزب خلق مسلمان در آذربایجان و مسئول ارتباط باند قاسملو با بختیار و اویسی در هتل (kent) آنکارا در ترکیه .
- ۷ - سرگرد نادر روحانی افسر ساواک که تا به حال سه مرتبه از رادیو بغداد علیه

ضد انقلاب را افشاء کنیم

(۷)

۱۸ - جلسات خوانین قشقائی برای مقابله با جمهوری اسلامی

اردوی خوانین در "کوهمره سرخی" به پنج قسمت تقسیم شده که هر قسمت زیر نظر خسروخان ناصرخان ، ملک منصورخان قشقائی ، عبدالله خان (فرزند ناصرخان) و داریوش خان (خواهرزاده خسروخان) اداره می شود .

هر کدام از خوانین دارای ۳۰۰ تفنگچی هستند و در چند کیلومتری یکدیگر اطراق کرده اند . اخیرا خوانین این منطقه برای افزایش آمادگی و قدرت نمائی خود علیه جمهوری اسلامی جلساتی تشکیل داده اند .

۱۹ - دست اندازی ضد انقلابیون به

زمینهای مصادره شده

در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری ، خوانین شش بلوکی من جمله حاجی امان دوست محمدلو (معصومی) ، "فتح الله شهبازی" و چند تن دیگر از کدخدایان و گلانتزان ضدانقلابی قشقائی در منطقه سرحد "چهاردانگه" اقدام به پس گرفتن زمین های مصادره شده ، از دهقانان کردند .

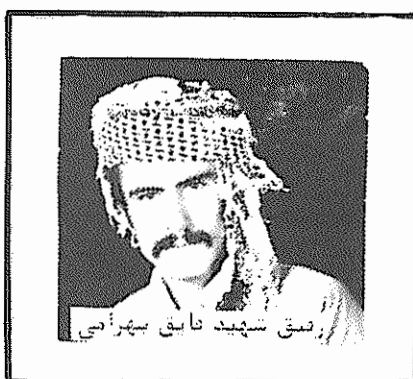
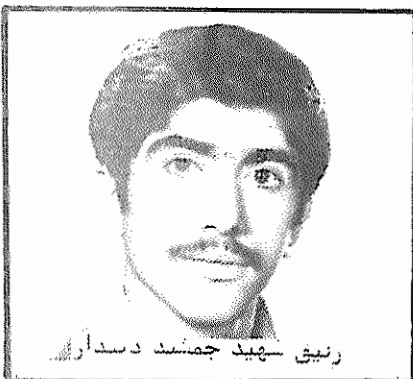
۲۰ - دار و دسته طباطبائی و فتودال های ایده

را مجازات انقلابی کنید

بعد از انقلاب سید نورالدین و فخرالدین - طباطبائی ، دو تن از روحانیون مرتجع خوزستان (ایذه) با سوء استفاده از موقعیت مذهبی خود ، در راس تعدادی از ارگان های انقلابی شهر ایذه و حومه قرار می گیرند . حمایت آشکار این دو تن از فتودال ها و اشغال و مصادره امور توسط آنان ، موجب ناراضی و نفرت روستائیان منطقه می شود و تا مدت ها مسئولین منطقه هیچ توجهی به شکایات و اعتراض برحق آنها نمی کنند . حمایت صریح و گستاخانه طباطبائی ها از "سلطان محمدخان" یکی از فتودال های بنام منطقه و تشکیل ستاد فتودال ها در ایذه تحت نام "ستاد عشایر" به منظور سرکوب روستائیان و مقابله با اقدامات ترقیخواهانه هیئت های هفت نفره ، چهره واقعی طباطبائی ها را آشکارتر ساخته و متعاقب آن سپاه پاسداران با اتخاذ موضعی واقع بینانه و طی کشمکش های بسیار ، موفق به طرد طباطبائی از ارگان های انقلابی می شوند . اما خرابکاری ها و تحریکات آشوب طلبانه طباطبائی ها پایان نگرفته و همچنین در اشکال گوناگون نظیر ایجاد درگیری های طایفه ای ، تحریک اهالی علیه سپاه و . . . به توطئه های خود ادامه می دهند . هم اکنون فخرالدین طباطبائی و برادرش سید نورالدین به کمک فتودال ها و زمینداران بزرگ روستاهای سرله ، الله ، صیدون ، باغملک و . . . و با بسیج مزدوران شان ، ایذه و روستاهای اطراف آن را صحنه تاخت و تاز خود درآورده اند .

در هر رگ برگ ، خون یاران رفته است

در پی درخواست سازمان از خانواده های شهدای فدایی خلق ، که اسامی آنها در یادبود شهدا نیامده بود ، اسامی زیر به دستمان رسیده است :



بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

علیه جنایتکارانی که میتینگ اول ماه مه را به خون کشیدند

از طرف سازمان به دادستان کل کشور و دادستان تهران شکایت شد

دادستان محترم کل کشور جمهوری اسلامی ایران!

از آنجا که به موجب اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و تعدیات، شکایات و ...
۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و ...

و از آنجا که سازمان ما با رعایت موازین قانونی و مستنداً "به اصل بیست و هفتم قانون اساسی که می‌گوید:

"تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است".

و با تبعیت از اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی ایران در خصوص احزاب و گروه‌های سیاسی، در تاریخ ۶۰/۱/۲۹، طی نامه‌ای به شماره ۳/۸۲۹ اعلام گردهمایی به مناسبت روز جهانی کارگر نمود و وزارت کشور نیز

دادستان محترم تهران!

از آنجا که به موجب مواد ۵ و ۶ آئین دادرسی کیفری که صراحت دارد:

ماده ۵ امور جزائی راجع به محاکمه جنحه و جنایت بر دو نوع است:

۱- اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوصی است.

۲- اموری که هرچند حیثیت عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث نظام مملکتی و آسایش عامه به درجه امور اول نیست.

ماده ۶ در امور جزائی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب برعهده مدعی‌العموم است چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده، چه نکرده باشد.

بدینوسیله سازمان ما اعلام می‌دارد: حادثه جنایت‌بار روز جمعه ۱۱ اردیبهشت در میدان آزادی که شرح آن در ذیل خواهد آمد، از نوع جرایم مندرج در بند ۱ ماده ۵ فوق‌الذکر بوده و وظیفه خطیر آن دادستانی را در تعقیب و پیگیری مسببین و عوامل و ایادی آنان بدون نیاز به اعلام جرم متضررین حرم، محرز می‌سازد. بدین وسیله چگونگی امر و اعلام جرم سازمان ما به منظور پیگیری قاطع حادثه و شناسائی مسببین و عوامل و ایادی و باندهای حامی آنان رسماً به دادستانی اعلام می‌گردد.

سازمان ما در تاریخ ۶۰/۱/۲۹ طی نامه‌ای به شماره ۳/۸۲۹ به وزارت کشور اعلام گردهمایی

طی نامه‌های شماره ۱۹۱۵/۴۳ - ۱۳۶۰/۲/۸ - ۳۰۲۹/۴۳ و ۱۳۶۰/۲/۹ - ۳۰۲۹/۴۳ اجرای مراسم را بلا مانع اعلام نموده و رونوشت نامه فوق‌الذکر را به شهربانی جمهوری اسلامی و کمیته مرکزی انقلاب اسلامی و ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران جهت حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از تشنج ارسال داشته است. (فتوکپی نامه‌های وزارت کشور پیوست است)

لیکن در جریان برگزاری مراسم همانگونه که در رسانه‌های گروهی نیز موضوع انعکاس یافت، عوامل ضدانقلاب با استفاده از اهمال برخی نیروهای حافظ نظم گردهمایی در ابتدا با عملیات سازمان داده شده و با چوب و سنگ و چماق و چاقو و سرانجام با پرتاب مواد منفجره به داخل محوطه گردهمایی این تجمع را به خاک و خون کشیدند و تعدادی از افراد بی‌گناه را به قتل رسانده و عده کثیری را مجروح و ناقص‌العضو نمودند. از آنجا که سازمان ما در قبال هواداران و افرادی که دعوت سازمان را جهت شرکت در مراسم پذیرفته‌اند احساس مسئولیتی عمیق دارد و از آنجا که حادثه تهاجم فجیع علیه گردهمایی سازمان ما نه یک حادثه منطقه‌ای و ساده که جریانی از یک توطئه وسیع علیه نیروهای انقلاب و نهایتاً "خودانقلاب و دستاوردهای ناشی از

آن می‌باشد، لذا بدین وسیله وظیفه خطیر و حساس دادستانی کل کشور را در این مقطع از تاریخ حساس انقلاب ایران یادآوری نموده و انتظار دارد با دستور اکید در رسیدگی انقلابی به این حادثه که جزئی از توطئه عظیم دشمنان انقلاب با همدستی و همکاری امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست، و پیگیری قاطعانه آن گامی در جهت افشای چهره عوامل داخلی امپریالیسم و ارتجاع جهانی و باندهای حامی آنان برداشته شود.

هرگونه اهمال و سهل‌انگاری در پیگیری و افشاء و به محازات رساندن این عوامل، موجب در خطر افتادن انقلاب و دستاوردهای ناشی از آن بوده و از دیدگاه مردم قهرمان ما قابل‌گذشت نخواهد بود.

توضیحا "اعلام می‌داریم که اعلام جرمی نیز به عنوان دادستان تهران ارسال شده است و درخواست پیگیری و کشف عوامل و باندهای ضدانقلاب به عمل آمده که فتوکپی آن جهت اطلاع، پیوست این نوشته ارسال می‌گردد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رونوشت: دادستان محترم کل انقلاب اسلامی ایران.

نظم، قصد پلید خویش را که جزئی از توطئه سراسری ضدانقلاب و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست، جامه عمل بپوشانند. این جنایتکاران حرفه‌ای با پرتاب مواد منفجره به داخل محوطه گردهمایی باعث کشتار تعدادی از افراد شرکت‌کننده و مجروح شدن عده کثیری از جمله ماموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند که در بیمارستان‌های امام خمینی، مصدق، شریعتی، فیروزگر، درمانگاه هاشمی، پاستور نو و غیره معالجه و یا بستری شده‌اند.

با توجه به ماده ۲۰ آئین دادرسی کیفری که می‌گوید:

کمیسره‌های پلیس در صورت وقوع جرم موظفند مراتب را به دادستانی اطلاع دهند. نحوه این اطلاع و اینکه دادستانی درجهت حفظ مدارک و دلایل لازم به موجب ماده ۴۰ همان قانون اقدام نماید، با توجه به وظیفه خطیر اجتماعی و انسانی مقام دادستانی انتظار می‌رود که با در نظر گرفتن تمام شرایط و احوال و تحقیق همه‌جانبه از کلیه شهود، ماموران ضابط دادگستری و سایر ماموران حافظ نظم گردهمایی با استفاده از کلیه امکانات درجهت کشف گردانندگان باندهای ضدانقلابی و عوامل و ایادی و تعقیب و بازداشت آنان گامی موثر درجهت انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن بردارند.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"

روز ۱۱ اردیبهشت (روز جهانی کارگر) را در ساعت ۴ بعد از ظهر اعلام نمود و وزارت کشور طی نامه‌های شماره ۱۹۱۵/۴۳ - ۱۳۶۰/۲/۸ و ۳۰۲۹/۴۳ - ۱۳۶۰/۲/۹ (فتوکپی نامه‌ها پیوست می‌باشد). ضمن موافقت، حفظ نظم و امنیت گردهمایی را اعلام و رونوشت نامه را جهت اقدام به شهربانی جمهوری اسلامی و کمیته مرکزی انقلاب اسلامی و ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارسال نمود.

قبل از شروع مراسم و در هنگام حرکت شرکت‌کنندگان به محل برگزاری در میدان آزادی، باندهای ضدانقلاب در صدد ایجاد تشنج و درگیری برآمدند و با ممانعت از ورود مردم به محل گردهمایی و ایجاد آشوب در خود محل زمینه اقدامات عوامل و ایادی خود را فراهم نمودند. برخی از نیروهای حافظ نظم از جمله سپاه پاسداران درجهت پراکنده نمودن آنان اقدام لازم به عمل آوردند. لیکن اهمال و سهل‌انگاری برخی دیگر از نیروهای حافظ نظم، زمینه لازم را درجهت اقدامات خرابکارانه عوامل ضدانقلاب تسهیل نمود. چنانکه نیروهای پلیس شهربانی قبل از پایان مراسم، محل ماموریت خویش را ترک نموده و یا تعدادی از ماموران کمیته‌ها در خصوص همکاری با سایر ماموران در دستگیری این عوامل اهمال نموده و در نتیجه باندهای جنایتکار امکان و فرصت یافتند تا با استفاده از اطمینان سازمان ما به نیروهای حافظ

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

بخاطر دفاع از میهن که همان دفاع از جمهوری اسلامی است اعدام می کنند

در کار ۱۵۹ خبر اعدام ناجوانمردانه رفیق عادل اسکندری را توسط عناصر قشری و انحصار طلب دادگاه انقلاب اسلامی اهواز درج و اعتراض خود را نسبت به این حکم جنایتکارانه و ضد انقلابی اعلام نمودیم. در این شماره کار، با چاپ وصیتنامه رفیق و شرح مختصری از زندگی پرافتخار و قهرمانانه وی، یاد همیشه جاویدش را بیش از پیش ارج می نهیم و مردم مبارز میهنمان را به قضاوت در مورد این حکم دادگاه انقلاب اسلامی و احکامی از این قبیل فرا می خوانیم.

پیرمردی که از بستگان عادل است و با حالت افسرده ای سر را میان دستانش گرفته است، درباره عادل می گوید:

"عادل دو سال بعد از کودتای سیاه ۲۸ مرداد در منطقه نفت سفید به دنیا آمد. پدرش کارگر بود و بعد از تولد عادل، به گچساران منتقل شد. چند سال در آنجا بودند و دوباره به اهواز منتقل شدند. عادل در دوران تحصیل شاگرد بسیار خوبی بود. بعد از گرفتن دیپلم در دانشگاه اهواز قبول شد و خیلی زود سیاسی شد و به مبارزه با رژیم شاه پرداخت. سال ۵۴ دستگیر شد و تا سال ۵۷ در زندان بود. در روزهایی که قرار بود زندانیان سیاسی آزاد شوند، مردم شهر چند روز در کنار زندان کارون اهواز منتظر آنها بودند که سرانجام ساواک شب هنگام آنها را آزاد کرد ولی با این حال مردم شهر بطور بی نظیری از آنها استقبال کردند و به همین مناسبت تظاهراتی از زندان کارون تا خود منازل شرکت نفت به راه انداختند که تا آن زمان سابقه نداشت. تا مدتها نیز منزل عادل و... که از زندان آزاد شده بودند مرکزی برای

افشای جنایات رژیم مزدور شاه شده بود. همان موقع عادل به من گفت که فدائی خلق است.

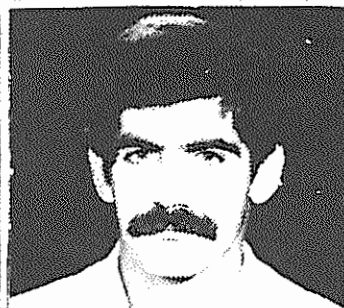
پیرمرد دیگر نمی تواند صحبت کند. اشک از چشمانش سرازیر می شود و با دست به خرابی هائی که در پیش رویمان است و همچنین به صدای پی در پی انفجار توپها و خمپاره ها بر روی منازل مردم اشاره می کند و در میان های های گریه می گوید:

"آخر این چه کاری بود؟ کسانی که این کار را کرده اند این قدر فهم ندارند که دوست و دشمن را از هم تشخیص دهند؟ اصلا چه کسی به آنها این حق را داده است که فرزند انقلابی مردم را بدون هیچ گناهی به این صورت نابود کنند؟"

مرد جوانی که هم محله ای عادل است، می گوید:

"او در مبارزه بخاطر رهایی کارگران و زحمتکشان قرار و آرام نداشت. قسم می خورم که او بیش از هر کس و هر چیز به مبارزه فکر می کرد. در محل بسیار نجیب و با شخصیت بود. همه او را دوست داشتند و برایش احترام قائل بودند. هر کس با او روبرو می شد، از صداقت و پاکی و متانت و علاقه او به مردم تکان می خورد. او برای هر کس به نوعی معلم بود. من خودم خیلی چیزها از او یاد گرفته ام و به او مدیونم. توی این محل نمونه بود. کم حرف می زد، بیشتر عمل می کرد. شاید من نتوانم همه خوبی های او را بشمارم ولی بهر حال او چنین بود و به عقیده من هر کس که به اعدام او رای داده است منافع و مصالح مردم را در نظر ندارد و دوست و دشمن برایش فرقی نمی کند"

خانواده اش می گویند: "کسانی که او را اعدام کرده اند، گاملا مشکوک هستند مگر ممکن است کسی انقلابی باشد و انقلابی دیگری را با



رفیق شهید عادل اسکندری

اتهام ساختگی تیرباران کند ما عادل را خوب می شناسیم و در صداقت او شک نداریم او در زمان شاه آنهمه محرومیت و شکنجه و بدبختی کشید تا مردم آسوده و سرافراز باشند. بعد از پیروزی انقلاب همیشه می گفت امریکا می خواهد انقلاب ما را شکست دهد و ما را به وضعیت زمان شاه برگرداند. ما باید با جان و دل و جنگ و دندان از انقلاب دفاع نمائیم.

عده زیادی از مردم به دور ما حلقه زده اند و هر کس از زاویه های این جنایت هولناک را محکوم می کند و این جنایت را از نوع اعدام ناجوانمردانه پزشک دلسوز مردم رفیق شهید دکتر میمیا معرفی می کنند.

ما بار دیگر ضمن هشدار به مقامات ذیصلاح کشوری در مورد عواقب زیانبار و نفاق افکنانه اینگونه جنایات وحشیانه، مصرا خواهان دستگیری، محاکمه و مجازات قاتلین رفقای شهید خود می باشیم.

وصیتنامه رفیق

وصیت نامه این جانب عادل اسکندری فرزند رجب

من خودم را فرزند این مردم می دانم. مردمی که مرا بعد از سه سال از زندانهای رژیم منفور شاهنشاهی آزاد کردند. این از افتخارات بزرگ زندگی من است. من با شوق و ذوق به مبارزه علیه هر چه پلیدی است، حرکت کردم. حاکمیت جمهوری اسلامی را ضدامپریالیست می دانم ولی این را می دانم که دید غلط نسبت به نیروهای انقلابی دارد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکی از نیروهای ضدامپریالیست و خلقی

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لااله گون است



رفیق شهید اکرم غفاری

ما باید درست به همان اندازه که به زندگی و انسانها عشق می ورزیم، آماده از جان گذشتن و فداکاری در راه آنها باشیم.

این سخن رفیقی است که با شهادت غرور انگیزش، وفاداری خویش را به آنچه باور داشت، ثابت نمود.

رفیقی که فاصله طبقاتی ورنج و محرومیت ناشی از آن را با گوشت و پوست خود تجربه کرده و جای پای زشت آن را بر جبین مردان و زنان زحمتکش و رخسار زرد کودکان هموطنش شناخت. رفیقی که با تمام توانش به ستیز با ستم طبقاتی و مظاهر منحوس آن برخاسته بود.

رفیق شهید اکرم غفاری در پانزدهم خرداد ۱۳۲۷ در محله قدیمی چولیان دزفول در خانواده ای زحمتکش در حالی دیده به جهان گشود که پدرش را در اثر یک سانحه از دست داده بود.

رفیق اکرم در دوران تحصیلات خود باتأثیر پذیری از شخصیت های انقلابی چون صمدبهرنگی فعالیت سیاسی اش را آغاز و در دوران مبارزه علیه رژیم شاه فعالانه در این مبارزات شرکت نمود.

ما ضمن گرامیداشت خاطره پرشکوه رفیق شهید، به خانواده اش صمیمانه ترین درودها را تقدیم می داریم.

صدام جنایتکار شهید شدم مادران و پدران - زیادی فرزندان شان را از دست داده اند. روزی حقانیت و پاکی فرزندان به اثبات خواهد رسید. زندگی زیباست و گرانبهارترین چیزها نزد انسان است ولی من حاضر آن را به خاطر مردم و در شرایط فعلی بخاطر دفاع از میهن از دست بدهم.

فرزند مردم:
عادل اسکندری
۶۰/۲/۱۵

می باشد که من هوادار این سازمان هستم. بخاطر دفاع از میهن که همان دفاع از جمهوری اسلامی است، من می خواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم و حال می خواهند مرا اعدام کنند من به منافع شخصی خودم نگاه نمی کنم و آنچه که باعث می شود این مرگ را بپذیرم، ایمانم به مردم است. پدر و مادر عزیزم ناراحت نباشید از اینکه مرا اعدام می کنند. فکر کنید من در جبهه علیه

دفاع از لایحه قصاص

نشانه بی اطلاعی از شرایط و بی اعتنائی به مصالح انقلاب است

مدافعین این لایحه به جهت عدم آگاهی از شرایط دوران ما در تصویب آن اصرار می‌ورزند درحالی که دردهای جامعه ما که سال‌ها توسط امپریالیسم و متحدان آن به غارت و چپاول رفته است و از اساس به دلیل وابستگی سیاسی و اقتصادی ناتوان و رنجور است، اینگونه درمان‌پذیر نیست. توده‌های مردم به علت شرایط ستم‌بار جامعه طبقاتی و فقر و محرومیت ناشی از آن در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند، لایحه قصاص بدون درک موقعیت اقتصادی و فرهنگی توده‌ها و بهبود شرایط زندگی آنان راه حل‌هایی را ارائه می‌دهد که به جوامع بدوی تعلق دارد و در مسیری به دور از اهداف انقلاب راه می‌سپارد.

این قانون دستاویزی برای تبلیغات دشمنان انقلاب نیز هست و از این زاویه نیز آثار نامطلوبی را به بار می‌آورد. سازمان مادر دفاع از انقلاب در دفاع از قانون اساسی و در دفاع از منافع تمامی احاد مردم و توده‌های میلیونی زحمتکش و محرومان جامعه دفاع از این لایحه را پایمال ساختن دستاوردهای انقلاب و حقوق مردم دانسته و تصویب آن را زیان بزرگی به انقلاب ایران اعلام می‌دارد. و از تمامی مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران، به ویژه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌خواهد که با احساس مسئولیت عظیم نسبت به انقلاب خونبار مردم ایران از تصویب این لایحه که وحدت توده‌های مردم را به خطر می‌اندازد خودداری ورزند.

انسان‌های سالم نیازمند است که با قصاص به جان مردم افتادن و آنان را معیوب و معلول ساختن نمی‌توان جامعه‌ای سالم بنا نمود. اگر در جامعه‌ای روح عدالت حاکم باشد، اگر در تربیت افراد جامعه کوشش شود، اگر در جامعه‌ای بیکاری و فقر و تبعیض نباشد فساد و فحشاء و جنایت جایی نخواهد داشت. اگر به جامعه‌ای سالم نیازمندیم، باید علل و ریشه‌های جرم را نابود سازیم اگر به ستم طبقاتی اصرار ورزیم و فقر را ریشه‌کن نسازیم در زوال جرم کوتاهی روا داشته‌ایم. اگر در تصحیح جامعه و تدارک وسایل رفاهی، فرهنگی، بهداشت، مسکن و آزادی افراد جامعه تعلل ورزیم، خود به سوی جرایم بیشتر هدایتشان نموده‌ایم. وقتی فقر اقتصادی و نبود مسکن مانعی بزرگ در راه ازدواج جوانان است فحشاء را نمی‌توان با قانونی چون لایحه قصاص محو نمود.

دنایای امروز متعلق به دوران اعتلای علوم است و نیز به نسل پرشوری تعلق دارد که میل و نیاز به پیشرفت دارد و این نسل پر تلاش و جوینده هرگز نخواهد پذیرفت که با لایحه قصاص زندگی آزاد و شرافتمندانه خود را بنا نهد.

خلاف تصور خیالپردازانه تنظیم و تدوین‌کنندگان این لایحه، تصویب چنین لایحه‌ای تنها خشونت و حس انتقام جوئی بدوی را که مقایر تمام دستاوردهای بشریت معاصر است، دامن زده و به آن شکل قانونی می‌بخشد. قوانین جزایی جهان امروز به تربیت مجرمین و تنظیم روابط اجتماعی بر مبنای منافع جامعه نقشی اساسی داده است. اساس قوانین جزایی در جهت پیشگیری جرائم است نه تنبیه و مجازات و انتقام از مجرم. مجرمین متأثر از نظام حاکم بر جامعه خویش به ارتکاب جرائم دست می‌یازند و این نظام مسلط است که وظایف خاص خویش را نسبت به آنان ایفاء نموده و در ارتکاب جرم یاریشان می‌دهد. بر این اساس جوامع امروزی که از اساس با جوامع دوران‌های باستان تفاوت دارد، به تدوین ضوابطی توسل می‌جویند که در حفظ و صیانت افراد موثر باشد. نه اینکه متأثر از خشم و غضب و یا کینه و انتقام، مجرمین را مجازات کند.

باید به علل بروز جرائم توجه نمود نه به مجرم که عوامل اجتماعی و جامعه - شناختی متعدد در اساس او را وادار به ارتکاب جرم ساخته است. جوامع بالنده و پیش رونده و انقلابی به

دفاع از این لایحه بی - اعتنائی آشکار به مصالح انقلاب خونبار مردم ایران است. با وجود چنین برخوردی و علیرغم عکس‌المعمل منفی میلیون‌ها مردمی که در جریان مفاد و مضامین این لایحه قرار گرفته‌اند متأسفانه مقامات جمهوری اسلامی ایران با لجابت در صدور دفاع از این لایحه برآمده‌اند و برای تصویب نهایی این لایحه تلاش خود را متمرکز کرده‌اند و آشکارا بدون توجه به مصالح انقلاب به قانون اساسی و مهمتر از همه به واکنش میلیون‌ها تن از مردم ایران مصممند که آن را به تصویب نهایی برسانند. تنظیم و آشکارتر از آن دفاع لجوجانه و اصرار در تصویب چنین لویحی به منزله بی‌اعتنائی به توده‌های انقلابی است که با ایثار خون خویش درخت سترگ انقلاب را آبیاری و بارور نموده‌اند. این تا حدودی قابل درک است که تنظیم‌کنندگان این لایحه در خیال و باور خود چنین می‌اندیشند که با تنظیم چنین قوانینی جامعه را اصلاح خواهند کرد و جرائم را از ریشه خواهند خشکاند، در حالی که اندکی توجه به واقعیات جهان معاصر و جامعه متحول و انقلابی ایران این نکته را به روشنی اثبات می‌کند که بر

لایحه قصاص بار دیگر در محافل مختلف اجتماعی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است هم اینک کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی نیز درباره لایحه قصاص به بحث نشسته و دست در کار تصویب آن است.

ما در کار شماره ۹۹ این لایحه را مورد نقد و بررسی قرار دادیم و با تکیه بر اصول معینی که این لایحه بر پایه آن تنظیم شده بود اعلام کردیم که لایحه قصاص:

- ۱ - نشانگر انجماد فکری بی‌اعتنائی به علم و پیشرفت اندیشه بشری در حل مشکلات اجتماعی، شناخت جرم و اسباب برطرف کردن جرم است.
- ۲ - علیه توده‌های زحمتکش مردم و به سود ثروتمندان است.
- ۳ - بر عدم اعتقاد بر حقوق اجتماعی مساوی بین زنان و مردان استوار است.
- ۴ - بر تبعیض بین دارندگان ادیان مختلف تکیه دارد.
- ۵ - علیه خانواده و کودکان ماست.
- ۶ - نیازهای عینی جامعه و حقوق عمومی مردم را نادیده می‌گیرد.
- ۷ - علیه حقوق حتی شاکی خصوصی یا به اصطلاح ولی دم است.
- ۸ - در ازدیاد انسان‌های ناقص‌العضو بهترین مجوز قانونی است.
- ۹ - ناقض قانون اساسی است.

لایحه قصاص نه تنها از سوی سازمان ما، بلکه از جانب بسیاری از نیروهای مردمی و ضد امپریالیست مورد شدیدترین انتقادات قرار گرفت و اعلام شد که

برای مبارزه با احتکار،

بازرگانی خارجی را ملی کنید!

هم اکنون سرمایه‌داران وابسته، تجار عمده واسطه‌های محترک، در یک کلام فعال‌ترین نیروی اجتماعی ضدانقلاب داخلی با توسعه دامنه فعالیت خود به تمام کالاها، از سیگار و کبریت گرفته تا پودر لباس - شویی و لنت ترمز اتوموبیل و دارو و مواد بهداشتی و غیره با استفاده از حربه احتکار و در نتیجه تشدید گرانی و کمبود کالاها علاوه بر کسب سودهای سرشار و هنگفت به تحقق نقشه‌ها و اهداف شوم و غارتگرانه امپریالیسم آمریکا یاری می‌رسانند و با مودیانه‌ترین شیوه‌ها و "نامربی" ترین شکل‌ها یعنی دسترنج آنان می‌افزایند.

مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی احساس نمی‌کنند آنها در شرایط کنونی حاکم بر میهنمان و با استفاده از مشکلاتی که جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم صدام پیش آورده است، بیش از پیش بر دامنه فعالیت غارتگرانه و ماهیتا ضدانقلابی خود در احتکار اجناس و تحمیل هرچه بیشتر فشارگرانی و کمبود بر زندگی زحمتکشان و غارت دسترنج آنان می‌افزایند.

مشخص و سازمان یافته، بلکه از روی تصادف و بنا بر "قضا" بوده است و بدون شک تا زمانی هم که اقدامی اساسی و سازماندهی شده برای مقابله با محترکین به عمل نیاید، کشف چنین مواردی همچنان از روی تصادف خواهد بود. زیرا محترکین، تجار عمده و واسطه‌های غارتگر همچنان در کار ضدانقلابی خود فعالند و هنوز خطری جدی از سوی

موقعیت (۵ - ۴ هزار تومان و کپسول حشره‌کش از ۳۰ تا ۹۰ تومان در بازار قاچاق به فروش می‌رسند و بدون شک این مقدار از اجناس کشف شده، فقط جزء کوچکی از دهها رقم کالای احتکار شده است که محترکین سودجو در فرصت‌های مناسب و با قیمت‌های سرسام‌آور وارد بازار می‌کنند. تاکنون شناسائی این انبارها نه از روی برنامه

در طول دو سال پس از انقلاب، اخبار مربوط به انبارهای انباشته از کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، همواره جزء خبرهای روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های گروهی بوده است. تازه‌ترین اخبار مربوط به کشف بیش از ۱۰۰ هزار کپسول حشره‌کش ۵ تن مرغ، تعداد زیادی کولر و فریزر، مقادیر زیادی پرتقال و چندین هزار کیلو آهن است. این اجناس در حالی کشف شده‌اند که هر کدام از این کالاها با قیمت‌های سرسام‌آوری از قبیل:

مرغ کیلویی ۴۰۰ - ۳۵۰ ریال، پرتقال کیلویی ۳۵۰ - ۳۰۰ ریال، کولر (بسته به

«شورای مرکزی اهل سنت» دست پخت تازه امپریالیسم آمریکا و کنفرانس طائف علیه انقلاب ایران

«شورای مرکزی اهل سنت» قصد دارد بر طبق رهنمود امپریالیسم آمریکا مناطق
سنی نشین ایران را به آشوب کشاند

امپریالیسم در برابر انقلاب مردم میهن ما بکار گرفته و ثمره و محصول آن نیز شورای مرکزی اهل سنت است، باید با هوشیاری عمل کرد. به اعتقاد ما جمهوری اسلامی باید علاوه بر مبارزه قاطع علیه عوامل ضدانقلاب به ویژه در منطقه بلوچستان، بطور جدی در جهت پایان بخشیدن به ستم ملی و مذهبی موجود در ایران اقدام کند. امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی که خود عامل اصلی ستم ملی و مذهبی حاکم بر خلقهای ایران هستند، تاکنون بر زمینه برخورد غیر مسئولانه و تنگ نظرانه جمهوری اسلامی در مورد تامین حقوق خلقها و اقلیت‌های مذهبی در جهت اهداف پلید خود موفقیت‌های چشمگیری بدست آورده است. باید به سیاست غیر مسئولانه در مورد خلقها و اقلیت‌های مذهبی پایان بخشید. برآورده ساختن حقوق ملی خلقها، به ویژه خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی و تامین برابری مردم صرف نظر از هر گونه تعلق مذهبی، از طریق تجدید نظر در اصل ۱۲ قانون اساسی - که امام خمینی نیز بر آن تاکید کرده‌اند، گام موثری در جهت مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و کارگزاران آن نظیر بنیانگزاران "شورای مرکزی اهل سنت" می‌باشد

پرچم به اصطلاح دفاع از "سنی مذهب" را در برابر پیروان مذهب شیعه علم کرده است. اما علیرغم این عوامفریبی‌ها برای امپریالیسم و عمال آن یک زحمتکش شیعه با یک زحمتکش سنی یا هندو یا... هیچ تفاوتی ندارد. امپریالیسم مردم زحمتکش را صرف نظرات اعتقادات عقیدتی، مذهبی نژادی و ملی به یک سان مورد استثمار وحشیانه قرار می‌دهد. امپریالیسم به زحمتکشان تنها به مثابه ابزاری می‌نگرد که باید کار کنند و زحمت بکشند تا از خون و عرق آنها سودهای هنگفت و زندگی افسانه‌ای برای مستی استثمارگر فراهم آید. امپریالیسم با توسل به چنین سیاست‌هایی خلقهای تحت ستم را فریب می‌دهد تا بر جان و مال آنها حکومت کند و ثروت‌های ملی کشورها را به غارت برد. برای مقابله با این رویه توطئه‌گرانه که اکنون

صورت گرفت نیز از جمله اعمال ضدانقلابی است که در چهارچوبه این نقشه جدید امپریالیستی به اجرا درآمده و هدفی جز دامن زدن به تشنج و تحریک مناطق سنی نشین نداشته است. دامن زدن به اختلافات مذهبی که از سوی امپریالیسم آمریکا پیش کشیده شده و شورای مرکزی اهل سنت با پشتیبانی محافل رنگارنگ ضد انقلاب داخلی، اجرای آن را بر عهده گرفته است. از سالهای بسیاری است که از سوی امپریالیست‌ها در مقابله با انقلابات رهاشیش مردم سراسر جهان بکار گرفته می‌شود. امپریالیسم برای پیشبرد این سیاست یک‌روز می‌کوشد "هندوها" و "مسلمان‌ها" را در هندوستان در برابر یکدیگر قرار دهد، روز دیگر در ایرلند مسئله "پروتستان‌ها" و "کاتولیک‌ها" را پیش می‌کشد و امروز در ایران

نیز مدت چندماه به بهانه بیماری در اروپا بسر می‌برده و اخیراً به ایران بازگشته است. مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز پس از ورود به ایران در صدد ایجاد تشکیلاتی در جهت "رفع ستم ملی و مذهبی" از مردم سنی مذهب برآمدند و بدین لحاظ دعوت نامه‌هایی به امضاء مفتی زاده برای پاره‌ای از روحانیون مرتجع اهل سنت در سراسر ایران ارسال کرده و به یاری آنها شورای مرکزی اهل سنت (شمس) را ایجاد کردند. همزمانی و همراهی اقدامات این روحانیون مرتجع با تصمیمات جدید امپریالیسم آمریکا و کنفرانس طائف تردیدی در ماهیت امریکایی شورای مرکزی اهل سنت باقی نمی‌گذارد. پشتیبانان اصلی این دار و دسته را در داخل کشور، طیف نیروهای ضدانقلابی وابسته به امپریالیسم و سازشکاران سرمایه‌داران و فئودال‌های بزرگ، ساواکی‌ها، خان‌ها ضدانقلابیون افغانی مقیم ایران که به ویژه در بلوچستان یعنی محل اصلی فعالیت گروه فوق فراوانند و نیز لیبرال‌ها تشکیل می‌دهند این دار و دسته اخیراً فعالیت خود را در مناطق سنی نشین و به ویژه در میان زحمتکشان بلوچ به نحو فزاینده‌ای تشدید کرده است. نامه‌های سرگشاده و سر بسته مفتی زاده در شهرها توسط وابستگانش وسیعاً پخش می‌شود. سازمان محمدی وابسته به مولوی عبدالملک نیز بر فعالیتش افزوده و بطور آشکار بر علیه انقلاب مردم ایران تبلیغ می‌کند. ترور مولوی سیدحسین بر، یکی از روحانیون مدافع جمهوری اسلامی، که چندی پیش

پس از آنکه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب مردم ما یکی پس از دیگری با شکست مفتضحانه روبرو شد، طراحان سیاست‌های امپریالیستی یک بار دیگر مسئله به اصطلاح "شیعه و سنی" را پیش کشیدند. بدین امید که از طریق این حيله قدیمی بتوانند گروه‌های مختلف مردم را پراکنده ساخته، در برابرهم قرار دهند و به این وسیله زمینه روی کار آوردن "دولت میانه‌رو" متماثل به خود را فراهم سازند. به دنبال این تصمیم در جلسات سری کنفرانس طائف که اکثر شرکت کنندگان آن را رژیم‌های مرتجع و وابست تشکیل می‌دادند، سیاست فوق یعنی ایجاد تفرقه در میان مردم ایران، بر اساس تمایزات مذهبی مورد بررسی قرقر گرفت و به تصویب رسید. همزمان با تشکیل این کنفرانس کیسینجر صهیونیست

طرح فوق را رسماً اعلام داشت و گفت: "با همکاری پاکستان باید آمریکا و دوستانش پیشقدم شوند و به کمک اهل تسنن در نقاط سنی نشین خراسان، بلوچستان و بندرعباس، ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند"!!

در پی فعل و انفعالات فوق پاره‌ای از علمای خوش سابقه اهل سنت ایران برای اجرای رهنمود جدید امپریالیسم آمریکا به تکاپو افتادند. مهره اصلی در این میان احمد مفتی زاده است که در جریان درگیری‌های کردستان نقشی ضدانقلابی و فاجعه آفرین بر عهده داشته است. وی پس از آنکه پرده از جنایاتش در کردستان برداشته شد، به پاکستان گریخت و تحت فرمان ژنرال امریکایی ضیاء الحق به عملیات توطئه‌گرانه خود علیه انقلاب ایران ادامه داد او اکنون با انبانی از تجربه ضدانقلابی مجدداً به میهن ما بازگشته است. همکار صمیمی مفتی زاده برای اجرای نقشه امریکایی فوق مولوی عبدالعزیز است که در نزد مردم بلوچستان سابقه شناخته شده‌ای دارد. وی

بقیه از صفحه ۲۲

برای مبارزه...

و ناگفته پیداست که بار این گرانی سرسام آور بر دوش توده‌های زحمتکش شهر و روستا می‌افتد. در حالی که توده‌های تحت غارت آنها از هیچگونه گذشت و فداکاری و ایثار برای پیروزی و آزاد ساختن مناطق اشغالی از جنگ دشمن تجاوزگر در جبهه‌ها دریغ نمی‌کنند، در پشت جبهه‌ها نیز بایستی فشار گرانی و کمبود را همچنان بر دوش بکشند. گرانی و کمیابی کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، موجب رشد ناراضیاتی در میان مردم شده است. هر لحظه درنگ در باز گذاشتن دست این سودجویان بازی با سرنوشت انقلاب امتیاز بزرگی است به امپریالیسم تا

ایجاد و گسترش ناراضیاتی در میان مردم، نیت آمریکا را در ایران پیاده می‌نمایند. آنها با انتخاب و وارد کردن سودآورترین کالاها و سپس مخفی و احتکار کردن آنها در انبارهای خود، ابتدا باعث ازدیاد تقاضا و کمبود عرضه شده، سپس قیمت‌ها را به دلخواه بالا می‌برند و تا آن حد و میزان که منافع سرشار آنان را حفظ کند، کالاها را وارد بازار می‌کنند. در نتیجه یک تازی آنها در عرصه واردات و توزیع کالا، قیمت اجناس هر روز بیش از روز پیش و به طرز سرسام آوری بالا می‌رود

بتوانند ضربات اهریمنی خود را بر انقلاب فرود آورد. آیا روشن نیست که بخش بزرگی از این سودهای هنگفت که از دسترنج زحمتکشان به غارت رفته است، در طول این دو سال صرف اقدامات ضدانقلابی شده و برای سازماندهی ضدانقلابیون به مصرف رسیده است. ملی کردن تجارت خارجی مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، مصادره انبارهای ذخیره کالایی توسط دولت، سازماندهی نیروهای مردمی برای کشف انبارهای محترکین و دولتی کردن توزیع عمده داخلی توسط تعاونی‌ها گام بلندی در قطع چپاولگری این سودجویان آزمند و برای بهبود زندگی زحمتکشان خواهد بود.

گسسته بساد همسه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا

بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۶۰

از طریق معاملات تهاتری بودجه دولت را می توان

با مصالح انقلاب هماهنگ کرد

دولت برای مقابله با مشکلات باید برنامه‌های مبتنی بر ملی کردن صنایع بزرگ، تجارت خارجی، اجرای اصلاحات ارضی و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه ارائه دهد.

امپریالیسم امریکا که عملاً تفاوتی با اولی ندارد و به آن منتهی می‌شود) و ما همواره گفته‌ایم که چنین سیاستی به شکست کامل انقلاب منتهی می‌شود.

اکنون که صحبت از بودجه دولت است، باز می‌بینیم که هم‌لیبرالها و هم آقای رئیس‌جمهور و مشاورانش مجدداً به همین "راه‌انداختن چرخهای تولید" اشاره می‌کنند، بدون آنکه برنامه‌های منطبق با مصالح انقلاب ارائه دهند.

ما نیز بر این اعتقادیم که راه مقابله با مشکلات موجود، افزایش تولید است. اما ما همواره بر این نکته تاکید کرده‌ایم که برای این منظور باید برنامه داشت. این برنامه باید در کلیه جهات با اهداف و مصالح انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک مردم قهرمان میهن ما در انطباق باشد. این برنامه باید در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی میهن ما باشد و با افزایش سطح درآمد و زندگی کارگران و زحمتکشان، وسایل رفاه و آسایش آنان را فراهم سازد.

چنین برنامه‌های در زمینه سیاست اقتصادی داخلی مستلزم ملی کردن صنایع بزرگ و وابسته، ملی کردن تجارت خارجی، اجرای اصلاحات ارضی اساسی و در زمینه سیاست خارجی مستلزم گسترش هرچه بیشتر روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ترقیخواه و دوری هرچه بیشتر از کشورهای امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی است. بنابراین بر خلاف لیبرالها و برخلاف مشاوران آقای رئیس‌جمهور و خود ایشان که راه حل مشکلات موجود را در باز گذاشتن دست سرمایه‌داران و نزدیکی با کشورهای امپریالیستی می‌دانند، ما بار دیگر تکرار می‌کنیم که دولت جمهوری اسلامی برای غلبه بر مشکلات بی‌شماری که اکنون با آن دست به گریبان است و با توطئه‌های

هفته گذشته خلاصه لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ در مطبوعات به چاپ رسید. چاپ این خلاصه گفته ما را در مورد نحوه تامین درآمد دولت در سال ۱۳۶۰ تأیید کرد. ما در کار ۱۰۷ نوشتیم با توجه به اینکه در سیستم مالیاتی تغییری اساسی پدید نیامده، بودجه دولت تنها در یک صورت کسری نخواهد داشت و آن افزایش صادرات نفت است. به موجب آنچه در مطبوعات به چاپ رسیده، درآمد نفت ۷۴ درصد از کل درآمد دولت را در سال ۱۳۶۰ تشکیل می‌دهد. ما همانجا هشدار دادیم که:

"افزایش صادرات نفت ... به‌ویژه در شرایطی که جمهوری اسلامی سیاستی روشن در زمینه سیاست اقتصادی خارجی اعلام نکرده است و با تکیه به تز به اصطلاح "دو ابر قدرت" عملاً صف دوستان و دشمنان انقلاب ایران را مخدوش می‌کند، سیاست بغایت نگران کننده‌ای است."

اکنون می‌کشیم جوانب مختلف این سیاست نگران کننده را بشکافیم. پیشنهادات خود را که بارها از طریق "کار" و سایر تریبون‌ها به پیشگاه مردم عرضه کرده‌ایم، بار دیگر به عنوان تنها راه حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی موجود مطرح می‌کنیم.

برنامه‌ریزی منطبق با مصالح انقلاب تنها راه چاره است

مردم آگاه میهن ما بارها دیده‌اند که لیبرالها از یک طرف و رئیس‌جمهور و پارانشان از طرف دیگر هربار که می‌خواهند از مشکلات اقتصادی حرف بزنند، به تعطیل بودن یا متوقف بودن فعالیت تولیدی اشاره می‌کنند و می‌گویند که باید چرخهای تولید به راه افتد و برای این منظور باید "امنیت قضائی" برقرار شود. ما بارها نشان داده‌ایم که چنین حرف‌هایی در مورد "افزایش تولید" و "برقراری امنیت قضائی" عاقبت به معنی بازگذاشتن دست سرمایه‌داران و نزدیکی با کشورهای امپریالیستی است (در مورد لیبرالها نزدیکی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در مورد رئیس‌جمهور نزدیکی با امپریالیسم جهانی منهای

ثابت می‌کنند که این کار میسر نیست. آنها به این ترتیب می‌خواهند اصل موضوع را که فروش نفت به انحصارات امپریالیستی است، مسکوت بگذارند. در واقع آنها روی این موضوع که آیا باید به انحصارات امپریالیستی نفت فروخت یا نفروخت بحث نمی‌کنند. چون از نظر آنها باید به انحصارات امپریالیستی نفت فروخت. مسئله این است که آیا فروش نفت به انحصارات امپریالیستی با مصالح انقلاب ما سازگار است یا نیست و آیا به قول آقای بانکی این بهترین راه است یا آنکه چنین نیست؟

چرا افزایش صادرات نفت بدترین راه است؟

ما گفتیم که برخلاف نظر آقای بانکی، این بدترین راه است. اما چرا؟ افزایش صادرات نفت، به‌ویژه در شرایط حاضر در شرایطی که متأسفانه گستره سیاست ارتجاعی به اصطلاح "دو ابر قدرت" در محافل جمهوری اسلامی و حتی در بین نیروهای خط امام وسعت می‌یابد، در شرایطی که امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم امریکا دوست مردم ایران وانمود می‌شود، در شرایطی که برخی مقامات دولتی می‌خواهند این نظر را رواج دهند که با فروش نفت به مثلاً انگلستان ما ضربه محکمی بر دهان امریکا می‌دهیم که حلقه محاصره امپریالیستی را شکسته‌ایم!!

در چنین شرایطی سیاست فروش نفت خام به میزانی که در بودجه دولت پیش‌بینی شده، سیاست بس نگران کننده‌ای است و خطری مهم برای انقلاب به شمار می‌رود زیرا به علت وجود این گرایش‌ها به احتمال زیاد خریداران نفت ایران را انحصارات امپریالیستی تشکیل خواهند داد نه کشورهای دوست و مدافع انقلاب و استقلال ایران. و ارزی هم که از این محل به دست می‌آید، به احتمال زیاد صرف خرید کالاها و مواد مورد نیاز از این انحصارات خواهد شد. و این نه تنها سیاستی در جهت قطع وابستگی نیست بلکه وابستگی را تشدید می‌کند. در اینجا اشاره به این نکته نیز لازم

اختصاص می‌دهد و در واقع اتکا به درآمد نفت در شرایطی که خریداران را انحصارات امپریالیستی تشکیل می‌دهند، به معنای آن است که اختیار بخش مهمی از تولید ملی در دست انحصارات امپریالیستی قرار دارد و این انحصارات می‌توانند اقتصاد ما را مطابق میل خود هدایت کنند. در چنین شرایطی اگر انحصارات به هر دلیل از خرید نفت خودداری کنند، قسمت قابل ملاحظه‌ای از تولید ملی با اختلال زوربرو می‌شود و این اختلال به سایر بخش‌ها هم سرایت می‌کند و کل اقتصاد ملی را مختل می‌کند.

حال ببینیم چرا افزایش صادرات نفت سیاست نگران کننده‌ای است؟ بد نیست موضوع را با اظهار نظر یکی از مقامات مسئول شروع کنیم. آقای بانکی معاون آقای بهزاد نبوی در مصاحبه‌ای گفته است:

در سال ۶۰ درآمد نفت اکثر درآمد عمومی ما را تامین می‌کند... فروش نفت به میزان احتیاج کشور بهترین راه حل در شرایط موجود محسوب می‌شود.

(اطلاعات ۱۹ اردیبهشت) ما بعداً به مسئله ارز مورد نیاز اشاره خواهیم کرد اما فعلاً نشان می‌دهیم که افزایش صادرات نفت خام نه تنها بهترین راه محسوب نمی‌شود، بلکه بدترین راه است.

بر اساس محاسبات موجوده دولت برای آنکه بتواند ۲۴۰۰ میلیارد ریال درآمد نفت در سال ۶۰ داشته باشد باید روزانه حدود ۲/۵ میلیون بشکه نفت صادر کند. لیبرالها هنگام طرح این مسئله بحث را به اینجا می‌کشاند که آیا تولید و صدور این مقدار نفت میسر است یا خیر و به اصطلاح

پیاپی امپریالیسم و ایادی آن زور به روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد، باید دست از درنگ و تنگ‌نظری بردارد و با تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب ایران در داخل کشور و در عرصه جهانی و با استفاده از امکانات آنان، برنامه‌های منطبق با مصالح انقلاب را به اجرا درآورد. چنین برنامه‌های نه تنها مشکل فقر، بیکاری و گرانی را که میلیون‌ها نفر از هم‌میهنان ما را رنج می‌دهد تا اندازه زیادی حل می‌کند، بلکه اقتصاد وابسته‌ها را که اکنون اساساً به صدور نفت خام متکی است، در جهت استقلال اقتصادی می‌برد. طبعاً با تنظیم چنین برنامه‌های مشکل بودجه دولت نیز حل خواهد شد.

افزایش صادرات نفت خطری برای انقلاب

گفتیم بودجه سال ۶۰ اساساً بر صادرات نفت خام متکی است و گفتیم که این سیاست نگران کننده‌ای است حال ببینیم چرا چنین است؟

در آغاز باید گفت انقلاب ما نیازمند بودجه‌ای است که ضمن گسترش بخش دولتی، درآمد دولت را از منابعی به‌غیر از صادرات نفت خام به انحصارات امپریالیستی تامین کند. این منابع می‌تواند مالیات و همچنین افزایش تولید و صادرات کارخانجات دولتی باشد که در زیر جداگانه به هر یک از آنها اشاره می‌کنیم. در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم که تا زمانی که بودجه دولت به صادرات نفت خام متکی است، خطر وابستگی همچنان اقتصاد ما را تهدید می‌کند زیرا بودجه دولت سهم قابل ملاحظه‌ای از تولید ملی را به خود

از طریق معاملات نهاتری

است که برخلاف این تصور نادرست که بعضی از دلالتان و تجار بین‌المللی به انقلاب ما علاقمندند، باید بگوئیم دلالتان و تجار اروپائی و غیره نیز نمایندگانشان انحصارات امپریالیستی هستند و نمی‌توان به این توهم دل بست که فلان تاجر سوئیسی که به ایران پیشنهاد فروش کالا می‌کند به انقلاب ایران علاقمند است. در حقیقت اهداف ضدامپریالیستی انقلاب ما هیچ انحصارگری و هیچ سرمایه‌دار وابسته‌ای را به انقلاب ما علاقمند نمی‌کند و بنابراین طرح موضوعاتی از این قبیل تنها صف دوستان و دشمنان مردم را مخدوش می‌کند.

اما در مورد ارز مورد نیاز واقعیت آن است که اقتصاد وابسته ما ناگزیر به وارد کردن بسیاری از کالاها و مواد مورد نیاز از خارج است و خرابکاری سرمایه‌داران و تجار محترک بر این نیاز افزوده است. بعلاوه جنگ تحمیلی رژیم صدام نیز نیاز به واردات، به‌ویژه جنگ - افزار را افزایش داده است. تامین این مواد مستلزم به دست آوردن ارز است و این ارز باید از محل صادرات تامین شود و در حال حاضر این صادرات نمی‌تواند چیزی جز صادرات نفت باشد. ظاهراً همه چیز حکایت از آن می‌کند که باید اینطور باشد.

اما در واقع اگر جمهوری اسلامی دست از خام‌اندیشی تنگ‌نظری و ناپیگیری بردارد تمام آنچه اکنون الزام‌آور به نظر می‌رسد، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. جنگ تحمیلی رژیم صدام، توطئه امپریالیسم جهانی علیه انقلاب ماست. این جنگ تا کنون علاوه بر هزینه‌های جنگی، خرابی‌های بیشماری به بار آورده که ترمیم و بازسازی آن هزینه زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند. بدون شک با طولانی شدن جنگ نه تنها هزینه‌های جنگی بلکه هزینه بازسازی و ترمیم خسارات جنگ نیز افزایش می‌یابد. از این رو بر ضرورت بازسازی خسارات جنگ و ایجاد زمینه مساعد برای

صدور نفت را مستقیماً در بازار داخلی مصرف کند. این ارز تنها می‌تواند در بازارهای خارجی مورد استفاده قرار گیرد. دولت در مقابل این ارز، پول به جریان می‌اندازد. به این ترتیب وقتی ذخیره ارزی افزایش می‌یابد، دولت در مقابل ارزی که فعلاً از آن استفاده نمی‌کند (چون به آن احتیاج ندارد) پول منتشر می‌کند. (البته این موضوع در مورد کل ارز حاصل از صادرات نفت هم صادق

گسترش بخش دولتی علاوه بر محدود کردن سرمایه خصوصی، اتکاء درآمد دولت به صدور نفت خام را از میان برمی‌دارد و زمینه را برای بازسازی اقتصاد مستقل فراهم می‌سازد. بازسازی این موسسات را با توجه به مکانات کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای مدافع استقلال ایران می‌توان تنظیم کرد.

است و به ذخایر ارزی محدود نمی‌شود. اگر دولت این مقدار مازاد بر احتیاج را صادر نکند و بجای آن مثلاً از بانک مرکزی وام بگیرد، تفاوتی نمی‌کند. چون در هر صورت از ارز مازاد استفاده نشده و دولت هم در داخل پول منتشر کرده است. این وسط فقط نفت بیخود صادر شده است. اما از نظر گرانی قیمت‌ها، چه دولت نفت مازاد بر احتیاج صادر کند و چه بجای آن برای تامین مخارج خود از بانک مرکزی وام بگیرد، در هر دو حالت قیمت‌ها افزایش می‌یابد. با این تفاوت که صدور نفت مسئله دیگری را هم به دنبال دارد و آن نگهداری این ذخائر است. معمولاً ذخائر ارزی به صورت سپرده بانکی در بانک‌های خارجی نگهداری می‌شود. در جریان اشغال لانه جاسوسی دیدیم امپریالیست‌ها این ذخایر را مسدود کردند و مانع استفاده از آن شدند. از آنجا که جمهوری اسلامی هنوز به سیاست اقتصادی خارجی روشنی دست نیافته، خطر اینکه این ذخایر در بانک‌های امپریالیستی نگهداری شود، همچنان وجود دارد و لیبرال‌ها هم در این زمینه به شدت دست به فعالیت خواهند زد. بنابراین از این نظر هم افزایش صادرات نفت نه تنها بهترین راه نیست، بلکه بدترین راه است.

مالیات

گفتیم انقلاب مردم میهن ما نیازمند بودجه‌ای است که درآمد دولت را از منابعی به غیر از صادرات نفت خام

تامین کند. یکی از این منابع که متأسفانه اکنون نقش مهمی در درآمد دولت ندارد مالیات است. مطابق لایحه بودجه، مالیات تنها ۱۷٪ درآمد دولت را تشکیل می‌دهد که رقم ناچیزی است و با توجه به ترکیب درآمد مالیاتی دولت به هیچ‌روی رضایت‌بخش نیست.

ظرف دو سال گذشته سرمایه‌داران و تجار از طریق احتکار و گرانفروشی سودهای کلانی به جیب زده‌اند و این موضوعی است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی اعم از مقامات دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بارها به آن اشاره کرده‌اند. این امر ایجاب می‌کند که مالیات هرچه بیشتری از سرمایه‌داران و تجار گرفته شود. اما اگر مالیات غیرمستقیم (که بیش از نصف درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد)، مالیات بر حقوق و مالیات بر سود شرکت‌های دولتی را از کل درآمد مالیاتی دولت کسر کنیم، می‌بینیم بقیه درآمد مالیاتی که شامل مالیات بر سود سرمایه‌داران و مالیات بر ثروت است رقم چشم‌گیری را تشکیل نمی‌دهد و این به هیچ‌روی با اهداف انقلاب ما سازگار نیست.

همانطور که بارها گفته‌ایم دولت جمهوری اسلامی باید در سیستم مالیاتی تغییراتی اساسی بدهد. این تغییرات از یک طرف باید در جهت افزایش مالیات بر سود سرمایه‌داران و ثروت ثروتمندان باشد. به عنوان مثال مالیات بر مستغلات رقم بسیار کوچکی از درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد در حالیکه درآمد مستغلات (درآمد حاصل از اجاره و غیره) در کل درآمد ملی کشور، رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر این تغییرات باید در جهت کاهش مالیات‌های غیر مستقیم باشد. چون مالیات غیر مستقیم عملاً موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود و این به زیان کارگران و زحمتکشان است، دولت جمهوری اسلامی باید این واقیعت را در نظر داشته

باشد که این تغییرات جزئی از وظایف انقلاب است زیرا در جهت تعدیل تفاوت‌های طبقاتی گام برمی‌دارد و چنانچه تحقق نیابد، زمینه مناسبی را برای تبلیغات ضد انقلابی لیبرال‌ها فراهم می‌کند.

درآمد کارخانجات و موسسات تولیدی دولتی

انقلاب ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ما گسترش هرچه بیشتر بخش دولتی را ایجاب می‌کند. گسترش بخش دولتی علاوه بر محدود کردن سرمایه خصوصی و در نتیجه تحکیم انقلاب، اتکای درآمد دولت به صدور نفت خام را از میان برمی‌دارد و زمینه را برای بازسازی اقتصاد مستقل فراهم می‌سازد. بنابراین درآمد کارخانجات و دیگر موسسات تولیدی دولتی باید نقش قابل ملاحظه‌ای در درآمد دولت داشته باشد. متأسفانه در حال حاضر اکثر این موسسات نه تنها درآمدی ندارند، بلکه زیان نیز می‌دهند. و این فرصت مناسبی برای لیبرال‌ها و دوستان امپریالیسم پیش آورده تا با تبلیغات ضد انقلابی خود چنین وانمود کنند که گویا دولت توانایی اداره این موسسات را ندارد و باید اداره آنها را در اختیار بخش خصوصی بگذارد.

اکنون که بخشی از صنایع وابسته نیز ملی شده، ضرورت فعال کردن موسسات تولیدی دولتی هرچه بیشتر به صورت امری فوری درآمده است. دولت جمهوری اسلامی باید با درک این ضرورت درصدد تنظیم برنامه‌ای برای بازسازی و گسترش این موسسات باشد. البته فعال کردن این موسسات نباید به هر بهائی صورت گیرد. به عنوان مثال، اقداماتی که اخیراً در مورد کارخانجات ایران ناسیونال و مزدا صورت گرفته، هرچند به فعال شدن این کارخانجات می‌انجامد، اما اولاً برنامه تولید آن مطابق با منافع زحمتکشان نیست و ثانیاً خطر تشدید وابستگی را در بر دارد. بنابراین دولت جمهوری اسلامی باید برنامه بازسازی این موسسات را با توجه به امکانات کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای مدافع استقلال ایران تنظیم کند.

آنچه تاکنون گفتیم در زمینه درآمد دولت و به‌ویژه درآمد نفت بود. بررسی مفصل درآمد مالیاتی و هزینه‌های دولت را به شماره‌های بعد موکول می‌کنیم.



اجرای قانون اساسی ...

نقشه از صفحه ۲

شیوه مبارزه با انحصارطلبی باز نمی‌گردد؟

۳- مجاهدین خلق و مسئله وحدت

اساسی‌ترین وجه مشترک همه نیروها، همه طبقات و اقشاری که می‌توانند در مبارزه علیه امپریالیسم با هم وحدت کنند، ماهیت ضدامپریالیستی آنهاست. ملاک و معیار هر نیروی انقلابی برای مشخص ساختن دوستان و دشمنان خود چه در ایران و چه در جهان قبل از هر چیز همین است. همه نیروها و اقشار و طبقات جامعه ما پیش از هر چیز توسط یک خط مشخص و متمایز و پر رنگ از هم جدا می‌شوند. نیروهایی که ماهیتا دشمن امپریالیسم‌اند و خواستار مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و همه مظاهر آن هستند، در یک سوی این خط قرار می‌گیرند و نیروهایی که خواهان سلطه امپریالیسم هستند که منافعتشان سازش و دوستی با امپریالیسم را ایجاب می‌کند و ماهیتا دشمن انقلاب هستند، در سوی دیگر این خط مشخص و پررنگ قرار می‌گیرند. این خط به سراسر جهان امتداد می‌یابد و تمام اقشار و طبقات و نیروها و دولت‌های جهان بسته به آنکه کدام سوی این خط قرار می‌گیرند، در اساس چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم دوست یا دشمن ما هستند.

ما تنها با درک عمیق همین واقعیت است که می‌توانیم درجهت وحدت واقعی خلقمان گام برداریم و اختلافات و تمایزاتی که هرچند پراهمیت باشند، بازهم تحت‌الشعاع آن خط پررنگ و متمایزی که همه نیروهای ایران و جهان را به دو بخش تقسیم می‌کند، قرار دهیم و این اختلافات و تمایزات را مبنای تعیین دوست و دشمن قرار ندهیم.

ما با درک همین واقعیت است که مجاهدین خلق را متحد خویش علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن می‌دانیم و با همین درک است که نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را نیز با همه تزلزلات و ضعف‌هایشان در مبارزه علیه امپریالیسم، متحد خویش می‌شناسیم و درست با درک همین واقعیت است که درگیری‌های قهرآمیز نیروهای ضدامپریالیست را به‌ویژه در شرایط امروز که مجموعه نیروی قهر خلق باید علیه امپریالیسم به کار گرفته شود، مردود و مخرب به حال انقلاب می‌شناسیم.

برخورد سازمان مجاهدین خلق با نیروهای سیاسی ماهیتا متفاوت جامعه ما، نشان می‌دهد که مجاهدین ملاک و معیار فوق را مبنای روابط خود با نیروهای سیاسی قرار نمی‌دهند.

مواضع تأییدآمیز، دوستانه و صمیمانه مجاهدین درقبال لیبرالها و برخی نیروهای دیگر از یک سو و مواضع نادرست و حتی گاهی خصمانه مجاهدین نسبت به سازمان ما و برخی نیروهای ضدامپریالیست دیگر از سوی دیگر، همگی مویذآن است که معیار و ملاک مجاهدین در تعیین روابط با دیگران همان معیاروملاکی نیست که باید باشد و درست همین درک نادرست است که سبب می‌شود مجاهدین با خط و مرزی خودساخته و عجیب و غریب، نیروهای جامعه ما را به دو "جبهه متحد ارتجاع" و لابد "جبهه متحد انقلاب" تقسیم کنند که داستان آن را می‌دانیم و می‌دانیم که تا چه حد غیرعلمی، بدور از واقعیات و مضر به حال انقلاب است.

بدیهی است که تعیین دوست و دشمن و شناخت متحد و مخاصم، در اساس، تابع همان قانونمندی است که در بالا برشردیم. نفي این قانونمندی با هر نیتی که صورت گیرد، نمی‌تواند در خدمت مخالفان آزادی‌ها و تقویت انحصارطلبی‌ها درنیاید. در این مختصر جای بررسی مواضع و عملکردهای یکساله گذشته سازمان مجاهدین نیست اما توجه به همین اشارات نیز نشان می‌دهد که این سازمان برای آنکه بتواند نیروی خود را در خدمت هدف‌های انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران، از جمله تحقق آزادی‌های سیاسی و تضعیف و طرد انحصارطلبی‌های مخرب به حال انقلاب قرار دهد، باید بر کژی‌ها و ضعف‌های خود فائق آید.

تحولات یکی دوماهه اخیر که با صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب آغاز شد و به دنبال آن مقامات جمهوری اسلامی اینجا و آنجا پذیرش فعالیت‌های سیاسی را بر مبنای قانون اساسی اعلام داشتند، بدون تردید نمی‌توانست و نمی‌تواند بر مواضع و سیاست‌های سازمان مجاهدین خلق و سایر

نقشه در صفحه ۲۷

با کندی مواجه ساخت.

در فضای درگیری و تشنج و خشونت و در جو کشت و کشتار، سیاست طرفداران درگیری و خشونت پیش می‌رود و هرچه تشنج و خشونت و هرج و مرج اوج بیشتری گیرد، طرفداران هرج و مرج بیشتر فرصت می‌یابند سیاست‌های خود را به پیش بردند. در شرایطی که مجاهدین همه نیروهای خط امام را یک کاسه کرده و شعارهایی می‌دهند که عملاً مفهوم سرنگونی همه آنها را دارد، محافل و عناصر انحصار طلب خط امام که خواهان سرکوب نیروهای سیاسی و گرایش‌های طرفدار حکومت قانون هستند، فرصت می‌یابند با بهره‌برداری از همین سیاست مجاهدین و به این بهانه که مسئله مجاهدین سرنگونی همه نیروهای خط امام است نه استقرار حکومت قانون، سیاست انحصارطلبانه سرکوب آزادی‌های سیاسی و به رسمیت نشناختن سایر نیروهای ضدامپریالیست را ادامه دهند و از رشد سیاسی که مخالف انحصار طلبی‌ها و خواهان حکومت قانون در خود نیروهای خط امام است، ممانعت به عمل آورند. سیاست مقابل به مثل و یک‌کاسه‌کردن همه نیروها و همه گرایش‌های خط امام نه تنها در جهت تضعیف انحصار طلبی سیاسی نیست بلکه به آن فرصت رشد و نمو می‌دهد.

مجاهدین همواره دلیل عدم حضور فعال و گسترده خود در جبهه‌های جنگ علیه رژیم صدام را ممانعت انحصارطلبان ذکر می‌کنند. ما این دلیل را قبول نداریم. مسلم است که دیدگاه کور و انحصار طلبانه‌ای که حتی می‌خواهد جنگ علیه تجاوز رژیم صدام را هم در انحصار خود درآورد، در جبهه‌های جنگ علیه رژیم صدام نیز به تلاش‌های مخرب خود ادامه می‌دهد و به‌ویژه همین گرایش بود که در آغاز جنگ به دستگیری، زندان و حتی ترور انقلابیونی پرداخت که جان برکف در جبهه‌های مقاومت و دفاع از استقلال و آزادی میهن حاضر شده بودند. لیکن ما بهترین راه مبارزه با گرایش انحصارطلبی را در جبهه‌های مقاومت آن می‌دیدیم و می‌بینیم که نیروهای انقلابی با پیگیری و قاطعیت از هر طریقی شده بیشترین نیروی خود را در مقابل با رژیم تجاوزگر صدام که عامل احرای نقشه‌های شوم امپریالیسم در میهن ما است، به‌کار گیرند. پاسخ به انحصارطلبی، ترک جبهه‌های مقاومت و یا حضور ناکافی و غیرفعال نیست بلکه دقیقاً حضور همه‌جانبه و فعال ما در جبهه‌ها و پشت جبهه‌های جنگ است. چنین حضور را علیه سایر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست هم در میان نیروهای خط امام و هم مهم‌تر از آن در میان پایگاه توده‌های این نیرو تضعیف می‌کند و اگر هم محافل و عناصری همچنان بخواهند به تبلیغات و اقدامات کور و خصمانه علیه نیروهای انقلابی ادامه دهند، این گرایش‌ها، مورد حمایت مردم قرار نخواهد گرفت. بنابراین حضور فعال ما در جبهه‌های جنگ ضمن آنکه بخشی از مبارزه کلی ما علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن است، عرصه‌ای از مبارزه علیه انحصارطلبی و تنگ‌نظری‌های جمهوری اسلامی نیز هست. اما می‌بینیم که مجاهدین که خود را نیروئی پیگیر و سرسخت در مبارزه علیه انحصارطلبی می‌دانند، این واقعیت بدیهی و مسلم را درک نمی‌کنند و این عرصه مبارزه علیه انحصارطلبی را زیر فشار انحصارطلبان رها می‌کنند و عمده نیروی خود را به مقابل به مثل با گرایش‌های انحصارطلبانه در شهر و جاهائی دور از جبهه به کار می‌گیرند که عملاً همان‌گونه که گفتیم، نه تنها نمی‌تواند در خدمت تضعیف انحصارطلبی باشد، بلکه روند تضعیف آن را کند می‌سازد.

ما از دوستان مجاهد می‌پرسیم که چگونه انحصارطلبانی که نمی‌توانند مانع حضور فعال شما در قائم شهر، آمل، لاهیجان، تهران و سایر شهرها و مناطق دیگر میهن گردند، از حضور فعال شما در جبهه‌های جنگ علیه رژیم صدام جلوگیری کرده‌اند؟! آیا براستی عدم حضور فعال شما در جبهه‌ها و در برخی عرصه‌های دیگر و حضور فعالتان در عرصه‌های دیگر به درک شما از مبارزه ضدامپریالیستی و همچنین

آزادی‌های سیاسی، اتخاذ سیاست خارجی ترقیخواهانه، انجام اصلاحات به سود توده‌ها و در جهت خلع ید از سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ، در نیروهای جمهوری اسلامی است و تضعیف گرایش‌های انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه‌ای که آزادی‌های سیاسی و موجودیت دیگر نیروهای ضد امپریالیست را نمی‌پذیرد.

۳- مبارزه در راه اتحاد عمل و وحدت همه نیروهای ضدامپریالیست از طریق اتخاذ سیاست‌های اصولی در قبال نیروهای متحد انقلاب و نیروهای سازشکار و ضدانقلاب و حمایت از هر اقدام ترقیخواهانه و مثبت نیروهای ضدامپریالیست. آیا سیاست‌های سازمان مجاهدین و مبارزه این نیرو علیه انحصارطلبی در چهارچوب موارد مشخص بالا که روشن است رعایت آن تاجه حد برای مصالح انقلاب ضرورت حیاتی دارد، می‌گنجد؟

پاسخ این سؤال را ما با اشاره مختصر به بعضی از انتقاداتی که به سیاست‌های یکساله گذشته سازمان مجاهدین خلق ایران داریم روشن می‌کنیم:

۱- مجاهدین و لیبرالها

بزرگترین خطای سیاسی مجاهدین خلق، قرار گرفتن در کنار لیبرالها و مخدوش ساختن مرز خویش با این جریانات، تحت شعار مبارزه با انحصارطلبی بوده است. لیبرالها که پس از تسخیر سفارت آمریکا، سقوط دولت بازگان، برملاشدن ماجرای رسوای جاسوسی امیر انتظام و غیره به مقدار وسیعی به انزوا گرائیده بودند، قطعاً بیش از هر چیز به علت فراهم شدن زمینه‌های عینی و نارضائی و عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی به نیازهای مردم توده‌ها، مجدداً فرصت رشد یافتند اما سیاست سازمان مجاهدین به ویژه در یک سال گذشته که نه تنها در جهت افشای این جریانات و حتی ترسیم خط و مرز مشخص با این جریانات نبوده بلکه در موارد مشخص در کنار این نیروها قرار گرفته و صریحاً از آنان حمایت کرده، بدون تردید در تقویت این جریانات، سخت‌عوض بوده است. با توجه به آنکه غلبه لیبرالها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری بر حکومت جمهوری اسلامی تا چه حد انقلاب و دستاوردهای آن را در خطر شکست و نابودی قرار می‌دهد، می‌توان نادرستی این سیاست مجاهدین و خطر جدی آن را بازشناخت. تاریخ قطعاً قضاوتی سخت در قبال این سیاست مجاهدین خواهد داشت و اگر در شرایطی لیبرالها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری بر حکومت جمهوری غلبه کنند، تاریخ هرگز نقش سازمان مجاهدین خلق ایران را در این امر نخواهد بخشید. سازمان مجاهدین سیاست دوستی با لیبرالها را همواره تحت شعار مبارزه علیه "انحصار طلبی نیروهای حاکم" و مبارزه برای کسب آزادی‌های سیاسی به پیش برده است. شاید امروز بیش از هر زمان دیگر برای بسیاری از روشنفکران و نیروهای آگاه روشن شده باشد که مبارزه‌ای که به تقویت لیبرالها منجر گردد، هرگز نمی‌تواند در خدمت آزادی‌های سیاسی مردم، در خدمت مبارزه با انحصارطلبی و در خدمت انقلاب باشد.

۲- مجاهدین و انحصارطلبی

نشریات، اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها و تجمع‌های مجاهدین همگی مملو از شعار علیه انحصارطلبان بوده است. اما آیا براستی شیوه مبارزه مجاهدین خلق علیه انحصارطلبی، شیوه‌ای درست و متضمن مقصود بوده است؟

مجاهدین همه نیروهای خط امام و همه گرایشات متناقض این نیرو را یکجا زیر ضرب گرفتند و با چنین برخوردی عملاً به شعار "سرنگون باد حکومت مرتجعین غاصب" رسیدند.

این سیاست که عملاً درگیری میان نیروهای جمهوری اسلامی، میان پاسداران و کمیته‌ها را با هواداران مجاهدین در سراسر کشور گسترش داد، روند تضعیف گرایش‌های انحصارطلبانه و تقویت گرایش‌های طرفدار حکومت قانون را در جمهوری اسلامی

اجرای قانون اساسی ...

نیروهای سیاسی تاثیر نگذارد. ما همواره گفته‌ایم و می‌گوئیم که انحصارطلبی‌های سیاسی و نادیده گرفتن آزادی‌های سیاسی از سوئی موجب تقویت لیبرالها و از سوئی موجب تشدید تضادهای درون خلق می‌شود. مجاهدین خلق در یکساله گذشته بیشترین نیرو را حول شعار آزادی‌های سیاسی و مبارزه علیه انحصارطلبی بسیج کرده‌اند و سیاست نزدیکی به لیبرالها را در همین رابطه توجیه کرده‌اند. با تحولات جاری طبعا پیشبرد چنین سیاستی با بن بست روبرو می‌شود و بر همین اساس گرایش‌های مثبت در مجاهدین خلق، گرایش مرزبندی با لیبرالها و اتخاذ سیاست‌های درست و منطبق با مصالح انقلاب قاعدتا می‌بایست تقویت گردد.

در واقع اگر لیبرالها، سه‌جهانی‌ها و سایر دوستان امپریالیسم با اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب و تاکید بر حکومت قانون از جانب جمهوری اسلامی خلع سلاح می‌شوند و از همین روز از تحولات جاری سخت برآشفته و مثل ماهی از آب گرفته در پیچ و تاب پیدا کردن مفری برای ادامه سیاست‌های خود به تقلا افتاده‌اند. اگر لیبرالها از تحولات جاری سخت زیان دیده و به میزان وسیعی راه رشد نفوذ خود را مسدود می‌یابند، مجاهدین خلق ایران به‌مثابه نیروئی که ماهیتا مردمی و ضد امپریالیست است می‌بایست از تحولات جاری که قطعا به سود نیروهای ضد امپریالیست و همه هواداران انقلاب است، خوشحال باشند. چرا که اگر نیروهای مخالف انقلاب در شرایط نادیده گرفته شدن آزادی‌های سیاسی و تشدید تضادهای درون خلق فرصت تحکیم می‌یابند، نیروهای خلق درست در شرایط عکس آن است که بیش از هر زمان فرصت رشد و حرکت به سوی وحدت پیدا می‌کنند. روند گسترش و تثبیت آزادی‌های سیاسی بدون تردید نیروهای مخالف انقلاب را هرچه بیشتر منزوی خواهد ساخت و نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی را هرچه بیشتر در جهت همکاری و اتحاد عمل خواهد کشاند.

سازمان مجاهدین خلق ایران درقبال اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب و روند گسترش آزادی‌های سیاسی تاکنون به‌گندی از خود واکنش نشان داده است که البته این امر برای نیروئی که با سیاستی دیگر و در جهتی دیگر بسیج شده است تا اندازه‌ای قابل درک

بقیه از صفحه ۲۶

است اما به هر حال نخستین نشانه‌های واکنش مثبت در قبال تحولات جاری، در نشریات مجاهدین، در دعوت آنها از هوادارانشان به آرامش و در نامه آنها به آیت‌الله خمینی منعکس است.

مجاهدین خلق در نامه به آیت‌الله خمینی رسماً آمادگی خود را برای فعالیت‌های سیاسی بر مبنای قانون اساسی اظهار داشته‌اند:

"... ما بارها تکرار کرده‌ایم (منجمله در نامه مورخ ۲ اردیبهشت ماه جاری به آقای وزیر کشور که در سراسر ایران منتشر شده است) که اگر چه بنا به دلایل خاص خودمان به قانون اساسی رای نداده‌ایم، اما نه شرط اینکه همین قانون نیز عفا اجراء شود، بدان ملتزم هستیم..."

مجاهدین در این نامه اعلام داشته‌اند که ادامه تشنج‌ها و منازعات به سود امپریالیست‌ها است و ضمن تاکید بر ضرورت فعالیت‌های سیاسی صلح‌آمیز و قانونی خواستار ملاقات با آیت‌الله خمینی شده‌اند:

"بدین وسیله تقاضا می‌کنیم تا برای بیان مواضع و تشریح اوضاع و عرض شکایات و اثبات مطالب فوق-الذکر بدون هیچگونه تظاهر و در نهایت آرامش به حضورتان برسیم..."

واکنش‌های مثبت مجاهدین قطعا مورد حمایت و مورد استقبال نیروهای آگاه انقلابی و ضد امپریالیست است. این تحولات همانقدر که موجب نومیدی و تضعیف دشمنان انقلاب است، موجب تقویت نیروهای انقلاب است.

همه نیروهای انقلابی، همه شخصیت‌ها و مقامات آگاه و مبارز باید وضع حساس امروز میهن ما را دریابند و در جهت تثبیت حاکمیت قانون و گسترش شرایطی که نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست به هم نزدیک‌تر شوند و زمینه تشنجات و هرج و مرج‌های دشمن خوشحال‌کن هرچه بیشتر از میان برود، تلاش کنند.

ما تلاش‌های مقامات مسئول جمهوری را برای تثبیت آزادی‌های سیاسی و حاکمیت قانون قاطعانه مورد حمایت قرار می‌دهیم و برخورد‌های غیرمسئولانه مقاماتی که همچنان در آتش تنگ‌نظری و انحصار-طلبی می‌سوزند و با برخورد‌های غیرمسئولانه، ایراد سخنان تحریک‌آمیز و ارتکاب اقدامات مخرب می‌خواهند مانعی بر سر راه تحولات جاری که برای

انقلاب ضرورت حیاتی دارد، گردند مردود و محکوم می‌دانیم و در برابر آن ایستادگی خواهیم کرد.

برخورد هشیارانه امنام خمینی به نامه سازمان مجاهدین خلق و تاکید ایشان به آزادی فعالیت‌های سیاسی نیروهای مذهبی و غیرمذهبی بر مبنای قانون اساسی نشان می‌دهد که نسیم حاکمیت قانون و تحقق آزادی‌های سیاسی قوی‌تر از همیشه می‌وزد و هرگاه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی با هشیاری و آگاهی در جهت تقویت این نسیم خوش‌برآیند، گرایش مخرب و وحدت شکن انحصارطلبی بیش از پیش رو به تضعیف خواهد رفت.

امام خمینی در سخنان ۲۱ اردیبهشت خویش اعلام داشت که هر نیروی سیاسی چه مذهبی و چه غیر مذهبی هرگاه بخواهد بر مبنای قانون اساسی فعالیت کند، آزاد است و تاکید کرد که: "اینطور نیست که با احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری دشمنی داشته باشیم." آنها که "بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند هم آزادند و هم نشریه دارند بطور آزاد."

امروز تلاش در جهت استقرار قانون و تثبیت آزادی‌های سیاسی وظیفه انقلابی همه نیروهای آگاه و ضد امپریالیست است. هنوز گرایش انحصارطلبانه در جمهوری اسلامی همان‌گونه که در برخورد برخی مقامات جمهوری به مسئله تهاجم و بمب‌اندازی علیه میتینگ دیده‌ایم، قوی است. مصالح انقلاب می‌طلبد که همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست برای تضمین و تثبیت آزادی‌ها و حمایت از گرایش به حاکمیت قانون دست به دست هم داده و همه توان خود را به کار گیرند.

سازمان مجاهدین خلق ایران باید اوضاع و احوال کنونی و اهمیت تحولات جاری را دریابد. استقبال از گرایش‌های مثبت اخیر در جمهوری اسلامی و استقبال از سخنان اخیر آیت‌الله خمینی در شرایط امروز مناسب‌ترین اقدام در راه تضعیف انحصارطلبی و تثبیت آزادی‌های سیاسی است. امروز این وظیفه انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران است.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی نیز باید هشیارانه علیه تلاش‌های غیرمسئولانه برخی مقامات و محافل مخالف آزادی‌ها که با اقدامات و تبلیغات تحریک‌آمیز بر سر راه تفاهم نیروهای ضد امپریالیست و استقرار حکومت قانون مانع ایجاد می‌کنند، مبارزه کنند. فراموش نکنیم شرط ضروری آنکه همه نیروها علیه امپریالیسم و دوستان داخلی آن متحد شوند، استقرار آزادی‌های سیاسی و حاکمیت قانون است و فراموش نکنیم که فقط اگر همه مردم با هم متحد باشند، امپریالیسم امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

ادامه بحث آزاد تلویزیونی

جبهه نیروهای انقلابی را تقویت می‌کند

به دعوت شورای سرپرستی سیمای جمهوری اسلامی ایران سازمان ما که همواره خواستار تبادل آزادانه عقائد و تجارب نیروهای سیاسی، صرف نظر از عقیده و مسلک آنها بوده و هست در یک سلسله مباحثات آزاد تلویزیونی شرکت نمود. اقدام شورای سرپرستی از نظر ما تلاش در جهت اجرای آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی است که باید در خدمت تمیز صف دوستان و دشمنان انقلاب، مورد استقبال نیروهای انقلابی قرار گیرد. ما به این منظور فعالانه در این مباحث شرکت نمودیم.

در سلسله مباحث آزاد تلویزیونی، نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب جمهوری اسلامی ایران حوزه علمیه قم، حزب توده ایران و جنبش مسلمانان مبارز شرکت نمودند. نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران، جاما، دفتر ریاست جمهوری، جبهه ملی و نهضت آزادی تنها

در جلسه ندارکات این "مباحثات" شرکت نمودند و از حضور در جلسات بعدی خودداری کردند.

بخش ایدئولوژیک این برنامه، تحت عنوان "جهان بینی الهی و مادی" در روزهای یکشنبه ۲۷ و دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۶۰، با شرکت آقایان مصباح سروش، احسان طبری به ترتیب از حوزه علمیه قم، "منعرد" و حزب توده ایران پخش شد از سوی سازمان ما رفیق فرخ نگهدار عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این برنامه شرکت نمود.

سازمان ما اعتقاد داشت که در شرایط کنونی طرح مسائل و مشکلات مشخص انقلاب و توده‌های میلیونی مردم ما باید در دستور مباحث قرار گیرد نه مقولات مجرد فلسفی و آکادمیک، ما بدون آنکه ضرورت مبحث ایدئولوژیک را منتفی دانسته باشیم معتقد بودیم که جای چنین مباحثی دانشگاه‌ها و

کنفرانس‌های علمی است. با وجود این از آنجا که شرکت در این مباحث را در خدمت اشاعه دمکراسی انقلابی و ایجاد روحیه نزدیکی و تفاهم بین پیروان اسلام اصیل و معتقدین به سوسیالیسم علمی تشخیص دادیم، از آنجا که نزدیکی در پایه‌های اجتماعی جریان‌های سیاسی مردمی و ضد امپریالیست به وحدت مردم که یک ضرورت و مطالبه عینی انقلاب است، یاری می‌رساندما در این دور از مباحث نیز فعالانه شرکت کردیم.

در ادامه همین مباحث سه جلسه بحث آزاد درباره مسائل سیاسی نیز، با عنوان "آزادی، هرج و مرج و زورمرداری" ضبط شده که امیدواریم هرچه زودتر آماده و پخش شود. در این بخش از طرف حزب جمهوری اسلامی ایران دکتر بهشتی، از جنبش مسلمانان مبارز دکتر پیمان، از حزب توده ایران دکتر کیانوری و از سازمان ما رفیق مهدی فتاپور عضو کمیته مرکزی سازمان شرکت دارند. مباحثه پیرامون مسائل اقتصادی، درباره "روش شناخت و مشکلات اقتصادی" نیز در دستور این مباحثات قرار دارد.

تداوم این سلسله بحث‌ها از نظر سازمان ما، نقش سازنده‌ای در تقویت جبهه نیروهای انقلابی ایفا می‌کند و به همین دلیل شرکت فعال در این مباحثات وظیفه همه سازمان‌های علاقه‌مند به سرنوشت انقلاب است.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند



در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم .

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

- ☆ خلیل سلیمان براد ☆ سرتیپ فصاحت کلام ☆ احمد رضا فیروز
- ☆ محمود بنازی ☆ علی اکبر (فریدون) جعفری ☆ محمد رضا فیروز
- ☆ فرمانعلی زرکاری ☆ عرب غروی (رفیق مادر) ☆ حسین فاطمی
- ☆ مهوس جانی ☆ ارزنگ سانگان نام اسی ☆ میرا بلبل صفا
- ☆ جهانگیر نافروز ☆ ناصر سانگان سام اسی ☆ استاعیل عابدی
- ☆ میرا حاجی ☆ فرید (فاطمه) تروی ☆ بهروز ارمغانی
- ☆ محمود دانایی ☆ فرهاد صدیقی ناشکی ☆ حسن جعفری
- ☆ کاظم سعادتی ☆ عبدالله سحیح ساهی ☆ محمود خرم آبادی
- ☆ کنال کتایف ☆ برصه احمدی اسکویی ☆ سوس نجاری
- ☆ یوزج اسیری ☆ هادی فرهاد بوسک ☆ پروین افروزه
- ☆ حسد دیندار ☆ مصطفی حسن بوراصل ☆ زهرا بدرشاه چی
- ☆ حمید طوفانی ☆ صادقی احمدی ☆ صدیق زارعی
- ☆ یوسف فرنی ☆ زونا علی ناهی ☆ عادل اسکندری

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرج مقاومت، در غرهای آرپنگ، نارنجسار خلق سرگ سار، هر روز جانهای غریبی را در راه انقلاب ستار می‌کند. چون پاک رفقا، دستها و درهای میهن را گلگون می‌سازد و شادت می‌دهد. لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیمکراتیک فردا پیروزی رحمتگان بر آن بنا می‌نهد.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیکار با تجاوزگران

- ☆ اکبر بدلی ☆ علام عباس بحد ☆ کاظم عدی
- ☆ اکبر حقور ☆ عباس الله رنسی ☆ علیرضا کاظمی
- ☆ امیر افانی ☆ محمد رضا احمران ☆ علی حاتم راده
- ☆ علی معاف ☆ سیدالله جعفران راده ☆ ابرج حسن نما
- ☆ حواد کجی ☆ حسدالله ابرج حسن ☆ لطف علی راده
- ☆ البرز بوسنی ☆ ابراهیم سکرچی ☆ پروین کورسان
- ☆ مریم رنسی ☆ عبدالحسن ساه مر ☆ اسحاق باباراده
- ☆ رحیم مصطفی ☆ محمود اسری آبادی ☆ مرتضی دارانی
- ☆ سعید کوسس ☆ فریدون مرتضی راده ☆ زهره موسویون
- ☆ بهرام وزامسی ☆ محمد فاسم فلاح سکی ☆ وحید سکت سر
- ☆ محمود انجو ☆ محمد مهدی بنت اندام ☆ سهراب ناراده
- ☆ خسرو کریمی ☆ محمد اسدالله برادرودیه ☆ کورس ناک س
- ☆ حسن سربعی ☆ محمد حسن بندر آبادی ☆ حسد ولادوس
- ☆ عبدالله بندری ☆ رحیم الله (اسر) اسفندباربور ☆ غلامرضا صهر براد
- ☆ محمد ساردار ☆ بوری مساکان ☆ محمد رضا جعفری
- ☆ سی اسکویی ☆ سعید عباس افابور ☆ منصور دهستانی
- ☆ حسن صالحی ☆ علیرضا خلطی ☆ سیدالله اسماغلی
- ☆ عباس دیندار ☆ افراسات زروسی (سلطانی) ☆ حسن دیندار
- ☆ سیدرجا طالب موسوی

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

رفقا سید محمد شهیدی و محمد رحمانی آزاد شدند، سایر رفقایمان را نیز آزاد کنید

رفیق سید محمد شهیدی که در تاریخ ۲۲ مهرماه ۵۹، حین تهیه گزارش و عکس به منظور افشای جنایات رژیم صدام برای درج در کار ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دستگیر و سپس به حبس ابد محکوم شده بود، و همچنین رفیق محمد رحمانی، از زندان آزاد شدند. ماضن ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، مجدداً نگرانی خود را از وضعیت و سرنوشت رفقا: کوثر آل علی، حسین رستگاری، منصور صفری و دکتر سبزه‌قبایی که در بازداشت جمهوری اسلامی به سر می‌برند، ابراز می‌داریم و خواهان آزادی فوری آنها هستیم.

به دستور "موساد" فعالیت دستجات و باندهای افغانی علیه انقلاب ایران و افغانستان گسترش می‌یابد

تهاجم امپریالیستی به لبنان حلقه دیگری از توطئه کمپ دیوید

جنایت "دولتو" خلق را در پیکار علیه تجاوزگران راسخ ترمی سازد

مزدوران صدام جنایتکار به کمک قاسملوی خائن دهها نفر پاسدار و ارتشی و دیگر افراد بی‌گناه اسیر را ناجوانمردانه به شهادت رسانیده‌اند. مبارزان وحشیانه زندانیان اسیر در زندان دولتو از فجیع‌ترین و نفرت‌انگیزترین جنایات تاریخ است که بدست این مزدوران انجام گرفته است.

این جنایت عزم خلق قهرمان ایران را در پیکار علیه تجاوزگران سفاک صدامی راسخ‌تر و کینه و نفرت همه ما را از این جنایتکاران ددمنش مردم‌کش شعله ورتز ساخته است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اعلام نفرت و انزجار خود از این جنایت و اعلام عزم راسخ در ادامه نبرد با تجاوزگران و حامیان امپریالیست آنان همه نیروهای آگاه و انقلابی را به اتحاد و مقاومتی فشرده‌تر در برابر ددمنشی‌های امپریالیسم و نوکران آن فرا می‌خواند.

پیروزی قطعا" از آن مردم ماست.

دفاعیات امیرانتظام انکار و قبحانه واقعیت

ادامه بحث آزاد تلویزیونی جبهه نیروهای انقلابی را تقویت می‌کنید

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر